

تبلیغ خانواده

ده راهکار عملی برای کاهش اختلاف میان همسران
محمدحسین افشاری کرمانی

راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز با الهام از کلام و سیره معصومان (علیهم السلام)
محمد غلامی

راهکارهای کاربردی در تربیت عقلانی کودکان
راضیه مرزانی

زنان و کارکرد نهاد خانوادگی در تأمین امنیت اجتماعی
کیانوش نریمان

بررسی پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان
وحید رشتبری و ناهیدسادات سیدرضائی

کارکرد خانواده در تقویت امنیت فرهنگی در جامعه
سیده رباب سیدکاظمی

نقش مردان در تأمین امنیت اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام
مرضیه قدیری نوش‌آبادی و فاطمه مرشدی بیدگلی

تبیین رابطه امنیت و نشاط اجتماعی با عفاف
زینب احمدی بیدگلی

نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی از دیدگاه آموزه‌های دینی
معصومه بخشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسؤول: سعید روستا آزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا



دیرینه جایش می زن، خانواده، امنیت



انجمن مطالعات اجتماعی حوزه

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید محمد اکبریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

سعید روستا آزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

میر تقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

نشریه «تبلیغ و خانواده» بر

اساس پروانه انتشار به شماره

ثبت ۹۶۳۳۴ تاریخ

۱۴۰۳/۰۳/۰۷ معاونت امور

مطبوعات و اطلاع رسانی

وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، به عنوان دوفصلنامه

تخصصی منتشر می شود.

تبلیغ فحانواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال چهارم - شماره ششم

بهار و تابستان ۱۴۰۴

شمارگان:

۳۰۰ نسخه

قیمت:

۸۰۰۰۰ تومان

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

ویراستار:

مرتضی غلامی

صفحه آرا:

اکبر اسماعیل پور

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۲۰۲۱ - پایگاه اینترنتی: <http://jpf.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیر زنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر سازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بنیست های بزرگ را درهم بشکنند.

<https://www.leader.ir/fa/speech/10428/>

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

فهرست مطالب

سخن نخست	۵
ده راهکار عملی برای کاهش اختلاف میان همسران	۹
حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی	
راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز با الهام از کلام و سیره معصومان علیهم السلام	۱۹
حجت الاسلام والمسلمین محمد غلامی	
راهکارهای کاربردی در تربیت عقلانی کودکان	۲۹
راضیه مرزانی	
زنان و کارکرد نهاد خانوادگی در تأمین امنیت اجتماعی	۳۹
کیانوش نریمان	
بررسی پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان	۶۷
وحید رشتیری و ناهیدسادات سیدرضائی	
کارکرد خانواده در تقویت امنیت فرهنگی در جامعه	۸۱
سیده‌رباب سیدکاظمی	
نقش مردان در تأمین امنیت اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام	۱۰۵
مرضیه قدیری نوش آبادی و فاطمه مرشدی بیدگلی	
تبیین رابطه امنیت و نشاط اجتماعی با عفاف	۱۲۱
زینب احمدی بیدگلی	
نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی از دیدگاه آموزه‌های دینی	۱۳۵
معصومه بخشی	

سخن نخست

خداوند متعال ازلی و ابدی است و به غیر از آن ذات هستی بخش، همه فانی و نابود شدنی اند: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».^۱ از زمان خلقت حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام، اقوام و ملل گوناگونی آمدند و چند صباحی زیستند و سرانجام همه تسلیم مرگ شدند.

هر که آمد عمارتی نو ساخت رفت و منزل به دیگری پرداخت^۲

جهت جاودانه شدن، راهی جز اتصال و قرب به حضرت حق وجود ندارد: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ».^۳ رنگ خدایی در پرتو ایمان، اسلام و توحید حاصل می‌گردد و چه رنگی بهتر از رنگ خدایی است؟!۴

حادثه عبرت‌آموز عاشورا، یکی از حوادث فراوانی است که در دنیا رخ داده است، اما برخلاف سایر رویدادها، این قیام با عظمت در طول تاریخ زنده مانده و تا ابد جاودان خواهد ماند، زیرا رنگ خدایی داشت. هدف و غایت قصوای امام حسین علیه السلام در خلق این حماسه درخشان تنها حفاظت و مراقبت از دین خدا در برابر انحراف ها و بدعت ها بود: «وَأَيُّ لَمْ أَخْرِجْ أَشِراً وَلَا بَطْراً وَلَا مُفْسِداً وَلَا ظالِماً وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَآبِي عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ».^۴

۱. الرحمن: ۲۶-۲۷.

۲. سعدی، گلستان، دیباچه.

۳. بقره: ۱۳۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.

اخلاص بالای امام علیه السلام و شهدای گرانقدر کربلا راز ماندگاری این حادثه درس آموز است. جاودانگی ثمره مجاهدت کسانی است که با دشمنان دین و ایمان مردم مبارزه کنند و صادقانه بکوشند احکام و شریعت الهی را در دنیا پیاده سازند. حضرت امام خمینی علیه السلام با الگو گرفتن از سالار شهیدان و با همت و تلاش مردم فهیم و مومن ایران اسلامی توانست جمهوری اسلامی را پایه گذاری کنند و ان شاء الله این حرکت انقلابی و اسلامی با رهبری داهیه مقام معظم رهبری حفظه الله تا استقرار کامل اسلام و ظهور منجی عالم حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فدا به حیات طیبه خود ادامه خواهد داد.

در ایام اولین سالروز شهادت شهید رئیسی و شهدای پرواز اردیبهشت قرار داریم. آیت الله رئیسی و آیت الله آل هاشم از مبلغان برجسته کشوری نیز بودند. مقام معظم رهبری در اولین سالروز شهادت شهدای خدمت، درباره رئیس جمهور شهید آیت الله رئیسی علیه السلام فرمود: "ایشان مصداق این آیه شریفه بود که «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا»^۱. این یک معیار مهمی برای مدیریت کشور است... جایگاه سیاسی و اجتماعی او خیلی بالا بود... اما او خودش را از دیگران برتر نمی دانست؛ خودش را در ردیف مردم، مثل مردم، در مواردی کوچک تر از مردم به حساب می آورد؛ با این نگاه، با این دید حکمرانی می کرد بر کشور و دولت را اداره می کرد و کارها را پیش می برد. برای خودش چیزی از این امکان سیاسی و اجتماعی نمی خواست، برداشت نمی کرد؛ همه توانش، همه نیرویش، همه در خدمت مردم بود، برای مردم بود، برای خدمت به بندگان خدا بود، برای اعتلا و ارتقاء آبروی ملی و عزت ملی بود؛ برای خدمت بود و در راه خدمت هم به لقاء الله پیوست؛ این خصوصیت بسیار مهمی در این شهید عزیز است که باید یاد بگیریم."^۲

حجت الاسلام والمسلمین واعظی ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در بیان خاطراتی از شهید آیت الله رئیسی گفتند: "ایشان [شهید رئیسی] همچنین توجهی خاص به دفتر تبلیغات داشت. حتی از مجلات رهتوشه، تولید معاونت تبلیغ دفتر تبلیغات اسلامی، خیلی تمجید می کرد و می گفت؛ من واقعاً از این رهتوشه ها استفاده می کنم... به ما سوژه می دهد و ما با سلیقه و روش خودمان در سخنرانی ها استفاده می کنیم."^۳

۱. قصص: ۸۳.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=60240>

۳. ر.ک: شهید رئیسی هر قدر مقامش بالاتر می رفت، متواضع تر می شد: <http://www.dte.ir/portal/home/?news/660057/693989/966680>

شاگرد لطف و محبت خدای سبحان هستیم که به ما توفیق مجدد عنایت فرمود تا محتوایی درخور برای ایام تبلیغی محرم تهیه کنیم. این محتواها همانند سال‌های گذشته در قالب ره‌توشه‌های ذیل تولید و عرضه شده‌اند:

● **فصلنامه ره‌توشه مبلغان.** مخاطب این فصلنامه عموم مبلغان گرامی هستند. در این فصلنامه مباحث ذیل آمده است:

آبرومندی در دنیا و آخرت در پرتو ارتباط با امام حسین علیه السلام؛ ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه؛ شرب‌خواری، تهدیدی برای امنیت اجتماعی؛ ارزش‌های اسلامی و انسانی در عاشورا و دنیای معاصر؛ فرصت‌های زندگی را دریابیم؛ سنت نصرت الهی و تاثیر آن بر پایداری و مقاومت؛ فلسفه امامت و قیام عاشورا؛ تربیت سیاسی در سایه‌سار مکتب عاشورا؛ معیارهای حق و باطل از منظر قرآن و روایات؛ خوانشی تاریخی از زیارت وارث؛ خداشناسی در دعای عرفه؛ نماز عاشورایی: از فریضه عبادی تا ستون مقاومت؛ عبودیت و عبادت در سیره رفتاری اصحاب امام حسین علیه السلام؛ قرض الحسنه: جایگاه دینی، آثار اقتصادی و اجتماعی.

● **دو فصلنامه تبلیغ و خانواده:** این دو فصلنامه با همکاری انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه علمیه قم و دبیرخانه همایش ملی زن، خانواده، امنیت تهیه شده است. مخاطب این دو فصلنامه همه مبلغان، به ویژه مبلغان محترمی هستند که در عرصه خانواده تبلیغ می‌کنند. این دو فصلنامه به موضوعات ذیل پرداخته است:

ده راهکار عملی برای کاهش اختلاف میان همسران؛ راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز با الهام از کلام و سیره معصومان علیهم السلام؛ راهکارهای کاربردی در تربیت عقلانی کودکان؛ زنان و کارکرد نهاد خانوادگی در تأمین امنیت اجتماعی؛ بررسی پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان؛ نقش معنویت در امنیت روانی زنان؛ کارکرد خانواده در تقویت امنیت فرهنگی در جامعه؛ نقش مردان در تأمین امنیت اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام؛ تبیین رابطه امنیت و نشاط اجتماعی با عفاف؛ نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی از منظر آموزه‌های دینی.

● **دو فصلنامه تبلیغ و تقریب:** رویکرد این دو فصلنامه تقریبی است. مخاطب این فصلنامه همه مبلغان به ویژه مبلغانی هستند که در مناطق مشترک شیعه و سنی به تبلیغ اشتغال دارند. در این مجموعه مباحث ذیل مطرح شده است:

عاشورا؛ تبیین دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)؛ وحدت اسلامی و خط‌مشی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ امام حسین علیه السلام الگوی مقاومت در برابر ظلم و بی‌عدالتی؛ تجلی پیام‌های قرآنی در قیام عاشورا؛ امام حسین علیه السلام و دشمن‌شناسی؛

پیام‌های عاشورا برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی؛ اهداف مقاومت در نگرش امامین انقلاب؛ امام محمد باقر علیه السلام در منابع اهل سنت. انتظار می‌رود مبلغان گرامی با مطالعه و استفاده از محتوای فصلنامه‌ها، از پیشنهادات و انتقادات سازنده و تجربیات ارزشمند خود ما را بهره‌مند سازند. در پایان لازم می‌دانم از نویسندگان محترم و همه کسانی که در تولید و عرضه این مجموعه ارزشمند تلاش کردند، به ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر و موفقیت و خوشبختی آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

سعید روستاآزاد
معاون فرهنگی و تبلیغی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ده راهکار عملی برای کاهش اختلاف میان همسران

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

چکیده

سلامت عاطفی و روانی جامعه ارتباط تنگاتنگی با سلامت خانواده و کیفیت روابط زناشویی دارد، تا جایی که رضایت زناشویی به عنوان عامل اصلی آرامش و تکامل اعضای خانواده شناخته می شود. با توجه به روند صعودی آمار طلاق در ایران از سال ۱۳۸۵ تا کنون، که نشان دهنده بخش آشکاری از تعارضات زناشویی در کشور است، مدیریت صحیح این اختلافات اهمیت بسزایی می یابد. این مقاله با اذعان به اینکه اختلافات زناشویی بخشی طبیعی از زندگی مشترک هستند، به مسئله شیوه مدیریت این تعارضات می پردازد که می تواند بر تحکیم و تعالی روابط یا فروپاشی آن تأثیرگذار باشد. هدف این پژوهش، ارائه ده راهکار عملی است که زوجین را در کاهش اختلافات، تحکیم بنیان خانواده، و ارتقاء رضایت زناشویی یاری رساند. واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، تعارضات زناشویی، طلاق، مدیریت اختلافات، راهکارهای عملی، روابط زوجین.

مقدمه

سلامت عاطفی و روانی افراد جامعه در گرو سلامت خانواده و سلامت خانواده وابسته به سلامت و تداوم روابط زن و شوهر است. روان‌شناسان و همه افرادی که در حوزه خانواده پژوهش می‌کنند، رضایت زناشویی را عامل اصلی آرامش روانی و تکامل اعضای خانواده برشمرده‌اند و به عوامل مؤثر در رضایت زناشویی زوجین اهمیت می‌دهند (اسماعیل‌پور و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۳۱). روندهای صعودی طلاق از مشخصه‌های بارز تحولات در حوزه خانواده در دهه‌های اخیر دانسته می‌شود. بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، میزان طلاق در ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا کنون پیوسته در حال افزایش است و این روند افزایش تا سال ۱۴۰۲ ادامه داشته است. نکته قابل توجه این است که این آمار بالای طلاق در کشور، تنها بخشی از تعارضات زناشویی است که به مراجع قضایی ارجاع شده‌اند و به جدایی زوجین منجر گردیده است؛ درحالی‌که بدیهی است وجود تعارض در خانواده‌ها تنها به مواردی که به طلاق انجامیده است، محدود نمی‌شود (جهانی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۶: ص ۱۱۱).

اختلاف‌های زناشویی بخشی طبیعی از زندگی مشترک هستند؛ ولی مسئله مهم، شیوه مدیریت اختلاف‌ها و تعارض‌هاست که می‌تواند تأثیر عمیقی بر تحکیم و تعالی داشته باشد یا به گسست خانواده منجر شود. از دیدگاه متون دینی و یافته‌های روان‌شناختی که ارزش والایی برای خانواده قائل‌اند و به گونه‌ای آن را نهادی مقدس (مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۴۰، ص ۲۲۲، ح ۱۰۳) می‌دانند، راهکارهای عملی بسیاری می‌تواند به همسران کمک کند تا اختلاف‌های خود را به شیوه‌ای سالم و سازنده حل کنند.

در این نوشتار ده راهکار عملی برای کاهش اختلاف میان همسران را بر اساس متون دینی و یافته‌های روان‌شناختی بیان می‌داریم.

۱. مدیریت خشم

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «هر مردی که به صورت همسرش سیلی بزند، خدا به فرشته مأمور دوزخ [مالک] دستور می‌دهد که در دوزخ هفتاد سیلی بر صورتش بزند و هر مردی که دستش را بر موهای زن مسلمانی بگذارد [برای اذیت موی سرش را بگیرد]، در دوزخ دستش با میخ‌های آتشین کوبیده می‌شود» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۵۵۰).

مدیریت نکردن خشم و عصبانیت در برابر طرف مقابل، اختلاف‌های میان را همسران تشدید کند. کنترل خشم و حفظ آرامش به هنگام بحث، به حل مسئله کمک می‌کند. مدیریت نکردن خشم زمینه‌ساز سوءتفاهم، کینه و درگیری میان همسران می‌شود و در صورت تداوم این‌گونه روابط، موجب افزایش خشونت خانگی در انواع مختلف آن و در نهایت فروپاشی عاطفی و طلاق در خانواده می‌گردد.

یکی دیگر از آسیب‌هایی که این نوع روابط غیرمنطقی می‌تواند همراه داشته باشد، کاهش رضایت‌مندی جنسی و کاهش سازگاری زناشویی است. افزون بر این موارد، مشکلات روانی و تضعیف سیستم ایمنی بدن فرد هنگام خشم همچون بالا رفتن فشار خون و تضعیف سیستم ایمنی بدن از آسیب‌هایی است که برای فرد خشمگین به همراه خواهد داشت.

راهکار عملی: هنگامی که یکی از همسران احساس می‌کند تاب حرف‌های طرف مقابل را ندارد و در حال وارد شدن به هیجان خشم است، لازم است چند دقیقه‌ای سکوت کند، نفس عمیق بکشد یا از محیط دور شود تا بتواند آرامش خود را بازیابد.

۲. استفاده از روش «من» به جای «تو»

بیان احساسات شخصی به جای سرزنش طرف مقابل، یکی از مهارت‌های کلیدی در روابط زناشویی است. به کارگیری جمله‌هایی مانند «من زمانی ناراحت می‌شوم که...» به جای متهم کردن همسر با عباراتی نظیر «تو همیشه این کار را می‌کنی!»، فضایی را برای همدلی و درک متقابل میان زوجین فراهم می‌آورد. این روش می‌تواند از تبدیل گفتگوها به مشاجره جلوگیری کند و مسیر را برای حل مسائل و چالش‌هایی که ممکن است منجر به تعارض میان آنها شده باشد، به شیوه‌ای سازنده هموار سازد.

راهکار عملی: پیام‌زیم به جای گفتن «تو همیشه این کار را می‌کنی»، بگوییم «من احساس می‌کنم نادیده گرفته می‌شوم وقتی این اتفاق می‌افتد».

۳. تمرکز بر حل مسئله، نه برنده شدن

باید برای رابطه میان همسران ارزشی مضاعف در برابر دیگر روابط قائل شد. افزون بر اینکه خدای متعال این پیوند را بر مبنای مودت و رحمت بنا نهاده است، حفظ این رابطه بر اساس همین دو اصل بسیار ضروری است و می‌تواند نه تنها به تحکیم خانواده کمک کند، بلکه آن را به

سوی اهداف عالیه انسانی نیز ارتقا بخشد. بنابراین بسیار مهم است که همسران در زمان‌هایی که احساس می‌کنند دارای تعارض و اختلاف شده‌اند، به جای تلاش برای سیطره بر یکدیگر، به دنبال راهی برای حل مسئله باشند. لازم است بر این نکته تأکید شود که هدف از حل اختلاف، دستیابی به راه‌حلی مشترک است، نه برنده‌شدن در بحث.

راهکار عملی: همسران به جای کوشش برای اثبات حقانیت خود بر دیگری، در پی یافتن راه‌حلی باشند که رضایت هر دو طرف را جلب کند و موجب رفع مسئله گردد.

۴. بخشش و گذشت

بخشش و گذشت از خطاهای یکدیگر، یکی از توصیه‌های مهم دین به مؤمنان است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اذا أسيء اليكم فأغفوا واصفحوا كما تُحِبُّونَ أَنْ يُعْفَى عَنْكُمْ: اگر کسی به شما بدی کرد، شما چشم‌پوشی کنید و گذشت داشته باشید؛ همان‌طور که دوست دارید دیگران هم در برابر شما گذشت داشته باشند» (مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۷۴، ص ۲۸۹).

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد «ما حقُّ المرأةِ على زوجها الذي إذا فعله كان مُحسنًا؟ قال ... وَ إِنْ جَهِلْتُ عَفِّرْ لَهَا: حق زن بر شوهرش چیست که اگر مرد آن را انجام دهد، نیکوکار است؟ فرمودند: ... اگر زن از روی جهل خطایی کرد، مرد او را ببخشد» (کلینی، [بی‌تا]: ج ۵، ص ۵۱۰). عفو و گذشت تا آنجا اهمیت دارد که قرآن کریم عفو و گذشت را از موارد احسان می‌داند و فرد دارای احسان، محبوب خداوند متعال است: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (آل‌عمران: ۱۳۴). زن و مرد هر دو در مسیر زندگی مشترک دچار اشتباه می‌شوند و هر یک باید با گذشت از خطاهای طرف مقابل، فضای گرم و صمیمی خانواده را حفظ کنند و از طرف دیگر با عفو و گذشت، محبوب خداوند متعال خواهند شد.

مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا گر تو شکیب داری طاقت نم‌اند ما را
باری به چشم احسان در حال ما نظر کن کز خوان پادشاهان راحت بود گدا را
(سعدی)

بخشش عیب‌های دیگران زمینه‌ساز افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس دیگری شود و در دفعات بعدی اگر عیب و تقصیر از سوی دیگری باشد، به راحتی از عیب‌های طرف مقابل بگذرد. مهم

در این میان آن است که توجه داشته باشیم همسری که در کنار ما زندگی می‌کند، دارای عصمت از گناهان نیست و او کسی است همچون ما که امکان خطا در او تصورپذیر است؛ ولی آنچه نباید باشد، اصرار بر کار خطا و گناه است، وگرنه انسان هرگز از خطا و معصیت دور نیست، به جز انبیا و ائمه معصومان علیهم‌السلام.

راهکار عملی: به جای نگه‌داشتن کینه، سعی کنید خطاهای کوچک را نادیده بگیرید و از همسر خود عذرخواهی کنید. در مورد خطاهای بزرگ که می‌تواند آسیب جدی به خانواده وارد کند، لازم است با گفتگوها و بیان استدلال‌های منطقی طرف مقابل را متقاعد کرد تا از تکرار آن خطاها در زمان دیگر جلوگیری شود.

۵. تعیین حدود مرزهای سالم

یکی از مسائل مهم خانواده، ساختار و مرزهای آن است که در نظریات مشاوره خانواده توجه ویژه‌ای به آن شده است. مرزهای خانواده خطوطی فرضی مربوط به جنبه‌های ارتباطی اعضای خانواده هستند که اموری مانند روابط کلامی و غیرکلامی، مسئولیت‌ها، توقعات متقابل و قواعد ارتباطی اعضای خانواده، مقررات و کیفیت عضویت در خانواده را شامل می‌شوند. همواره قواعد و مقررات پیدا و پنهان به اعضای خانواده کمک می‌کند با یکدیگر تعامل کنند و ناظر به آداب معاشرت، روابط بین فردی و رفتاری پسندیده در موقعیت‌های گوناگون است. توقعات نیز مربوط به انتظارهای افراد از یکدیگر و از خانواده است. تعیین حدود مرزهای مشخص در رابطه، از بروز بسیاری اختلاف‌ها جلوگیری می‌کند.

عملکرد مرز، تعیین قوانین حاکم بر تعاملات و کیفیت و کمیت ارتباط اعضای خانواده، تعیین حدود رفتاری اعضای خانواده در تعامل با یکدیگر، تعیین فضای اختصاصی روانی - فیزیکی برای تمامی اعضای خانواده و بازداشتن دیگران از ورود به آن فضا است. قرآن کریم وجود مرزهایی را بین اعضای خانواده ضروری می‌داند و در آیات مختلف آنها را معرفی کرده است (شعاع کاظمی، ۱۳۹۴: ص ۱۵۱). آن آموزه‌های قرآنی و روایی که ناظر به تنظیم روابط داخلی اعضای خانواده (رابطه زوجین با یکدیگر، رابطه والدین با فرزندان و رابطه فرزندان با والدین) است، مرزهای درونی خانواده نامیده می‌شوند (هوشیاری و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۲۰).

تعهد عام زناشویی به معنای پایبندی همسران به حدود و مرزهای زوجینی است که شامل تمام حقوق و تکالیف اختصاصی و مشترک، کمیت و کیفیت تعاملات پسندیده، فضای روانی - فیزیکی اختصاصی، رازداری زناشویی، مرزهای اخلاقی و دیگر بایدها و نبایدها و مستحبات و مکروهات ناظر به تعاملات زوجینی است. تعهد خاص زناشویی نیز به معنای محدود کردن تعاملات عاطفی - جنسی به همسر قانونی است (نساء: ۲۱؛ معارج: ۲۹ - ۳۰، احزاب: ۳۵؛ مؤمنون: ۶ - ۷).

رازداری اطلاعاتی یکی دیگر از مرزهای زوجینی است و همسران نباید اطلاعات و اسرار همسر خود را از حریم زوجینی و خانواده خارج کنند (هوشیاری و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۲۱). قرآن کریم به این مرز توجه ویژه‌ای کرده است و زنانی را که حافظ اسرار شوهرانشان هستند تمجید می‌کند: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ: زنان صالح، زنانی هستند که متواضع اند و در غیاب [همسر خود]، اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند» (نساء: ۳۴). همچنین با نکوهش همسران حضرت نوح علیه السلام و حضرت لوط علیه السلام پایبند نبودن به این مرز و افشای اسرار شوهر را خیانت به وی نامیده است: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ: خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند؛ ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] سودی به حالشان [در برابر عذاب الهی] نداشت. و به آنها گفته شد وارد آتش شوید، همراه کسانی که وارد می‌شوند» (تحریم: ۱۰). البته باید توجه داشت رازداری اطلاعاتی منحصر به زنان نیست و مردان نیز باید پایبند به مرزهای اطلاعاتی باشند؛ چون در غیر این حالت مشکلات وجودداشتن مرزهای صحیح به وجود می‌آید.

نکته قابل ذکر این است که یکی از عوامل مؤثر در افزایش اختلاف میان همسران، دخالت‌های بی‌مورد خانواده‌ها یا افراد غیر مجرب در روند حل مسائل و رفع تعارض‌هاست؛ به همین دلیل زن و شوهر باید از همان ابتدای بروز اختلاف در زندگی خود، بکوشند اختلاف‌ها در زندگی از مرز خانواده و روابطشان فراتر نرود و به حریم رابطه‌شان با فرزندان و خانواده‌های اصلی سرایت نکنند. اگر قرار است شخص سومی در حل اختلاف دخیل شود، باید آن فرد یک مشاور باتجربه باشد. دخالت اطرافیان می‌تواند اختلاف‌ها را تشدید کند و سبب پیچیده‌تر شدن مسئله شود.

راهکار عملی: درباره مسائلی مانند حریم شخصی، مرزهای اطلاعاتی، مرزهای عاطفی رفتاری، مسئولیت‌ها و انتظارات با هم صحبت کنید و به توافق برسید و به آن توافق‌ها و مرزهای توافق‌شده پایبند باشید.

برای برخورد با کسانی که قصد ورود به مرز خانواده دارند، تعیین مرزهای واضح، گفتگوی محترمانه و مشاوره حرفه‌ای را مدنظر قرار دهید. حفظ احترام و محدودکردن ارتباطات در صورت ادامه دخالت‌ها نیز ضروری است.

۶. توجه به نیازهای عاطفی یکدیگر

زن و مرد خردمند و شایسته می‌داند کسی که با او زندگی می‌کند، تشنه محبت و دوستی اوست و دل او به محبت همسرش زنده می‌باشد. اگر زن یا شوهری بداند که محبوب واقعی همسرش نیست، احساس بی‌کسی، تنهایی و غربت می‌کند و همیشه پژمرده، غمگین و ناراحت و مضطرب است؛ ولی همسران نیک‌اندیش و مهربان، محبت و دوستی خود به دیگری را به زبان می‌آورند و عشق و علاقه خود را در قالب واژه‌های طیب و زیبا و پرمفهوم عینیت می‌بخشند.

در روایتی آمده است که فردی نزد پیامبر اسلام ﷺ رسید و گفت: «همسری دارم که هنگام ورود به خانه به استقبال من می‌آید و هنگام خروج بدرقه‌ام می‌کند. هنگامی که مرا اندوهناک یافت، در تسلائی من می‌گوید: اگر درباره رزق و روزی می‌اندیشی، غصه نخور که خدا ضامن روزی است و اگر در امور آخرت می‌اندیشی، خدا اندیشه و اهتمام تو را زیاده گرداند». رسول خدا ﷺ فرمود: «خدای را در این جهان کارگزارانی است و این زن یکی از کارگزاران خداست؛ چنین همسری نصف اجر یک شهید را خواهد داشت» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ص ۱۷).

بسیاری از اختلاف‌های میان زوجین از نادیده‌گرفتن نیازهای عاطفی یکدیگر سرچشمه می‌گیرد. هر فرد در یک رابطه به توجه، محبت و اعتبار نیاز دارد و در صورتی که این نیازها برآورده نشود، ممکن است احساس تنهایی و بی‌توجهی کند. این وضعیت می‌تواند موجب ایجاد فاصله عاطفی بین همسران و بروز حسادت، ناکامی یا سرخوردگی شود. همچنین نداشتن ارتباط در مورد نیازهای عاطفی می‌تواند منجر به سوءتفاهم‌ها گردد. بنابراین زوجین باید به نیازهای عاطفی یکدیگر توجه کنند.

راهکار عملی: سعی کنید نیازهای عاطفی همسر خود را درک کنید و به آنها توجه نشان دهید. برای درک و توجه به نیازهای عاطفی همسر خود، از راهکارهای زیر می‌توانید استفاده کنید:

الف) گفتگوی فعال و مستمر: زمان‌هایی را برای گفتگو با همسر خود اختصاص دهید و به‌دقت به شنیده‌های او گوش دهید. از او سؤال پرسید و بخواهید که راحت و با توضیح کامل درباره آنها پاسخ بدهد. حرف‌های او را قطع نکنید و با تمرکز به حرف‌های او گوش بدهید.

ب) توجه به زبان بدن: به نشانه‌های غیرکلامی از جمله زبان بدن و لحن صدا دقت کنید. این نشانه‌ها می‌توانند اطلاعات زیادی درباره احساسات عاطفی همسر شما ارائه دهند.

ج) ابراز محبت: محبت خود را به شکل‌های مختلف ابراز کنید؛ مانند کلمات دلگرم‌کننده، تحسین و اعمال محبت‌آمیز. این کار سبب می‌شود همسران احساس ارزشمندی کنند.

د) اندیشیدن به نیازهای او: با مشاهده رفتارها و علایق همسر، به نیازهای عاطفی او فکر کنید و در موقعیت‌های مختلف بکوشید آنها را برآورده کنید.

۷. پرهیز از مقایسه همسر با دیگری

مقایسه همسر با دیگران به طور قابل توجهی احساس ناکامی و نارضایتی را در یک رابطه ایجاد می‌کند. این مقایسه می‌تواند احساس بی‌ارزشی و عدم کفایت را درون همسر تقویت می‌کند. این حس نارضایتی ممکن است منجر به بروز انتقادهای، عدم اعتماد و سوءبرداشت شود که درنهایت رابطه را آسیب‌پذیر می‌کند. به جای مقایسه، لازم است زوجین به تمایزات و نقاط قوت یکدیگر توجه کنند و بر روی تقویت رابطه و ایجاد تفاهم تمرکز نمایند تا احساس رضایت و خوشبختی را در زندگی زناشویی خود حفظ کنند.

راهکارهای عملی: همسری که اقدام به مقایسه می‌کند، برای اصلاح رفتار خود گام‌هایی را بردارد تا بتوان مسائل را به‌خوبی و از یک مسیر درست حل کرد. لازم است همسران به جای مقایسه، بر نقاط قوت و ویژگی‌های مثبت دیگری تمرکز کنند. آنها را به‌خوبی مشاهده کنند و ویژگی‌های مثبت همسر را به وی انعکاس دهند.

۸. یافتن نقاط مشترک

تمرکز بر نقاط و ارزش‌های مشترک میان همسران، راهکاری اساسی برای کاهش اختلاف‌ها و درنهایت تقویت پیوند زناشویی و تحکیم خانواده است. این رویکرد با تأکید بر همسویی‌ها و زمینه‌های توافق، فضایی مثبت و سازنده برای تعامل ایجاد می‌کند. زمانی که زوجین بر علایق، اهداف و باورهای مشترک خود متمرکز می‌شوند، احساس نزدیکی و همدلی بیشتری را تجربه می‌کنند؛ درنتیجه احتمال بروز سوءتفاهم و درگیری کاهش می‌یابد.

افزون بر این یادآوری ارزش‌های مشترک به‌ویژه در زمان بروز اختلاف، به زوجین کمک می‌کند دیدگاه وسیع‌تری به مسائل داشته باشند و از منظر ارزش‌های بنیادین خود، به دنبال راه‌حلی‌هایی سازنده باشند؛ برای مثال اگر صداقت و احترام متقابل جزء ارزش‌های اصلی یک زوج باشد، آنها تلاش خواهند کرد در زمان اختلاف نیز با صداقت و احترام با یکدیگر رفتار کنند و از توهین و تحقیر اجتناب ورزند. این امر نه تنها از تشدید اختلاف‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه زمینه‌ساز حل مسالمت‌آمیز و تقویت اعتماد و صمیمیت نیز می‌شود.

راهکار عملی: درباره اهداف و ارزش‌های مشترک خود صحبت کنید و بر آنها تمرکز نمایید. گفتگو فرصت مناسبی را برای زوجین فراهم می‌کند تا درک عمیق‌تری از یکدیگر پیدا کنند و در راه رسیدن به اهداف مشترک، یاری‌رسان هم باشند.

وقتی همسران بیاموزند که درباره اهداف خود (مانند تربیت فرزندان، پیشرفت شغلی، بهبود وضعیت مالی یا سفر به دور دنیا) صحبت کنند، آن وقت به راحتی می‌توانند استراتژی‌هایی را برای رسیدن به این اهداف با هم تعیین کنند و در این مسیر، از حمایت یکدیگر بهره‌مند شوند. همکاری و هم‌فکری، احساس اتحاد و هم‌بستگی در بین زوجین را تقویت می‌کند.

۹. تعیین زمان استراحت در بحث

ادامه بحث در شرایط پرتنش، اغلب همچون ریختن بنزین بر آتش است که تنها به تشدید اختلاف میان زوجین منجر می‌شود. در این لحظات، هیجان‌هایی منفی همچون خشم در هر دو طرف فعال می‌شود و توانایی تفکر منطقی و همدلانه به شدت کاهش می‌یابد. هر کلمه و هر حرکت به جای آنکه در راستای حل مسئله باشد، به عاملی برای تحریک بیشتر و دفاع از خود تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی بهتر است از تکنیک «توقف موقت» استفاده کرد؛ به معنای ترک موقت صحنه بحث برای آرام کردن اعصاب و بازگشت به حالت تعادل. می‌توان به پیاده‌روی رفت، یک برنامه تلویزیونی را نگاه کرد، عبادت کرد، دوش گرفت یا هر فعالیت دیگری که به کاهش استرس کمک می‌کند، انجام داد.

راهکار عملی: هنگام رسیدن بحث به بن‌بست، مدتی استراحت کنید و بعد با آرامش بیشتر به موضوع بازگردید.

۱۰. استفاده از مشاوره و کمک تخصصی

برخی مواقع ممکن است تعارض‌ها و درگیری‌های همسران به اندازه‌ای بالا گرفته باشد که نیاز به

مشاوره از متخصصان امر (مشاوران خانواده) باشد. مشاوره خانواده گامی مؤثر برای زوج‌هایی است که در روابط خود با تعارض مواجه شده‌اند. مشاور با ایجاد فضایی امن و بی‌طرفانه، به همسران کمک می‌کند الگوهای ارتباطی ناکارآمد خود را شناسایی و درک کنند. این فرایند منجر به تقویت مهارت‌های ارتباطی آن دو و درنهایت همدلی و حل مسئله می‌شود. همچنین مشاوره به زوجین در شناخت بهتر نیازها و انتظارات یکدیگر کمک می‌کند و راه‌هایی برای ترمیم اعتماد و صمیمیت از دست‌رفته ارائه می‌دهد. درنهایت مشاوره خانواده ابزاری قدرتمند برای بهبود کیفیت زندگی زناشویی و پیشگیری از فروپاشی آن است.

راهکار عملی: در صورت نیاز، از یک مشاور خانواده متعهد و باتجربه در حوزه روابط زناشویی کمک بگیرید.

کتاب‌نامه

۱. اسماعیل‌پور، خلیل، وجیهه خواجه و نفیسه مهدوی، «پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران بر اساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی»، خانواده‌پژوهی، س ۹، ش ۳۳، ۱۳۹۲ ش.
۲. آمدی، ابوالفتح، غرالحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ق.
۳. جهانی دولت‌آباد، اسماعیل، «تبیین نظری تعارضات زناشویی با رویکرد پارادایمی»، خانواده‌پژوهی، س ۱۳، ش ۴۹، ۱۳۹۶ ش.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۴ ق.
۵. شعاع کاظمی، مهرانگیز، بهداشت روانی خانواده برگرفته از رویکردهای روان‌شناسی و اسلامی و بارویکرد فرهنگی، تهران: مؤسسه آوای نور، ۱۳۹۴ ش.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۷. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۸. هوشیاری، جعفر، محمد مهدی صفورایی، سیدحمید جزایری و حسن تقییان، «مرزهای درونی خانواده از نگاه روان‌شناسی و قرآن کریم»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، س ۸، ش ۲۰، ۱۳۹۹ ش.

راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز با الهام از کلام و سیره معصومان علیهم السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمد غلامی*

چکیده

نماز به عنوان یکی از اساسی ترین دستورات الهی، نقش محوری در قرارداد انسان در مسیر اطاعت از خداوند و جدایی از طغیانگری دارد. قرآن کریم رستگاری را پس از ایمان و اطاعت از خداوند، در گرو برپاداشتن نماز می داند و بر تسبیح گویی تمامی موجودات عالم تأکید می کند. با این حال، با وجود اهمیت بی بدیل نماز و اثرات تربیتی و روانی آن در زندگی فردی و اجتماعی، کودکان امروزی با چالش های بسیاری در گرایش به آن مواجه اند. این پژوهش با الهام از کلام و سیره معصومین علیهم السلام، به بررسی راهکارهای مؤثر در ترغیب و جذب کودکان به نماز می پردازد. هدف از ارائه این راهکارها، ایجاد و تعمیق علاقه به نماز در شخصیت فرزندان است تا زمینه رشد معنوی، تقویت وجدان اخلاقی و سلامت اجتماعی آنان فراهم آید. واژگان کلیدی: نماز، ترغیب، فرزندان، سیره معصومین، تربیت دینی، رشد معنوی، سلامت اجتماعی.

مقدمه

نماز یکی از مهم‌ترین دستورهای خداوند است که انسان را در ورطه موجودات مُنقاد خداوند قرار می‌دهد و او را از صف طغیانگران و عاصیان درگاه‌الهی جدا می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (حج: ۷۷) در این آیه بعد از ایمان به خدا، اطاعت از او و برپاداشتن نماز، شرط رستگاری و هدایت دانسته شده است. بر اساس تصریح قرآن کریم تمامی موجودات حتی کوه‌ها و جمادات و نباتات، دواب و پرندگان تسبیح‌گوی پروردگار هستند: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور: ۴۱) آیا ندیدی تمام آنان که در آسمان‌ها و زمین‌اند، برای خدا تسبیح می‌کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌داند و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست».

اگر انسان در زندگی خود اهل عبادت و نماز باشد، ارزش و مقام بالاتری در بین همه مخلوقات پیدا خواهد کرد؛ چراکه عبادت و تسبیح او از روی اختیار است. برای این انتخاب ارزشمند مراقبت و دقت کافی از اول زندگی و دوران کودکی لازم است که در این میان نقش خانواده و والدین از اهمیت بسزایی برخوردار است. امام حسین (علیه السلام) حتی در سخت‌ترین شرایط و در بحبوحه جنگ دست از دعوت و تشویق اطرافیان به نماز برنداشت که نشان می‌دهد نماز روح یک جامعه توحیدی است.

این نوشتار در پی بررسی نقش والدین برای ترویج و توسعه فرهنگ نماز بین فرزندان با تکیه بر سیره اهل بیت (علیهم السلام) است تا از این منظر مسیر مشخصی برای رشد معنوی متربیان در پرتو نماز و جلوگیری از خطا و انحراف در تربیت دینی کودکان ترسیم گردد.

نقش نماز در تربیت

نماز در نگاه قرآن، سپری معنوی معرفی شده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵) نماز انسان را از گناه و زشتی باز می‌دارد». این آیه ناظر به کارکرد تربیتی نماز در مهار غرایز و تقویت وجدان دینی است. ای که عمری است به دنبال خدا می‌گردد بهترین راه ملاقات نماز است نماز

راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز با الهام از کلام و سیره معصومان علیهم السلام ■ ۲۱

ذات حق را چه نیازی به نماز من و توست زینت خانه اموات نماز است نماز

(مرتضی اسکندری، دیوان اشعار)

یکی از ارکان اساسی تربیت دینی فرزندان، دعوت همراه با تشویق به نماز است؛ مسئله‌ای که در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. نماز نه تنها تکلیف عبادی، بلکه ابزاری مؤثر برای پرورش روح، تهذیب نفس و تقویت فطرت خداجویی در نهاد فرزندان است. (اکبر دهقان، ۱۳۷۹: ص ۱۸۶)

ائمه معصومان علیهم‌السلام از نماز به عنوان پایه‌ای برای تربیت معنوی یاد کرده‌اند. امام رضا علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید: «لَيْلًا يَكُونُوا نَاسِيْنَ لِذِكْرِهِ وَ لَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ وَ لَا لَاهِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ: (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳۹، ح ۳۹) هدف از عبادت آن است که انسان از یاد خدا غافل نشود، ادب بندگی را فراموش نکند و از دستورهای الهی دور نماند».

نماز از منظر تربیتی، نخستین گام قرارگرفتن فرزندان در مسیر معنویت است. انس با نماز باورهای دینی را تقویت می‌کند و موجب می‌شود کودک به حضور دائمی خدا در زندگی‌اش باور داشته باشد؛ در نتیجه از بسیاری لغزش‌ها و انحراف‌ها مصون می‌ماند.

نماز همچنین به کودک نظم، انضباط و مسئولیت‌پذیری می‌آموزد؛ زیرا اقامه آن در زمان مشخص، انسان را به تعهد نسبت به وقت و مسئولیت خو می‌دهد. در دنیای پرهیاهوی امروز که رسانه‌ها و فضای مجازی موجب اضطراب و تشتت ذهنی کودکان شده‌اند، نماز می‌تواند گوهر آرامش قلب باشد؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (رعد: ۲۸) از دیدگاه روان‌شناسی نیز تحقیقات نشان داده‌اند دین‌داری و عبادت‌های منظم موجب کاهش اضطراب و افزایش احساس امنیت روانی می‌شود. (بیت‌هالامی و آرگیل، ۱۳۸۲: ص ۱۸۹) امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «بِالْإِيمَانِ يُرْتَقَى إِلَى ذُرْوَةِ السَّعَادَةِ وَ نِهَایَةِ الْخُبُورِ: (عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۸۹) ایمان انسان را به اوج سعادت و نهایت شادی می‌رساند». علامه طباطبایی می‌نویسد: «کسی که از یاد خدا غافل شود، دچار حرص، طمع و اضطراب دائمی خواهد شد و نیازدگی او را از رضایت و آرامش دور می‌کند؛ اما نمازگزار شاکر، قانع و مقاوم در برابر مشکلات است». (سیدمحمدحسین طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ص ۲۲۵) بنابراین می‌توان نماز را نظامی کامل در تربیت دینی دانست؛ نظامی که فرزندان را برای پذیرش ارزش‌های اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سلامت روانی آماده می‌سازد و آنها را در مسیر قرب الهی هدایت می‌کند.

خانواده اصلی‌ترین مشوق نماز

خانواده در نگاهی کلی، عامل انتقال فرهنگ است که به لحاظ ایجاد پیوندهایی میان نسل‌های مختلف می‌تواند میراث‌های فرهنگی و تربیتی خود را به نسل‌های بعدی منتقل کند. هر فرهنگی به‌ویژه فرهنگ اقامه نماز برای تداوم حیات و موجودیت خود به نوعی گسترش و توسعه از طریق پیام‌ها، عناصر و مؤلفه‌های متنوع خویش نیاز دارد و خانواده بستر مساعدی برای چنین منظوری است؛ زیرا ارتباطات فکری و فرهنگی میان اعضای خانواده فرصت مساعدی برای چنین مقصودی به‌ویژه توسعه فرهنگی پایدار مهیا می‌کند. خانواده در مرحله بعد عامل تکوین هویت فرزند است که در این روند، هویت فردی و شخصی در فضای خانواده به هویت مستحکم خانوادگی و اجتماعی تبدیل می‌شود. (محمد رضا سالاری فر، ۱۳۹۸: ص ۲۱۰)

در تربیت دینی فرزند اصل مهم این است که نباید انتظار داشت فرزندان کارهایی خارج از دنیای خود انجام دهند. انسان در هر سنی، اعمال مقتضای سن و شخصیت خود انجام خواهد داد. بازی و شادی و تفریح حق هر کودکی است؛ بنابراین در مسیر تربیت دینی و دعوت به نماز به هیچ‌وجه نباید حقوق طبیعی او را پایمال کرد. گاهی حتی یک اشتباه در این مسیر آسیب‌هایی به شخصیت دینی کودک می‌زند که تا آخر عمر در وجود او باقی می‌ماند. امام صادق علیه السلام فرمود: «در جوانی بسیار عبادت می‌کردم. پدرم به من فرمود: پسر، کمتر از اینکه می‌بینم عبادت کن که خداوند تعالی هرگاه بنده‌ای را دوست بدارد، به عمل اندک او هم راضی می‌شود». (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۸۷)

اصل مهم بعدی توجه به سن نوجوانی به عنوان دوره حساس در دعوت به نماز است. سن نوجوانی دوران شکل‌گیری اعتقادات شخص به حساب می‌آید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نوجوانان را دریابید؛ زیرا زودتر از دیگران به کارهای خیر روی می‌آورند». (محمد محسن فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۱۰)

روش‌های تشویق به نماز در قول و فعل معصومان علیهم السلام

دعوت فرزندان به نماز مسئولیتی بزرگ برای والدین و مربیان است که اگر به‌درستی و با دقت به سرانجام نرسد، عواقب جبران‌ناپذیری برای خانواده‌ها و جامعه خواهد داشت. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ: (تحریم: ۶)

راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز با الهام از کلام و سیره معصومان علیهم السلام ■ ۲۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیضم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست ننگه دارید».

در ادامه به برخی از شیوه‌های تشویق به نماز اشاره می‌شود.

۱. تعامل صحیح با فرزندان

توصیه‌های رفتاری اسلام بیان می‌کند که تنها والدینی در تربیت دینی موفق هستند که نه سهل‌گیر هستند و نه سخت‌گیر، بلکه از آنان با عنوان والدین مقتدر یاد می‌شود. اینان شیوه‌ای منعطف دارند که در آن به فرزندان آزادی عمل می‌دهند؛ با وجود این محدودیت‌هایی را به آنان اعمال می‌کنند و بر این روش ادله‌ای را به فرزندان ارائه می‌کنند و پاسخ‌گوی نیازها و دیدگاه‌های فرزندان هستند. (محمدرضا سالاری‌فر، ۱۳۹۸: ص ۳۱۷)

۲. هدیه‌دادن به فرزندان

هدیه‌دادن یکی از ابزارهای مؤثر در تشویق فرزندان به انجام کارهای نیکوست؛ در سیره معصومان علیهم‌السلام، نیز دادن هدیه به فرزندان به‌ویژه برای تقویت انگیزه‌های عبادی و دینی رایج بوده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يُحِبُّ أَنْ يُجَازِيَ الْعَبْدَ فِي مَا فَعَلَ مِنَ الطَّاعَاتِ وَلَوْ بِمُدْحَةٍ» (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۹۱) خداوند دوست دارد که بندگان خود را به دلیل طاعت و عبادتشان حتی با کوچک‌ترین پاداش‌ها مانند هدیه تشویق کند». امام علی علیه‌السلام نیز در روایتی فرموده‌اند: «هدیه‌دادن دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند». (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۶۹) هدیه‌دادن برای فرزندان به‌ویژه در انجام فریضه نماز، موجب ایجاد علاقه و محبت به این عبادت می‌شود و سبب می‌گردد که کودک ناخودآگاه از نماز در جایگاه امری خوشایند و پاداش‌دهنده یاد کند. این کار در کنار ترویج نماز، فرصتی است تا والدین ارزش‌های دینی و اخلاقی را در قالب محبت و پاداش‌های ملموس به آنان منتقل کنند.

۳. ارتباط محبت‌آمیز

یکی دیگر از راه‌های ترغیب به نماز، ایجاد ارتباط عاطفی و محبت‌آمیز با فرزندان است. با این اقدام، کودکان به خواسته‌ها علایق و تمایلات والدین احترام می‌گذارند و از محدودسازی و وضع قوانین زورمندانه جلوگیری می‌شود. والدین باید بدانند که با اجبار و اکراه غیرمنطقی نمی‌توان فرزندان را برای هیچ کاری حتی نماز وادار کرد، بلکه باید طوری با فرزندان رفتار شود

که آنان احساس کنند و مطمئن باشند والدین به فکر حال و آینده و زندگی آنان هستند و به آنان بها می دهند.

در قرآن کریم روش لقمان در تربیت فرزندش ذکر شده است که می فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان: ۱۷) پسر، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد، شکیبا باش که این از کارهای مهم است». استفاده از کلمه «بنی»، نشان دهنده لحن مهربانانه و محبت آمیز ایشان به فرزندش است و نشان می دهد که تربیت دینی باید با برخورد همراه با مهر و عطوفت شروع شود و ادامه یابد. فرزندان با این روش تشویق، نماز را به عنوان یک مسئولیت دینی و اخلاقی می پذیرند.

امام حسن علیه السلام می فرماید: «رَأَيْتُ أَبِي يَعْمَلُ عَمَلًا فِي بَيْتِهِ فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَتِ مَا تُرِيدُ بِهَذَا؟ قَالَ: يَا بُنَيَّ أُرِيدُ أَنْ يَتَعَلَّمَ الْأَوْلَادُ مِنِّي: (حسن بن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۱۱۹) دیدم پدرم در خانه کاری انجام می داد، از او پرسیدم پدرجان، هدف شما از این کار چیست؟ فرمود: پسرکم، می خواهم فرزندانم از من یاد بگیرند». این روایت نشان می دهد که امیرالمؤمنین علیه السلام با فرزندش نه با تحکم و دستور مستقیم، بلکه با محبت، الگودهی عملی و احترام به حس کنجکاوی او، زمینه تربیت دینی و اخلاقی را فراهم می کرد. به کاربردن واژه «یا بنی» در این روایت همانند روش لقمان، نشان دهنده ارتباط عاطفی عمیق میان والد و فرزند است. چنین روشی سبب می شود مخاطب احساس ارزشمندی کند و با رغبت آموزش های دینی را بپذیرد، از جمله اقامه نماز.

۴. تکریم و حفظ شخصیت فرزندان

احترام و عزت نفس و حریم خصوصی فرزند باید در همه حال حفظ گردد و با مشاهده اشتباهی از او نباید طوری رفتار شود که غرور و شخصیتش جریحه دار شود و به اقتضائات دوران نوجوانی و رشد او توجه شود. حضرت علی علیه السلام در حدیثی می فرماید: «پیوسته عقل و حماقت در ضمیر نوجوان در ستیزند تا بحران بلوغ را پشت سر بگذارد و به سن هجده سالگی برسد که در آن هنگام با غلبه عقل یا حماقت، به یک سو گرایش می یابد». (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۹۶) بنابراین تکریم شخصیت و اعتدال در انتقاد، گوش دادن همدلانه به حرف های جوانان و پرهیز از عیب جویی بی جهت، موجب جلب محبت می شود و دل های آنان را به پذیرش امر و نهی

راهکارهای ترغیب فرزندان به نماز با الهام از کلام و سیره معصومان علیهم السلام ■ ۲۵

والدین آماده‌تر می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ»؛ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۵، ص ۱۹۵) تقدیم اکرام فرزندان بر تربیت دینی در این حدیث، نشان‌دهنده اهمیت و لزوم حفظ احترام آنان در مسیر تربیت است.

۵. مشارکت دادن فرزندان در نماز جماعت

یکی از روش‌های مؤثر در ترغیب فرزندان به نماز، تشویق آنها به حضور در نماز جماعت است. شرکت در جمع نمازگزاران، کودک را با فضای عبادی و معنوی مسجد یا جماعت خانوادگی آشنا می‌کند و موجب تقویت حس تعلق دینی در او می‌شود. در قرآن آمده است: «وَأُزَكِّوْا مَعَ الرَّاْكِعِينَ» (بقره: ۴۳) با رکوع‌کنندگان رکوع کنید». برخی مفسران، این آیه را ناظر به تشویق به شرکت در نماز جماعت دانسته‌اند. (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۲۰۹) فرزند وقتی همراه خانواده یا جمع نماز می‌خواند، احساس مسئولیت، انس دینی و لذت حضور در کنار دیگران را تجربه می‌کند. این تجربه‌های عاطفی - عبادی، زمینه انس پایدار او با نماز را فراهم می‌کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همواره کودکان را در نماز جماعت همراه می‌کرد؛ به گونه‌ای که گاه در حال سجده، امام حسن یا امام حسین علیهما السلام بر پشت ایشان می‌آمدند و پیامبر صبر می‌کردند تا خودشان فرود آیند. (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۲۸۴)

۶. دعوت لسانی همراه با دعوت عملی

والدین باید ضمن گفتگو و بیان حکم خدا درباره نماز به فرزندان خود نیز الگوی رفتاری خوبی برای آنان باشند. با دقت در سیره عملی اهل بیت علیهم السلام در می‌یابیم آنها با عمل خود، فرزندان و اطرافیان را برای نماز ترغیب می‌کردند. فرزندان باید اهتمام والدین برای انجام فریضه نماز را مشاهده کنند و عشق و علاقه به نماز را از آنان در عمل یاد بگیرند. خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ (طه: ۱۳۲) یعنی افزون بر اینکه اهل خانه را به نماز امر می‌کند، خود نیز باید بر انجام آن اهتمام داشته باشد و در این مسیر همراه آنان باشد و بر این کار صبر پیشه کند.

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمنان واقعی را محافظت از نماز می‌شمرد و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ (مؤمنون: ۹) یعنی مؤمنان افزون بر اینکه نماز را اقامه می‌کنند، در راه حفاظت از آن نیز می‌کوشند و یکی از شاخص‌ترین وجوه محافظت از

نماز، دعوت و فرهنگ‌سازی برای تقویت این فریضه در جامعه است. قرآن درباره حضرت اسماعیل علیه السلام می‌فرماید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»؛ (مریم: ۵۵) یعنی ایشان مکرر قوم و خویش خود را به نماز سفارش می‌کرد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سفارش خود به نماز می‌فرماید: «تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَحَافِظُوا عَلَيْهَا». (سیدرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۹۹) ابن ابی الحدید می‌نویسد: «وَيَرَوْنَ تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ بِالتَّضَعِيفِ وَهُوَ لَفْظٌ تَعَاهَدْتُ ضِعَّتِي وَتَعَاهَدْتُهَا وَهُوَ الْقِيَامُ عَلَيْهَا وَأَصْلُهُ مِنْ تَجْدِيدِ الْعَهْدِ بِالشَّيْءِ وَ الْمُرَادُ الْمُحَافَظَةُ عَلَيْهِ». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۱۰، ص ۲۰۴) در بعضی موارد به جای «تعاهدوا»، کلمه «تعهدوا» وارد شده است. این عبارت یعنی مزارع خود را سرکشی کردم و در اصلاح آن کوشیدم. گفتنی است «تعاهد» مصدر باب تفاعل، در صدد بیان این است که بین والدین، مربیان و فرزندان در فضای خانواده و جامعه همکاری و هم‌افزایی برای اقامه و نشر فرهنگ نماز وجود داشته باشد. در اینجا تشویق و ترغیب فرزندان به نماز یکی از مصادیق بارز تعاهد و محافظت از نماز است.

سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام همواره بر اولویت دادن به نماز بوده است؛ به طوری که شب عروسی نیز نگران آخرتشان بودند. وقتی امام علی علیه السلام می‌پرسد: ای دختر رسول خدا، چرا چنین مضطرب و نگرانی؟ ایشان پاسخ می‌دهد: دستم خالی است و نگران ورود به آخرتم؛ از شما اجازه می‌خواهم امشب را به نماز و سجده بر خدا سپری نمایم. (شیخ صدوق، ۱۴۳۰: ج ۱، ص ۱۰۰)

در روایتی دیگر ابن عباس نقل می‌کند: «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ... مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ، ظَهَرَ نَوْرُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نَوْرُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي، أَنْظَرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي، وَقَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي: (همان، ص ۱۰۱) ... خداوند به فرشتگان مباحث کرده و می‌فرماید: بنگرید بنده‌ام چگونه در پیشگاه من ایستاده، ارکان بدنش از خوف به لرزه درآمده و با تمام وجود دلدادۀ ام گشته است. شاهد باشید که من رهروانش را از آتش دوزخ رهایی می‌بخشم».

چنین مادری با این سبک از زندگی زیبای معنوی در تربیت فرزندان صالح و اهل نماز، الگویی بی‌نظیر برای خانواده‌هاست. امام حسین علیه السلام نتیجه تربیت دینی و آینده‌ساز همین مادر بود که در روز عاشورا و در بحبوحه جنگ و جلوی تیرها، نماز را وسط میدان جنگ برپا داشت تا

هم درس عملی برای جهانیان بدهد و هم تکلیف همه بندگان در مورد نماز را یادآوری کند. دختر ایشان حضرت زینب علیها السلام است که حضرت سیدالشهداء در هنگام وداع آخر به ایشان فرمود: «لا تنسینی فی صلواتک الیل». (ذبیح الله محلاتی، ۱۳۶۸: ج ۳، ص ۶۲) این جمله نشان می‌دهد این بانوی صبور و پاکدامن در سایه تربیت پدر و مادر به چنین مقام عبادت و معنویت دست یافته است.

نتیجه

می‌توان با تمسک به سیره قولی و عملی معصومان علیهم السلام که الگو و راهنمای سعادت بخش بشر هستند، فرهنگ نماز را در جامعه گسترش داد و فرزندانی اهل نماز و بندگانی شایسته برای خدا تربیت کرد. روش‌های صحیح تربیتی مانند تشویق همراه با محبت و تعلیم، ایجاد محیط معنوی و الگوسازی در نهادهای این فریضه مؤثرند. والدین و مربیان باید از این اصول بهره ببرند تا نماز در شخصیت فرزندان جاری شود و زمینه‌ساز رشد معنوی، تقویت وجدان اخلاقی و سلامت اجتماعی آنان گردد.

کتاب‌نامه

۱. آرگیل، مایکل و بیت هالامی، روان‌شناسی شادی، ترجمه: مسعود گوهری، اصفهان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، امالی، ج ۱، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۰ ق.
۴. _____، عیون اخبار الرضا، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۷. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۸. دهقان، اکبر، راه رشد (تحلیلی بر روش‌های تربیت نفس و اهداف آن در فرهنگ وحی)، چ ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۹ ش.
۹. سالاری‌فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، چ ۱، تهران: سمت، ۱۳۹۸ ش.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. فیض کاشانی، محمدمحسن، الوافی، چ ۱، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. محلاتی، ذیح‌الله، ریاحین الشریعه، چ ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

راهکارهای کاربردی در تربیت عقلانی کودکان

راضیه مرزانی*

چکیده

در اندیشه اسلامی، پرورش جنبه‌های عقلانی و به کارگیری آن در ساماندهی نظام فکری و ایدئولوژی انسان از اهمیت بالایی برخوردار است، تا آنجا که برخی آن را از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی می‌دانند. با این وجود، بعد عقلانی به عنوان یک استعداد ذاتی، به خودی خود شکوفا نمی‌شود و نیاز به تربیت عقلانی دارد تا شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر و بالفعل کردن استعدادهای بالقوه فراهم آید و از آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به سعادت و تکامل بهره گرفت. دوران کودکی به دلیل ماندگاری آموزه‌ها، از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مراحل زندگی انسان است. این نوشتار با تمرکز بر این اهمیت، به بیان راهکارهای مناسب برای تربیت عقلانی کودکان می‌پردازد، چرا که یادگیری مهارت‌های تفکر عقلانی در این دوران، منجر به تربیت عقلانی و در نهایت سعادت و تکامل فرد می‌شود.

واژگان کلیدی: تربیت عقلانی، کودکان، اندیشه اسلامی، قوه تفکر، سعادت، دوران کودکی، راهکارها.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

مقدمه

در اندیشه اسلامی توجه بسیار زیادی به پرورش جنبه‌های عقلانی و به‌کارگیری آن در ساماندهی به نظام فکری و ایدئولوژی انسان شده است؛ این امر تا بدان‌جا دارای اهمیت است که برخی باور دارند از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی، تکیه بر عقل و نیز تأکید بر جنبه‌های عقلانی است (شریعتمداری، ۱۳۸۴: ص ۷۰). با وجود همه این مسائل، بُعد عقلانی که به عنوان یک استعداد در وجود انسان قرار داده شده است، به‌خودی‌خود شکوفا نمی‌شود، بلکه ضروری است با بهره‌گیری از تربیت عقلانی، شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر، استعدادهای بالقوه آن بالفعل شود و بتوان از آن با عنوان ابزاری برای رسیدن به سعادت و تکامل بهره گرفت (ملکی، ۱۳۷۹: ص ۵۰۲).

دوران کودکی از دوران‌های بسیار مهم و حیاتی در زندگی انسان است که آموزه‌های آن می‌تواند ماندگاری بسیاری در حیات انسان داشته باشد. از آموزه‌های مهم این دوران، یادگیری مهارت‌های تفکر عقلانی است که نتیجه آن تربیت عقلانی است. در این نوشتار به بیان برخی راهکارهای مناسب در تربیت عقلانی کودکان پرداخته می‌شود.

چیستی تربیت عقلانی

تربیت عبارت است از پرورش دادن استعدادهای نهفته، یعنی به‌فعلیت‌درآوردن استعدادهای درونی و نهفته‌ای که در یک شیء وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۵ ب: ص ۴۳). بنابراین تربیت نقشی حیاتی در شکوفایی استعدادهای نهفته انسان دارد؛ به گونه‌ای که بدون آن نمی‌توان رشد جسمانی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و ... داشت.

برای تربیت عقلانی تعاریف متعددی بیان شده است؛ از جمله بیان کرده‌اند تربیت عقلانی عبارت است از: «مجموعه تدابیر و اعمال منظم و سازمان‌یافته جهت رشد و پرورش عقل» (بهشتی، ۱۳۸۶: ص ۱۳۱).

اهمیت تربیت عقلانی در قرآن و روایات

عقل را می‌توان زینت‌بخش وجود آدمی و تفاوت و برتری او بر دیگر مخلوقات دانست؛ همان چیزی که سبب ارزش بیشتر انسان به واسطه آن شده است؛ چراکه نخستین مخلوق خداست که

خدای متعال آن را به انسان ارزانی داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ: نخستین چیزی که خدا آفرید، عقل بود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۹۷، ح ۸). استاد مطهری رحمته الله علیه درباره اهمیت عقل در اسلام می نویسد: «اول خود قرآن است که دائماً سخن از تعقل می گوید، گذشته از این در قرآن و احادیث ما، آن قدر برای عقل اصالت و اهمیت قائل شده اند که کتاب های حدیث را وقتی باز می کنید، نخستین بابی که در کتاب حدیث می بینید، کتاب العقل است» (مطهری الف، ۱۳۶۷: ص ۹۰-۹۱). ایشان در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام نیز می نویسد: «اسلام دینی طرفدار عقل است و به نحو شدیدی هم روی این استعداد تکیه کرده است و نه فقط با آن مبارزه نکرده است، بلکه از او کمک و تأیید خواسته است. اسلام همیشه تأیید خود را از عقل می خواهد» (مطهری ب، ۱۳۸۵: ص ۱۸۱-۱۸۲).

در روایات نقل شده از اهل بیت علیهم السلام، عقل را حجت باطنی نامیده اند. امام موسی بن جعفر علیه السلام به هشام بن حکم این گونه می فرمایند: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيُّمَةُ: وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ: برای خدا بر مردم دو حجت است: حجت آشکار و حجت باطن؛ حجت آشکار همانا رسولان، پیامبران و امامان علیهم السلام هستند و حجت باطنی همان خردهاست» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ص ۴۰۷). امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ وَالْحُجَّةُ فِي مَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَبَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ: حجت خدا بر بندگان پیامبر است و حجت میان بندگان و خدا، خرد است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۹).

جلوه دیگری از توجه و اهمیت دادن اسلام به عقل و تعقل، اوامر و تأکیدهای قرآن مبنی بر تفکر در همه مسائل به ویژه تاریخ، خلقت و ... است. در روایات نقل شده از اهل بیت: تفکر در این گونه امور نوعی عبادت به شمار می آید که سبب قرب به خدا و موجب کمال انسان می گردد. به اعتقاد استاد مطهری رحمته الله علیه هیچ کتابی به اندازه قرآن به تفکر در مسائل مختلف امر نکرده است و هیچ دینی مانند اسلام آن را عبادت به شمار نیاورده است. ایشان می فرماید: «در قرآن راجع به تفکر و تعقل مطلب زیاد داریم. لزومی هم ندارد که بخواهیم آیات قرآن را در این زمینه جمع بکنیم. خیلی موارد داریم که قرآن دعوت به تفکر و تعقل کرده است. شما هیچ کتابی نه مذهبی و نه غیر مذهبی پیدا نمی کنید که به اندازه قرآن بشر را به سمت تفکر سوق داده باشد، تفکر در همه مسائل، در تاریخ، در خلقت، راجع به خدا، راجع به انبیا و نبوت، راجع به معاد راجع به تذکرات و تعلیمات انبیا و ... که در قرآن کریم زیاد است» (مطهری ب، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۶).

برخی از آیاتی که تفکر در موضوعات پیش گفته را به انسان توصیه می‌کند، عبارت‌اند از:
 * «أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ: در آفرینش آسمان‌ها و زمین
 نشانه‌هایی است [از ذات پاک خدا و یگانگی او] برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند» (بقره: ۱۶۴).

* «أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ: به یقین در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمدورفت شب و روز، نشانه‌های [روشنی] برای خردمندان است» (آل عمران: ۱۹۰).

عقل باشد راه‌بند هر خطا جهل باشد منشأ جور و جفا

راهکارهای عمومی در تربیت عقلانی

برخی از راهکارهای عمومی در تربیت عقلانی عبارت‌اند از:

۱. فراهم‌آوری شرایط تفکر: یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای تربیت عقلانی، مهیا کردن بستر مناسب برای رشد این نوع تربیتی است. عقل از طریق آزمون و تصحیح خطاها یاد می‌گیرد و به آموختن می‌پردازد؛ فرضیات را آزمایش می‌کند و نقاط قوت و ضعف خویش را شناسایی می‌نماید. امام علی علیه السلام تجربه را یکی از دو راه اصلی برای پرورش عقل معرفی می‌کنند (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۲. درک محضر اهل علم و فضیلت: رفتار خردمندانه افراد با عقل، تأثیر عمیقی بر افراد عادی می‌گذارد.

راهکارهای تربیت عقلانی کودک

تربیت عقلانی زیربنای تربیت اخلاقی، اجتماعی و دینی کودک است. امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «لَا عَقْلَ لِمَنْ لَا أَدَبَ لَهُ: کسی که از نیروی خرد برخوردار نباشد، ادب نخواهد داشت» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۱۱۶). در روایتی دیگر می‌فرمایند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِدَامَةِ التَّفَكُّرِ، فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَأُمُّهُ: شما را به تقوای الهی و اندیشیدن همیشگی سفارش می‌کنم؛ زیرا اندیشیدن پدر و مادر همه خوبی‌هاست» (عطاردی، ۱۳۷۳: ص ۷۱۹). اگر فرزند در پرتو عقل و منطق تربیت شود، می‌تواند درست بیندیشد، منطقی تصمیم بگیرد، رفتارهای خود را تحلیل و اصلاح کند و در برابر دیدگاه‌های نادرست مقاومت نماید. این تربیت زمینه‌ساز رشد شخصیت مستقل، مسئولیت‌پذیری و قدرت بر حل مسئله در کودک خواهد بود.

در ادامه راهکارهای تربیت عقلانی کودک در سه حوزه بررسی می‌شود.

الف) راهکارهای مرتبط با خانواده

۱. ایجاد فضای گفتگو و پرسش‌گری: یکی از موارد مهمی که والدین باید بدان توجه کنند، ایجاد فضایی امن و صمیمی برای پرسش و پاسخ است تا کودک بتواند بدون ترس یا خجالت، پرسش‌های خود را طرح کند. تشویق کودک به بیان نظرات و دلایل خود حتی اگر با نظر والدین متفاوت باشد، می‌تواند زمینه‌ساز تربیت و درنهایت رشد عقلانی کودک باشد. بیان داستان یا تماشای کارتون و سپس گفتگو درباره آن، می‌تواند یکی از مصادیق این راهکار باشد.

۲. الگوسازی صحیح: همان‌طور که بیان شد، والدینی می‌توانند فرزندان خود را به‌خوبی در حوزه تفکر تربیت کنند که خود اهل تفکر و اندیشه باشند. والدین با رفتار عقلانی، تصمیم‌گیری منطقی و حل مسئله در زندگی روزمره، بهترین الگو برای فرزندان هستند. در کنار این موارد می‌توان به بیان داستان‌هایی پرداخت که بهره‌گیری درست و اندیشیدن را به کودکان می‌آموزد و اینکه تفکری کوتاه می‌تواند زمینه‌ساز سعادت ایشان باشد. داستان حر بن زیاد در کربلا نمونه خوبی در این باره است که با دقایقی اندیشه خود را از لشکر یزیدیان رهانید و خود را به سپاه امام حسین (علیه السلام) رسانید.

پس حر، عمر سعد را ترک کرد و در گوشه‌ای از لشکر ایستاد و اندک‌اندک به سپاه امام (علیه السلام) نزدیک شد. مهاجر بن اوس - که در لشکر عمر سعد بود - به حر گفت: «آیا می‌خواهی حمله کنی؟» حر در حالی که می‌لرزید، پاسخی نداد. مهاجر که از حال و وضع حر به شک افتاده بود، او را خطاب قرار داد و گفت: «به خدا قسم هرگز در هیچ جنگی تو را به این حال ندیده بودم، اگر از من می‌پرسیدند شجاع‌ترین مردم کوفه کیست، از تو نمی‌گذاشتم [و تو را نام می‌بردم]؛ پس این چه حالی است که در تو می‌بینم؟» حر گفت: «به‌درستی که خود را میان بهشت و جهنم می‌بینم و به خدا سوگند اگر تکه‌تکه شوم و مرا با آتش بسوزانند، من جز بهشت چیز دیگری را انتخاب نخواهم کرد». حر این را گفت و بر اسب خود نهیب زد و به سوی خیمه‌گاه امام (علیه السلام) حرکت کرد (طبری، ۱۳۹۴: ج ۵، ص ۳۹۲، ۴۲۲، ۴۲۷-۴۲۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۱).

۳. تشویق به مطالعه و یادگیری مستقل: فراهم کردن کتاب‌ها و منابع مناسب سن کودک برای افزایش اطلاعات و تقویت تفکر و نیز حمایت از کنجکاوی و جستجوگری کودک در

موضوعات مختلف، یکی دیگر از راهکارهای مناسب برای تربیت عقلانی کودک است. در برخی موارد لازم است انتهای داستان باز گذاشته شود تا کودک با تفکر، داستان را به انتها برساند.

۴. آموزش مهارت حل مسئله: مهارت حل مسئله یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که

هر کودک باید آن را بیاموزد. مهارت حل مسئله می‌تواند به کودک یاری رساند که هنگام مواجهه با چالش‌ها و مشکلات، به جای اجتناب یا واکنش هیجانی، راه‌حل‌های منطقی و خلاقانه پیدا کند و اعتمادبه‌نفس و استقلال بیشتری داشته باشد. مهارت حل مسئله منجر به تصمیم‌گیری درست در موقعیت‌های مختلف، افزایش اعتمادبه‌نفس و خودباوری، تقویت خلاقیت و تفکر انتقادی و آماده‌سازی کودک برای مواجهه با مشکلات زندگی روزمره در خانه یا مدرسه می‌شود.

برخی از بازی‌هایی که می‌تواند به تقویت این مهارت بیفزاید، عبارت‌اند از:

- بازی پازل: کودک هنگام بازی با پازل باید قطعات مختلف را امتحان کند تا هر قطعه را در جای درست قرار دهد. این فرایند شامل تفکر تحلیلی، آزمون و خطا و پشتکار است و به او یاد می‌دهد که برای حل یک مشکل باید راه‌های مختلف را بررسی کند.

- بازی ظروف و درپوش‌ها: ظروف پلاستیکی با درهای مختلف را در اختیار کودک قرار دهید و از او بخواهید هر در را روی ظرف مناسب قرار دهد. این بازی افزون بر تقویت مهارت‌های حرکتی، سبب افزایش آگاهی فضایی و مهارت حل مسئله می‌شود.

- بازی الگوی بلوک‌ها یا لگو: کودک با ساختن الگوهای مختلف با بلوک‌ها یا لگو، باید راهی برای پیاده‌سازی ایده‌هایش پیدا کند. هر بار که ساختار جدیدی می‌سازد، با چالش‌های جدیدی روبرو می‌شود و راه‌حل‌های مختلف را امتحان می‌کند.

- بازی «تو چیکار می‌کردی اگه ...»: در این بازی، سناریوهای مختلفی برای کودک تعریف می‌شود (مثلاً اگر در جزیره‌ای گیر افتادی، چکار می‌کنی؟) و از او خواسته می‌شود راه‌حل ارائه دهد. این بازی تخیل و خلاقیت کودک را به چالش می‌کشد و او را به تفکر درباره راه‌حل‌های مختلف تشویق می‌کند.

- قصه‌گویی و داستان‌پردازی: تعریف داستان‌هایی که شخصیت‌های آن با مشکلاتی روبرو می‌شوند و از کودک خواستن تا راه‌حل ارائه دهد، یکی از روش‌های مؤثر برای تقویت مهارت حل مسئله است. بیان داستان و قصه‌سرایی برای کودکان فواید بسیاری هم برای فرزندان و والدین دارد و می‌تواند به پیوند عاطفی ایشان نیز کمک کند.

۵. **تقویت اعتماد به نفس و استقلال فکری:** ارتباط میان اعتماد به نفس، استقلال فکری و تربیت عقلانی کودک انکارناپذیر است. تربیت عقلانی که بر پایه تقویت تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری مسئولانه و استدلال منطقی استوار است، زمینه‌ساز رشد استقلال فکری و در نهایت تقویت اعتماد به نفس در کودک می‌شود.

تربیت عقلانی کودک به او می‌آموزد که مسائل و چالش‌های زندگی را با منطق و استدلال بررسی کند و بر اساس اطلاعات درست تصمیم بگیرد. این فرآیند استقلال فکری کودک را پرورش می‌دهد و سبب می‌شود کودک به جای تقلید صرف، توانایی تحلیل و انتخاب راه‌حل‌های مناسب را داشته باشد.

در ادامه به سه راهکار مؤثر برای تقویت اعتماد به نفس در کودکان اشاره می‌شود:

الف) ایجاد فرصت‌های مستقل و ماجراجویانه: والدین باید شرایطی فراهم کنند که کودک بتواند کارهای ساده و جدید را خودش انجام دهد؛ مثلاً تهیه لقمه خوراکی که به مهدکودک یا به مدرسه می‌برد یا بستن چمدان برای سفر. بهتر است والدین فقط ناظر بر این فعالیت‌ها باشند و اجازه دهند کودک با آزمون و خطاهای خود تجربه کند و بیاموزد. این کار سبب می‌شود کودک بدون ترس از شکست، به انجام کارهای جدید تمایل پیدا کند و به توانایی‌های خود اعتماد داشته باشد.

ب) تشویق به تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری متناسب با سن کودک: واگذاری مسئولیت‌هایی مثل انتخاب لباس، آماده‌کردن کیف مدرسه یا تصمیم‌گیری در کارهای روزمره، به کودک کمک می‌کند حس استقلال و اعتماد به نفس پیدا کند. این کار سبب می‌شود کودک یاد بگیرد مسئولیت تصمیماتش را بپذیرد و از تلاش و پشتکار، ارزشمند بودن را یاد بگیرد.

ج) گوش دادن فعال و احترام به نظرات کودک: با دقت و بدون قضاوت به حرف‌های کودک گوش دهید و به او نشان دهید که نظرات و احساساتش برای شما اهمیت دارد. این احترام سبب می‌شود کودک احساس ارزشمندی کند و انگیزه برای بیان افکار و ایده‌هایش پیدا کند که عامل مهمی در تقویت استقلال فکری و اعتماد به نفس است.

ب) راهکارهای مرتبط با نظام آموزشی

۱. **ترویج آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی:** یکی از انتقادهایی که به نظام آموزشی موجود

مطرح است، پرورش ندادن تفکر انتقادی کودکان و نوجوانان است. این خلأ را نیز می‌توان با دو راهکار اصلاح کرد؛ نخست: طراحی برنامه‌های درسی که به جای حفظ مطالب، بر تحلیل، مقایسه و استدلال تأکید دارد؛ دوم: تشویق دانش‌آموزان به پرسش‌گری و بیان دیدگاه‌های مختلف در کلاس درس و هنگام آموزش.

۲. استفاده از روش‌های فعال تدریس: بهره‌گیری از بحث‌های گروهی، پروژه‌های تحقیقاتی چندنفره و نیز بازی‌های فکری در کلاس می‌تواند روش تدریس فعالی را به همراه داشته باشد که ثمره آن، تربیت عقلانی کودک خواهد بود. در کنار این روش، یکی از شیوه‌های مرسوم، آموزش مهارت‌های مناظره و گفتگو در کلاس درس است که می‌تواند به کودک کمک کند تا شیوه درست استدلال را بیاموزد و از آن در دیگر گفتگوهای مشابه استفاده کند.

ج) راهکارهای مرتبط با رسانه‌های جمعی و اجتماعی

۱. تولید و پخش برنامه‌های آموزشی و تفکرمحور: تولید محتوا برای کودک کار دشواری است؛ اما آنچه سختی این کار را به شیرینی تبدیل می‌کند، تأثیر زیاد و ماندگاری است که بر زندگی او خواهد داشت. ساخت برنامه‌ها، کارتون‌ها و انیمیشن‌هایی که کودکان را به تفکر، پرسش‌گری و تحلیل تشویق کند و نیز معرفی شخصیت‌های الگویی که با تفکر و منطق مشکلات را حل کند، می‌تواند راهبردهای مناسبی در این باره باشد.

۲. آموزش سواد رسانه‌ای: با توجه به تأثیر انکارناپذیر رسانه‌ها در تربیت عقلانی و پردازش‌های ذهنی، لازم است آموزش‌های مرتبط با سواد رسانه در اختیار کودک قرار بگیرد؛ چون می‌تواند ثمره‌های بسیاری در تربیت عقلانی کودک در مراحل دیگر زندگی داشته باشد؛ از این رو تشویق به کسب علم و تجربه‌های علمی در این زمینه، در تربیت عقلانی نقش مؤثری دارد.

۳. ایجاد گروه‌های همسالان برای تقویت فکری در فضای مجازی: برگزاری مسابقات و چالش‌هایی که ذهن کودکان را به تفکر وادار کند (مثل معماها، پرسش‌های هوش و...) و نیز تشویق به تولید محتواهای آموزشی توسط کودکان، راهکاری خوب برای تربیت عقلانی کودک است.

کتاب‌نامه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲. بهشتی، سعید، آیین خردورزی (پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی علیه السلام)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۶ ش.
۳. خطیبی، حسن، «تربیت فکری و عقلانی کودکان در الگوی تربیتی اسلام با نگاهی تطبیقی به طرح آموزش فلسفه به کودکان»، پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، ش ۹ - ۱۰، ۱۳۹۴ ش.
۴. شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: صالحین، ۱۳۹۴ ش.
۶. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام المجتبی أبي محمد الحسن بن علي علیه السلام، تهران: عطارد، ۱۳۷۳ ش.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۹. مطهری، مرتضی (الف)، انسان کامل، قم: صدرا، ۱۳۶۷ ش.
۱۰. مطهری، مرتضی (ب)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. ملکی، حسن، «تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن»، تربیت اسلامی، ش ۴، ۱۳۷۹ ش.

زنان و کارکرد نهاد خانوادگی در تأمین امنیت اجتماعی

کیانوش نریمان*

چکیده

برقراری امنیت و ابزار مناسب برای آن یکی از موضوع‌هایی است که از آغاز تشکیل جوامع همواره توجه بشر را به خود معطوف کرده است؛ همچنین امنیت اجتماعی یکی از مفاهیمی است که با وجود تصریح در خاستگاه اجتماعی و ابتدای آن به بستر اجتماع، تفسیر و تعابیر مختلفی برای آن ارائه شده است. در این نوشتار منظور از امنیت اجتماعی، مفهوم societal Security است که در فارسی به‌درستی از آن به «امنیت اجتماعی» تعبیر شده است.

پدیده‌های اجتماعی به لحاظ ماهیت سیال خود، همواره در معرض تأثیر و تأثر متغیرهای گوناگون در عرصه اجتماع هستند و بی‌شک در رفتار افراد و گروه‌ها و ساخت و جهت‌دهی به یکدیگر، نقش انکارناپذیری دارند. مفاهیم امنیت و اجتماع نیز در این فضا قابل ارزیابی هستند. در میان نهادهای اجتماعی در ایران، نهاد خانواده عموماً از کانون گرمی بهره می‌برد و دارای کارکردهای متنوعی در شئون مختلف اجتماعی از جمله امنیت است.

نویسنده در این مقاله کوشیده است پس از طرح برداشت‌های مختلف از امنیت اجتماعی و ارائه تعریف مشخص از آن در چارچوب نظریه کارکردگرایی، به تحلیل و تبیین ابعاد کارکردی نهادها به‌ویژه نهاد خانواده در ساخت هویت و امنیت اجتماعی پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد جایگاه نهاد خانواده در درون ساخت نظام اجتماعی به‌ویژه حوزه امنیت اجتماعی، بسیار رفیع و دارای آثار انکارناپذیری است؛ بنابراین شایسته است به منظور صیانت از آن در سیر تحولات پرشتاب کنونی ناشی از جهانی‌شدن به‌ویژه طرح جهانی‌سازی، در برنامه‌ریزی‌های راهبردی مورد توجه جدی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، امنیت اجتماعی شده، کارکرد، خانواده، هویت، نهادهای اجتماعی.

مقدمه

موضوع تأمین امنیت و سازوکارهای مناسب برای آن، چالشی جدی است که از گذشته دور، ابنای بشر را متوجه خود کرده است. دانشمندان و مجامع علمی، مطالب متفاوتی در این باره منتشر کرده‌اند و تجربه‌های علمی و مکاتب نظری متنوعی پیرامون این موضوع به وجود آمده است. پایان‌ناپذیری این بررسی منجر به آن شده است که برخی از این مقوله با عنوان معمای امنیت نام ببرند. نویسندگان و پژوهشگران اجتماعی، سیاسی و امنیتی سطوح مختلفی از امنیت را بر شمرده‌اند و به فراخور برداشت خود به تبیین ابعاد و ویژگی‌های هر یک پرداخته‌اند.

سطوح داخلی و خارجی، ملی و فراملی بین‌المللی و جهانی امنیت، برخی از مواردی است که در تجزیه و تحلیل‌ها از آن سخن به میان آمده است. همچنین در حوزه مرجع امنیت، شاهد تشتت آرا و نگرش‌ها بوده و هستیم؛ گروهی دولت را مرجع امنیت می‌دانند و بعضی جامعه و گروهی فرد را مرجع امنیت معرفی می‌کنند و برخی دیگر نیز از ایده دولت، رژیم حاکم انسان سرزمین، مردم و را مرجع امنیت نام برده‌اند. با توجه به رویکردهای پیش‌گفته معلوم می‌شود که درباره مرجع امنیت اجماع نظر وجود ندارد (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۴۷). مفهوم امنیت اجتماعی یکی از موضوع‌هایی است که با قرائت‌های گوناگون به کار رفته است. این مفهوم در مواردی مرز واحدهای اجتماعی فرو و فراملی را درنور دیده و روزه‌روز برجستگی‌های خود را در دیدگاه‌های بین‌المللی نمایان‌تر کرده است. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش اسنادی و از منظر جامعه‌شناسی امنیت، پس از تعریف متغیرهای مربوط و تبیین ابعاد امنیت اجتماعی، نقش نهاد خانواده در فرایند هویت و امنیت‌سازی کارکرد آن در تأمین امنیت اجتماعی بررسی شود.

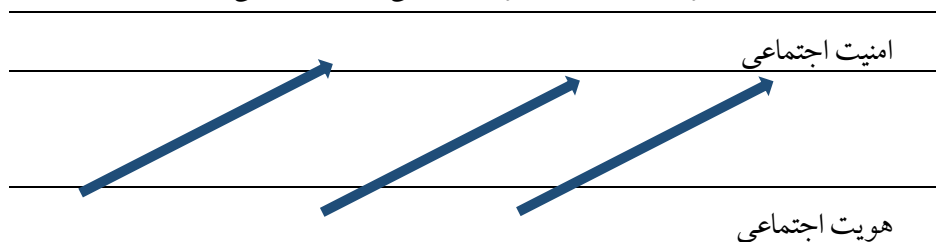
طرح مسئله

مفاهیم و مؤلفه‌های اجتماعی به دلیل ویژگی پویای خود، همواره در معرض تأثیر و تأثر متغیرهای گوناگون در بستر اجتماع هستند. برخی صاحب‌نظران علوم اجتماعی تأکید دارند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی چگونگی کنش را شکل می‌دهند و رهبری می‌کنند (توسلی، ۱۳۶۹: ص ۲۴۱)؛ آنان با وجود اینکه به ارادی بودن رفتار انسان در یک نظام اجتماعی اشاره دارند، تأثیرپذیری رفتار از ساخت اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. برخی به شکل متصلب‌تر استدلال می‌کنند نقش‌های اجتماعی، اجباری هستند که بر فرد اعمال می‌شوند؛ حال چه وی

آنها را به عنوان زنجیری بر امیال شخصی و چه به عنوان تکیه‌گاهی تلقی کند که به وی اطمینان و امنیت می‌دهد (دارندورف، ۱۳۷۷: ص ۵۹). هدف از بیان مطالب پیش گفته، طرح این واقعیت است که بی‌شک ساختارها و عناصر اجتماعی در رفتار افراد و گروه‌ها و در جهت‌دهی به یکدیگر نقش انکارناپذیری دارند. مفاهیم امنیت و اجتماع نیز در این راستا قابل ارزیابی هستند.

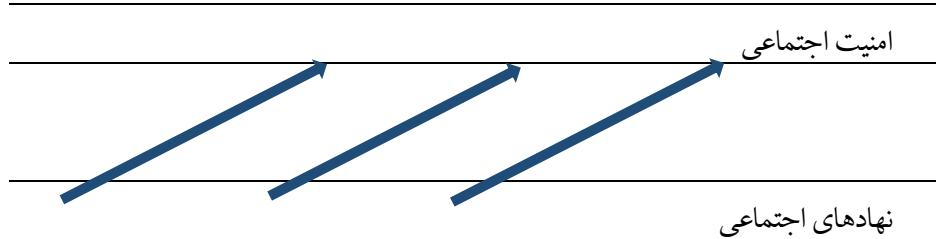
از یک‌سو گروه زیادی از نظریه‌پردازان سیاسی و امنیتی به نقش هویت در قوام و زوال امنیت اجتماعی اذعان دارند و معتقدند با تقویت هویت، امنیت پایدار اجتماعی شکل می‌گیرد. آنها بر این باورند که امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۳۴). دیگران نیز در این باره معتقدند چنان‌که هدف مرجع امنیت، جامعه در نظر گرفته شود، تهدیدات هویتی، منبع اساسی ناامنی بوده و پیوستگی و اتحاد میان اعضای جامعه ... اولین ابزار تحقق امنیت خواهد بود (نویدینا، ۱۳۸۲: ص ۷).

نمودار شماره ۱: رابطه هویت اجتماعی و امنیت اجتماعی



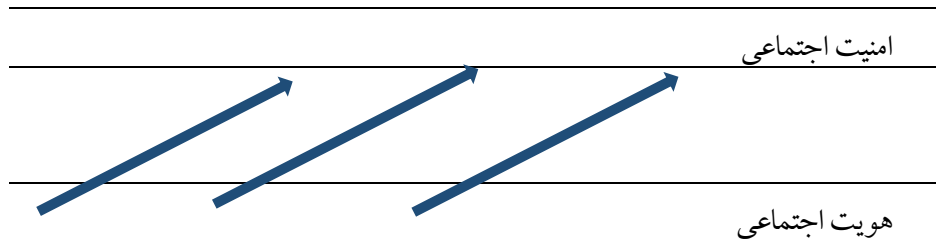
از سوی دیگر به نظر برخی از پژوهشگران به‌ویژه جامعه‌شناسان سیاسی، یکی از مؤلفه‌هایی که نقش کلیدی و اجتناب‌ناپذیری در تقویت و تضعیف امنیت اجتماعی دارد، گروه‌ها یا نهادهای اجتماعی هستند. بشیریه بر این باور است که گروه‌های اجتماعی معمولاً از طریق روابط شخصی یا گروهی ترغیب فشار یا اعطای منابع مالی و وعده و وعید، نفوذ خود را اعمال می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۱: ص ۱۱۳). برخی دیگر از کارکرد و نقش آموزش، انتقال فرهنگ و تربیت سیاسی نهادهای اجتماعی سخن می‌گویند (منصوری، ۱۳۸۶: ص ۱۱۹). به نظر می‌رسد این مطالب ناظر به نقش کلیدی نهادهای اجتماعی در ساخت مؤلفه‌های اجتماعی به‌ویژه در هویت و امنیت‌سازی اجتماعی هستند.

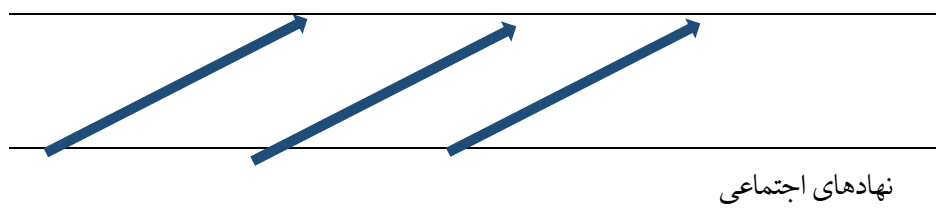
نمودار شماره ۲: رابطه نهادهای اجتماعی و امنیت اجتماعی



اندیشمندان جوامع غربی درباره تأثیر نیروهای اجتماعی در سیاست و امنیت، عموماً نقش شهروند را در جامعه مدنی برجسته کرده‌اند و از نقش سرمایه‌داران، کارگران تجار، نخبگان، احزاب، ارتش، روحانیان و ... و در سال‌های اخیر از نقش زنان و رویکردهای فمینیستی در اداره جامعه و زندگی سیاسی و امنیتی سخن گفته‌اند (بشیری، ۱۳۸۱: ص ۱۲۷-۲۹۶). ولی به دلیل تزلزل نهاد خانواده از نقش و کارکرد آن در زندگی سیاسی و امنیت‌سازی غافل شده‌اند. مباحث دانشمندانی چون آلوین تافلر در بحث آینده در پی اثبات این ادعاست. تافلر معتقد است امروزه از هم‌پاشیدگی خانواده، درواقع بخشی از بحران عمومی نظام صنعتی است (تافلر، ۱۳۷۱: ص ۲۸۹) و این روند رو به گسترش است. نهاد خانواده در جامعه ایرانی عموماً از کانون گرمی بهره می‌برد و دارای کارکردهای متنوعی در شئون مختلف اجتماعی از جمله امنیت است. ممکن است گفته شود نهادهای اجتماعی و از جمله نهاد خانواده نقش واسطه در حوزه امنیت‌سازی دارند، با این وجود نقش تعیین‌کننده‌ای در قوام شاخص‌های امنیت اجتماعی به‌ویژه عناصر هویت اجتماعی بر عهده گرفته‌اند. در این حالت به نظر می‌رسد اگر دو شکل بالا را در هم ادغام کنیم، می‌توانیم نمایی گویاتر از فرایند تقویت امنیت اجتماعی به دست دهیم.

نمودار شماره ۳: رابطه نهادها و هویت اجتماعی با امنیت اجتماعی





با بررسی‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد تاکنون ابعاد کارکردی نهاد خانواده در امنیت‌سازی به‌ویژه در جامعه ایرانی به اندازه کافی تبیین نشده است؛ ازاین‌رو پرسش اصلی ما در این نوشتار آن است که نقش و کارکرد نهاد خانواده در تأمین امنیت اجتماعی چیست؟ همان‌گونه که اشاره شد، خانواده واحد و نهادی اجتماعی است که از طریق تأثیر بر شاخص‌های هویت، نقش‌گویاتری در امنیت اجتماعی دارد. پاسخ به پرسش اصلی مستلزم بررسی‌های کافی درباره موارد ذیل است:

الف) امنیت اجتماعی و برداشت‌های‌های گوناگون در این باره؛

ب) کارکرد نهادهای اجتماعی در رفتار و هویت‌سازی؛

ج) رابطه کارکردهای نهاد خانواده و امنیت اجتماعی؛

د) تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های هویت و امنیت اجتماعی و نقش نهادهای اجتماعی و خانواده در پیشگیری از آن و مقابله با آن.

۱. تعاریف و کلیات

۱-۱. تعاریف

۱-۱-۱. هویت و هویت اجتماعی

به نظر می‌رسد در مفهوم هویت و سطوح آن با تشتت آرا در تعاریف روبرو نیستیم؛ بنابراین چند نمونه از تعاریف هویت و هویت اجتماعی ارائه می‌شود:

از حدود مرزها و معیارهایی که افراد را از یکدیگر باز می‌شناساند، با عنوان هویت یاد می‌شود؛ اینکه ما کیستیم؟ به چه کسانی تعلق داریم؟ با چه کسانی همراه هستیم؟ از چه کسانی پرهیز می‌کنیم؟

موضوع امنیت اجتماعی است؛ با این تفسیر می‌توان گفت امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی حفظ هویت واحدهای اجتماعی (نوبدینا، ۱۳۸۵: ص ۶۳). هویت به مجموعه مشخصاتی

گفته می‌شود که در ساده‌ترین تعاریف، ممیزات جسمی و روحی افراد را به نمایش می‌گذارد؛ با این تعبیر هویت خصوصیات مادی (فیزیکی) انسان‌ها همانند رنگ، پوست، چشم، مو، قد، وزن و علایم و آثار فردی و بسیاری از مظاهر پنهان و پیدای آنان را شامل می‌شود و آنگاه به شیوه اندیشه، نوع نگاه، طرز رفتار، شیوه‌های گفتاری، پیشه عملکرد اجتماعی و مفاهیم دیگری نیز که در برخوردهای اجتماعی به چشم می‌آید، توجه می‌کند (شعبانی، ۱۳۸۵: ص ۲۱). آگاهی فرد از اینکه عضوی از یک گروه یا جامعه است، نخستین گام در تکوین هویت گروهی یا اجتماعی او به شمار می‌رود؛ تنها آن جامعه‌ای که میان مردم آن و نیز میان نهادها و تأسیسات آن، همبستگی و ارتباط لازم برای تداوم زندگی وجود داشته باشد، دارای هویت اجتماعی خواهد بود (ربانی، ۱۳۸۱: ص ۶۳ و ۷۳).

۲-۱-۱. خانواده

در متون جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، تعاریف متنوعی متناسب با نوع خانواده ارائه شده است. در این نوشتار به منظور روشن شدن مرادمان از خانواده به تعریف یکی از انواع خانواده می‌پردازیم که در ایران (با اختلاف کمی از وضع موجود) وجه غالب را دارد. به نظر می‌رسد خانواده در جامعه امروز ما هسته‌ای فراگیر است. ساروخانی در تبیین چارچوب خانواده هسته‌ای می‌نویسد: «خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است کوچک متشکل از زن و شوهر و احتمالاً فرزند یا فرزندان. مشخصات اصلی خانواده هسته‌ای بدین قرارند:

۱. محدودیت ابعاد خانواده از نظر اسلاف؛ خانواده معمولاً جدا از والدین یا اقوام زوجین زندگی می‌کنند.

۲. محدودیت خانواده از نظر تعداد فرزندان؛ خانواده به حسب معمول با تعداد اندکی از کودکان تشکیل می‌شود، چنان‌که در مواردی جایگزینی نسل به (جهت کمی) زادوولد دچار اشکال می‌گردد.

۳. افقی بودن هرم قدرت در خانواده هسته‌ای؛ به طور معمول تصمیم‌های اساسی خانه از طریق گفتگو و تبادل نظر اتخاذ می‌شود.

۴. نומکانی: خانواده هسته‌ای به حسب معمول در محلی جدا از والدین یا اقوام زوجین تشکیل می‌شود: (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۱۴۲).

۱-۲. کلیات

۱-۲-۱. امنیت اجتماعی و برداشت‌های گوناگون در این باره

در رویکردی که باور دارد جامعه مرجع امنیت است یا بین کسان دیگری که با توجه‌های دیگر به موضوع امنیت در سطح جامعه و ارکان داخلی کشور پرداخته و نظریه‌پردازی می‌کنند، اصطلاحاتی تولید شده که محل مناقشه است و تعبیر و تفاسیر متعددی درباره آنها بروز یافته است.

واژه‌های Social security، public security، community security و societal security در فارسی به امنیت تعبیر شده است که برخاسته از جامعه باشد یا برای جامعه پیش‌بینی می‌گردد و محلی برای تفاسیر و برداشت‌های گوناگون از امنیت در حوزه اجتماعی شده‌اند.

مفهوم امنیت در واژه public security برخاسته از اجتماع نبوده، نهادهای دولتی به‌ویژه پلیس را عامل استقرار امنیت می‌داند که در پی حفظ عموم شهروندان از گزند آسیب‌ها و تعارضات است (نویدینا، ۱۳۸۵: ص ۶۴). از این رو این برداشت از امنیت حاوی ویژگی‌های موردنظر درباره امنیت اجتماعی که بتواند موضوع جامعه‌شناسی امنیت قرار گیرد، نیست. اولین بار تونیس واژه community security را به کار برد و معنایی به غیر از امنیت اجتماعی مدنظرش بوده است (کلاهچیان، ۱۳۸۲: ص ۱۳۵). به نظر می‌رسد مراد تونیس در این باره، تبیین تفاوت نظم‌های اجتماعی در جوامع ابتدایی (gomain shaft) و جامعه شهری (gezl shaft) بوده است. بدین ترتیب این واژه نیز اصطلاح موردنظر ما در این مقاله نیست.

واژه Social security متداول‌ترین واژه‌ای است که به اشتباه از آن به امنیت اجتماعی یاد می‌شود؛ در حالی که معنای آن تأمین اجتماعی است و به منظور تبیین خطرهای چون بیکاری، فقر، گرسنگی ... که مسبب آن زندگی جمعی است، مطرح شده و سازمان‌های وابسته به بیمه‌های اجتماعی در پی از میان بردن دلایل به وجود آمدن این تهدیدات و آسیب‌ها هستند (کلاهچیان، ۱۳۸۲: ص ۱۳۶). این مفهوم چون برخاسته از بستر اجتماع نیست و وجه سلبی آن غالب است، ویژگی‌های موردنظر را ندارد و با به کارگیری این مفهوم مقصود ما از امنیت اجتماعی حاصل نمی‌شود. این واژه به معنای امنیت اجتماعی شده یا امنیت جامعه‌گی ناظر به تولید امنیت از بستر جامعه و دارای ویژگی‌های پیش‌گفته است؛ اما از آنجاکه امنیت جامعه‌گی واژه متداول نیست، از واژه امنیت اجتماعی در تبیین این مفهوم مدد می‌گیرند (کلاهچیان، ۱۳۸۲: ص ۱۳۷).

نویسندگان و پژوهشگران به‌ویژه آنان که از منظر جامعه‌شناسی به مقوله امنیت توجه دارند و جامعه را مرجع امنیت می‌دانند، در این باره دارای اجماع نظر هستند و بر این باورند که امنیت اجتماعی شده (Societal security) در حقیقت امنیت اجتماعی تعمیم‌داده‌شده و به نوعی امنیت تعمداً اجتماعی شده است ... به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین مفهوم به امنیت اجتماعی همین مفهوم امنیت اجتماعی شده باشد (افتخاری، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶).

در جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت مراد ما از امنیت اجتماعی در این مقاله، مفهوم «societal security» است که در فارسی به‌درستی از آن به امنیت اجتماعی شده، امنیت جامعوی و امنیت جامعگی تعبیر شده است. خاستگاه این امنیت، جامعه فروملی است و ریشه در فرایند هویت‌سازی اجتماعی دارد؛ به گونه‌ای که عناصر و نهادهای اجتماعی با کنش و واکنش‌های فردی و اجتماعی خود در بستر جامعه به تولید و بازتولید هویت و همبستگی جمعی می‌پردازند و نقش بارز خود در امنیت‌سازی را بروز می‌دهند.

۲-۱. کارکرد نهادهای اجتماعی در رفتار و هویت‌سازی

آنچه در این مبحث آمده، تجزیه و تحلیل کارکرد نهادهای اجتماعی به طور عام است و نقش نهاد خانواده در جایگاه اولین و کارآمدترین بخش از نهادهای اجتماعی در آنها مستتر است. دانشمندان در این بخش به‌صراحت و روشنی از نهاد خانواده و نقش آن در رفتار و هویت‌سازی و به تبع آن در تأمین امنیت اجتماعی سخن نگفته‌اند؛ بنابراین بنا داریم با برجسته‌کردن جایگاه نهاد خانواده در این مباحث، اهمیت این نهاد را در فرایند تعاملات اجتماعی تبلور بخشیم.

اول: رفتارسازی

درباره کارکرد نهادهای اجتماعی در ساخت رفتار اجتماعی سخن بسیار گفته شده است و به‌حق اجماع انکارناپذیری در این باره شکل گرفته است. طیف متنوعی در میان اندیشه متفکران و نویسندگانی از نحله‌های متفاوت در این مسئله وجود دارد که به‌اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود. برخی با رویکرد جامعه‌شناختی به تحلیل نهادهای اجتماعی پرداخته‌اند و معتقدند نهاد اجتماعی به معنای نظامی است از روابط اجتماعی ساخته و پرداخته و پایدار با هدفی مشخص که کنش آن از شخصیت افرادی که عهده‌دار آنان‌اند، می‌گذرد و به افراد دیگری منتقل می‌شود و در طول زمان استمرار و مداومت پیدا می‌کند (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۷۵: ص ۱۴۸). در این مورد نقش

نهاد خانواده برجستگی ویژه‌ای در برابر دیگر نهادها دارد؛ زیرا پایدارترین نوع روابط اجتماعی را می‌توان در نهاد خانواده که بر مبنای روابط عمیق عاطفی شکل می‌گیرد سراغ گرفت. اساساً در بیشتر خانواده‌هایی که دارای کانونی گرم هستند و از انسجام بالایی برخوردارند، انتقال فرهنگ و هویت اجتماعی به شکلی روان و به‌سادگی انجام می‌گیرد.

کوئن به نقش الگوسازی و تعیین روش‌های دستیابی به الگوها در کارکرد نهادهای اجتماعی نظر دارد و می‌نویسد: «نهادها الگوی رفتار اجتماعی شایسته را در موقعیت‌های گوناگون در اختیار فرد می‌گذارند و از طریق فراگرد اجتماعی شدن شیوه‌های رفتار شایسته و ناشایسته را به افراد نشان می‌دهند» (کوئن، ۱۳۷۶: ص ۱۱۲). در این باره چند نکته گفتنی است:

الف) اجتماعی کردن از کارکردهای مبرهن خانواده است که مورد توجه دانشمندان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز قرار گرفته است. به نظر می‌رسد کارکرد نهاد خانواده در مقایسه با دیگر نهادها در این مورد شایان توجه بیشتری است.

ب) با توجه به اینکه در بیشتر خانواده‌ها به لحاظ حاکمیت روابط عاطفی، اعتماد متقابل زیادی بین اعضا وجود دارد، اعتماد متقابل بستر مناسبی برای انتقال الگوهای اجتماعی به سطح اجتماع است و در پذیرش آن با کم‌ترین موانع مواجه هستیم.

ج) این موضوع می‌تواند آثاری ژرف در ساخت هویت و امنیت اجتماعی داشته باشد؛ زیرا الگوپذیری در دو وجه مثبت و منفی با شدت معناداری در نهاد خانواده وجود دارد که دیگر نهادهای اجتماعی از چنین اثربخشی وثیقی بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند. پل لازارسفلد نیز با قطعیتی فوق‌العاده بر این باور است که اساساً انسان‌ها تحت تسلط نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، عمل می‌کنند (لازارسفلد، ۱۳۷۶: ص ۱۰۰). این رویکرد باوری متعصب از روابط بین نهادهای اجتماعی است که ناظر به کارکرد خانواده‌هایی با بافت سنتی آغشته به نوعی تعصب کاستی می‌باشد. هرچند با وجود تحولات چشمگیر ناشی از توسعه و جهانی شدن با اشکالی از آنها در برخی جوامع کنونی نیز مواجه هستیم، حجم زیادی را به خود اختصاص نمی‌دهند. تعداد دیگری از پژوهشگران به نقش و کارکرد انکارناپذیر نهادهای غیررسمی در ساماندهی رفتارهای فردی و اجتماعی تأکید می‌کنند. آنان معتقدند در عصر مدرن بخشی از وظیفه ساماندهی فردی و اجتماعی بر دوش نهادهای غیررسمی است و به راحتی نمی‌توان این وظیفه را از آنها ستاند (معینی [بی‌تا]: ص ۱۰۷). منصوری درباره این مرحله که نقش سیاسی نهادهای

اجتماعی را متناسب با نوع ساختار آنها بررسی کرده است، می‌نویسد: «دسته اول نهادهایی می‌باشند که مسئولیت و وظیفه ستقیم و تعیین شده‌ای در این ارتباط ندارند و در این زمینه به صورت غیررسمی و غیرمستقیم عمل می‌کنند. این گونه نهادها در جریان فعالیت‌های عادی و روزانه خود مفاهیم، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و گرایش‌ها را منتقل می‌کنند...» (منصوری، ۱۳۸۶: ص ۱۱۹). همان‌گونه که اشاره شد، کارکرد نهاد خانواده در ساخت رفتار اجتماعی در مقایسه با دیگر نهادهای غیررسمی از عمق بیشتری برخوردار است و نقش تعیین‌کنندگی زیادی را به خود اختصاص می‌دهد؛ بنابراین خانواده‌هایی که همبستگی بالایی دارند، در ترویج خط‌مشی‌های سیاسی خاص کارآمدتر عمل می‌کنند و موفقیت زیادی در جذب آرای عمومی به دست می‌آورند.

دوم: هویت‌سازی

طیف زیادی از دانشمندان جامعه‌شناسی درباره نقش گروه‌ها و نهادهای اجتماعی در هویت‌آفرینی متفق‌اند. آنان در تحلیل‌های خود آورده‌اند گروه‌های اجتماعی ... که شامل گروه‌های خانوادگی، دینی، شغلی، آموزشی، جنسی (زنان و مردان)، سنی (کودک، نوجوان، جوان، میانسال، پیر و فرتوت)، نظامی، ملی، قومی، طبقاتی (اجتماعی) و نظایر آنها هستند، بر اساس ارزش‌ها و سنت‌ها که عموماً پایدارترین آنها مقررات قواعد و قوانین موضوعه است، به تعامل و تبادل با یکدیگر می‌پردازند و در چارچوب‌های «تقسیم کار اجتماعی» و وظایف و مسئولیت‌های معین، هویت‌آفرین می‌شوند (شعبانی، ۱۳۸۵: ص ۲۵۴). در این بخش به نقش و کارکرد نهاد خانواده در هویت‌سازی تصریح شده است؛ زیرا در فرایند هویت‌یابی احساس تعلق و عاطفه گروهی یکی از مؤلفه‌های بارز در این زمینه است. بدیهی است در چنین فضای عاطفی، احساس آسایش و آرامش افراد از تعامل و همزیستی با دیگران مهم‌ترین کارکرد هر یک از اعضای گروه است؛ بنابراین هویت و امنیت اجتماعی از تراکم چنین عواطف و علقه‌هایی پدیدار می‌شود و از قوام بیشتری برخوردار می‌گردند.

برخی به نقش طبقه اجتماعی در ساخت هویت اجتماعی تأکید دارند و معتقدند فرد در مسیر رشد و تکامل خود به‌ناگزیر خوی‌ها و منش‌های طبقه خود را به دست می‌آورد و بر اساس آن عمل می‌کند (ربانی، ۱۳۸۱: ص ۲۸). این موضوع ناظر به طیف وسیعی از خانواده‌هاست که به

لحاظ پایگاه اجتماعی در طبقات معینی جای می‌گیرند؛ زیرا یکی از شاخصه‌های تعیین پایگاه اجتماعی افراد، وابستگی آنها به نوع خاصی از خانواده‌هاست و ویژگی فرد به‌تنهایی نمی‌تواند گویای طبقه اجتماعی او باشد. بنابراین کیفیت کارکرد خانواده به عنوان واسطه‌ای در انتقال خوی و منش خاص بر طبقه مربوط به اعضا و ساخت هویت فردی و اجتماعی آنها تأثیرگذار است. در جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت:

۱. نهادهای اجتماعی دارای ویژگی‌های ممتازی در رفتارسازی هستند؛ ۲. رفتارسازی از منطقی قوی پیروی می‌کند؛ به گونه‌ای که از نهاد اجتماعی، تولید رفتارهای خاصی موردانتظار است؛ ۳. نهادها دارای کارکردهای آشکار و پنهان هستند؛ ۴. نهادهای اجتماعی نقشی بی‌بدیل در ساخت هویت اجتماعی دارند؛ ۵. کارکرد نهاد خانواده به لحاظ بافت مستحکم آن در کلیه کارکردهایی که از نهادهای اجتماعی بیان شد، برجسته‌تر است. حال می‌توان گفت رفتارهای فردی و گروهی خاص، مولود ساخت‌های اجتماعی معین هستند که از نظم منطقی و عقلانی پیروی می‌کنند و هر رفتار نظام‌مندی متناسب با چارچوب نهادی مشخص، تولید معینی از رفتارها را به دنبال دارند. این همبستگی نهادی و رفتاری به اندازه‌ای است که هیچ‌گاه یک پدیده اجتماعی را نمی‌توان به طور تصنعی از بستر تاریخی و چارچوب ساختی خود خارج کرد و به طور منفرد مطالعه نمود. بنابراین در تجزیه و تحلیل‌های جامعه‌شناختی همواره باید افزون بر کارکردهای آشکار نهادها و ساختارها، نگاه تیزبینانه‌ای به تولید رفتارهای به‌ظاهر پنهان نهادها نیز داشت. در نهایت اینکه فرایند کارکردی نهادها به‌ویژه نهاد خانواده، در ساخت هویت و امنیت اجتماعی به طور آشکار و به گونه قاطع‌تری به صورت پنهان و ناخودآگاه در جریان است.

مبانی نظری

موضوع کارکرد (Function) از مباحثی است که به لحاظ اهمیت از سال‌ها قبل مورد توجه عالمان علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسان بوده است. شاید یکی از دلایل برجسته‌شدن کارکرد و تفکر کارکردگرایی در مغرب‌زمین، ظهور نگاه پراگماتیستی به عرصه اجتماع و رشد عقلانیت ابزاری در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی و شکل‌گیری عصر رنسانس باشد که تولد مکتب کارکردگرایی (Functionalism) را در پی داشته است.

در این رویکرد، سودمندی در معنای اقتصادی و نقش‌پذیر بودن به معنای اجتماعی آن،

اساس نگاه به پدیده‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. جامعه‌شناسان بر این باورند بنیان کارکردگرایی بر این واقعیت استوار است که کلیهٔ سنن، مناسبات و نهادهای اجتماعی دوام و بقایشان به کار یا وظیفه‌ای بستگی دارد که در نظام اجتماعی یعنی کل بر عهده دارند (توسلی، ۱۳۶۹: ص ۲۱۲). مفهوم دیگری که در مکتب کارکردگرایی مطمح‌نظر دانشمندان جامعه‌شناسی در این رویکرد بوده است، پاسخ‌گویی به نیازی از نیازهای اجتماعی از سوی پدیده‌ها و ساخت‌های اجتماعی است.

مسئله دورکیم در تحلیل کارکردهای اجتماعی این است که یک ساختار معین چه نیازی را برای یک نظام گسترده‌تر برآورده می‌سازد (ریترز، ۱۳۷۴: ص ۱۲۲). بنابراین مسئله تنها به اثربخشی و کارکرد ختم نمی‌شود، بلکه کارکردها می‌باید ناظر بر رفع نیازی در جامعه باشند. ویژگی بارز دیگر در رویکرد کارکردگرایی در تحلیل و ارزیابی نهادهای اجتماعی که توجه دانشمندان را به خود جلب کرده، نوع کارکرد ساخت‌های اجتماعی است؛ زیرا نمی‌توان همه عناصر موجود در یک ساخت را دارای کارکرد مثبت دانست. برخی از اصحاب این نحله فکری در این باره معتقدند ما در هر نظام به وجود سه عنصر کارا یا دارای آثار و نتایج مناسب ضدکارا با عناصر غیرموجه ... که حتی در جهت تخریب وحدت عمل می‌کنند و بالاخره عناصر بیکار که فاقد اثر و نتیجه در نظام بوده و کارکردی بر عهده ندارند پی می‌بریم (توسلی، ۱۳۶۹: ص ۲۲۲). برخی دیگر از نظریه‌پردازان این چارچوب فکری، از کارکردهای پیدا و نهان نهادهای اجتماعی سخن گفته‌اند و بین کارکردها تمایزی قائل شده‌اند که در تحلیل کارکردی اهمیت بسزایی دارند و آن وجود کارکردهای آشکار و پنهان است (توسلی، ۱۳۶۹: ص ۲۲۳). آنان بر این تأکید دارند که ساخت‌های اجتماعی به موازات آثار آشکاری که از خود به جای می‌گذارند، پیامدهای به‌ظاهر نامحسوسی در نظام اجتماعی دارند که در یک تحلیل منطقی و موشکافانه قابل شناسایی هستند. آنچه در این مبحث به عنوان بخشی از ویژگی‌های مکتب کارکردگرایی آمده، می‌تواند چارچوب مفیدی برای تحلیل کارکرد نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهاد خانواده در هویت‌سازی و تأمین امنیت اجتماعی باشد.

۳-۲-۱. رابطه کارکردهای نهاد خانواده و امنیت اجتماعی

نهاد خانواده به لحاظ تنوع نوعی و کارکردی دارای انواع گوناگونی است. جامعه‌شناسان،

دسته‌بندی‌های زیادی با ماهیت مشترک از خانواده ارائه کرده‌اند که به منظور رعایت اختصار به یک مورد اشاره می‌شود. ساروخانی در شمارش انواع خانواده به خانواده‌های زیستی، مرکب، زن و شوهری، گسترده، پیوسته، مادر مرکز، فرزند مرکز، راه‌یابی، فرزندزایی، ناقص، پدرومادری، ستاکی، هسته‌ای و زادروگا اشاره دارد و ضمن تبیین مفهوم هر یک، به کارکردهای خاص آنها نیز می‌پردازد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۱۳۶). همان‌گونه که در مبحث تعاریف آمد، مقصود ما از خانواده در این مقاله خانواده هسته‌ای و کارکردهای آن در جوامع به‌ویژه جامعه ایرانی است. در ادامه ابتدا به تبیین کارکردهای نهاد خانواده از نظر جامعه‌شناسان و دانشمندان مختلف در عرصه تعاملات اجتماعی پرداختیم و به اختصار به رابطه آن با امنیت اجتماعی اشاره کردیم؛ سپس نقش نهاد خانواده را در هویت‌سازی اجتماعی و از آن طریق در تأمین و تقویت امنیت اجتماعی قدری روشن کرده‌ایم.

اول: کارکردها

نهاد خانواده مانند دیگر نهادهای اجتماعی دارای کارکردهای متنوعی در درون خانواده و در بیرون آن یعنی عرصه اجتماعی است. کارکرد نهاد خانواده در درون خانواده با اثرگذاری بر اعضای خود نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به لحاظ اینکه ارتباطات مستقیم و چهره‌به‌چهره بین اعضای خانواده وجود دارد، تأثیر و تأثرات متقابل بین اعضا از عمق و پایداری بیشتری برخوردار است. با توجه به اینکه در این مقاله نهاد خانواده را مفروض گرفته ایم، از ورود به تعاملات درونی خانواده که مربوط به روابط بین اعضاست، خودداری می‌کنیم و به کارکردهای نهاد خانواده در تعامل با دیگر نهادهای اجتماعی پرداخته‌ایم.

جامعه‌شناسان درباره کارکردهای اجتماعی نهاد خانواده به نکات مهمی اشاره داشته‌اند. آنان نقش و کارکرد نهاد خانواده را در ساخت‌های اجتماعی مکمل کارکرد دیگر نهادهای اجتماعی از جمله نهاد آموزش و مذهب و... دانسته‌اند و آثار آن را در تقویت هویت و امنیت اجتماعی در سطح بالایی ارزیابی می‌کنند. وثوقی و نیک خلق افزون بر کارکرد پرورشی و اجتماعی کردن کودکان که در ارتباط با انواع خانواده متفاوت هستند، به وظیفه فرزندزایی ایجاد هویت اجتماعی حمایت و ارشاد فرد اشاره می‌کنند (کونن، ۱۳۷۶: ص ۱۷۴). همچنین آنها کارکردهای تولید تعلیم و تربیت و آموزش حرفه و فن در خانواده سنتی روستایی را مطرح می‌کنند و به تبیین هر یک

می‌پردازند. یکی از بدیهی‌ترین نتایج کارکرد پرورشی و اجتماعی کردن کودک ایجاد تعلق در برابر افراد گروه‌های اجتماعی است که بسترساز شکل‌گیری هویت و تأمین امنیت متقابل اجتماعی می‌باشد. کوئن خانواده را در جایگاه یک نهاد اجتماعی دارای کارکردهایی می‌داند که ماهیت آنها از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌پذیرد (کوئن، ۱۳۷۶: ص ۱۳۱). او در ادامه به تنظیم رفتار جنسی، زادوولد، مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان، اجتماعی کردن فرزندان، تثبیت جایگاه و منزلت اجتماعی و فراهم آوردن امنیت اقتصادی در جایگاه کارکردهای خاص نهاد خانواده اشاره می‌نماید و ابعاد هر کدام را به اختصار تشریح می‌کند.

فرخجسته نیز با اشاره به کارکردهای فرهنگی، آموزشی و اقتصادی خانواده (فرخجسته، ۱۳۸۲: ص ۴۵)، به تشریح ابعاد هر یک از آنها پرداخته است. علی‌قائمى نهاد خانواده را ضامن تکامل اجتماعی می‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که حرکت سالم اجتماعی بر محور خانواده، دوام و بقای بشریت را به دنبال دارد (قائمى، ۱۳۶۸: ص ۵۵). همچنین وی معتقد است حیات اجتماعی بر نهاد خانواده استوار است و بنیان سعادت و بهروزی مردم ناشی از انسجام آن است.

برخی متفکران اسلامی ایفای نقش بزرگی را در میدان علم، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اجتماع و هر چیز دیگری که به انسان مربوط می‌شود (البدری، ۱۳۸۳: ص ۱۵۲)، برای نهاد خانواده قائل‌اند؛ زیرا خانواده را ریشه، پایه و اساس هر اجتماع و هر امتی می‌دانند. این رویکرد غالباً ناظر بر ساختار موجود نهاد خانواده در جوامع اسلامی است که در مقایسه با جوامع غربی استحکام بیشتری دارد.

نویدنیا در توضیح کارکرد عاطفی خانواده و نیاز جامعه به احساس تعلق و پیوند میان اعضا، بر این باور است که حیات جامعه در گرو احساس تعلق وابستگی و پیوند میان اعضای آن است؛ به گونه‌ای که مراقبت از احساس تعلق و تعهد افراد در برابر یکدیگر، مهم‌ترین ضرورت حیات هر اجتماعی است (نویدنیا، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ص ۲۹). در این باره می‌توان گفت تنها نهادی که می‌تواند به بهترین وجه از عهده چنین ضرورتی برآید، نهاد خانواده است؛ چراکه لازمه مراقبت از احساس تعلق افراد به یکدیگر، وجود روابط عاطفی عشق و محبت است که شکل حقیقی و واقعی آن را تنها در نهاد خانواده می‌توان یافت و آنچه گاهی در دیگر نهادها مشاهده می‌شود، در سطح بالایی از شکنندگی قرار دارد و ناپایدار است. این نتیجه ما را از ظرفیت نهاد خانواده در هویت و امنیت‌سازی آگاه می‌کند؛ زیرا ابتدایی‌ترین انتظار هر یک از افراد انسانی در روابط با

دیگران، احساس آرامش، آسایش و امنیت از همزیستی با آنان است.

چلبی خانواده را یکی از کوچک‌ترین اشکال اجتماع طبیعی می‌داند و بر این باور است که خانواده یک اجتماع یا یک مای کوچک است که در آن تعهدات اجتماعی و علقه‌های زناشویی نسبتاً پایدار بین حداقل دو نفر (زن و مرد) با پشتوانه تعاملات گرم وجود دارد (رئسی، ۱۳۸۴: ص ۶۹). به نظر می‌رسد مراد وی از آوردن واژه «مای کوچک» در تحلیل ساخت خانواده، به کارکرد هویت‌سازی اجتماعی خانواده اشاره داشته باشد.

در مجموع می‌توان کارکردهای نهاد خانواده را در دو دسته کلی خلاصه کرد: دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در مباحث خود معمولاً از مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی به وجه نرم و از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی به وجه سخت کارکرد نهاد خانواده یاد می‌کنند. با توجه به اینکه خانواده دارای انبوهی از کارکردهای گوناگون در ابعاد مختلف است، این کارکردها در الگوی فوق قابل دسته‌بندی هستند.

کارکرد نرم خانواده

الف) ابعاد فرهنگی

اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، نمادهای فرهنگی، کیفیت روابط و در تعاملات اجتماعی را دربر می‌گیرد که از رویکردی به رویکرد دیگر متفاوت است. نوع انتخاب و منش نهاد خانواده که اعضای آن در ارتباط تنگاتنگ عاطفی هستند، در شکل‌دهی به هویت خانوادگی و در شکل تعمیم‌یافته آن، در شکل‌دهی به هویت فرهنگی مؤثر است؛ مانند خانواده مذهبی، متدین، اصل‌ونسب‌دار مذهبی و در مقابل می‌توان از خانواده غیرمذهبی، بی‌بندوبار و ... نام برد که همگی از رویکردی مشتق می‌شوند که زیربنای آن نهاد خانواده و هویت حاکم بر آن است.

ب) ابعاد اجتماعی

علقه‌ای است که به واسطه ازدواج دختر با پسر بین یک خانواده با دیگر خانواده برقرار می‌شود و به سطوح مختلف جامعه تعمیم می‌یابد، تعهد خانواده در قبال تعاملات اجتماعی مانند معامله، وام‌گرفتن یا وفای به عهد، که در صورت التزام عملی و یا عدم التزام عملی، ضمانت اجرای آنها در وهله اول درونی، یعنی احساس خوشحالی و مسرت یا احساس گناه و تقصیر است و در وهله دوم بیرونی شامل تأیید یا عدم تأیید خانوادگی و اجتماعی، ملامت یا تحسین خانوادگی و

اجتماعی، طرد یا جذب خانوادگی و اجتماعی است. گفتنی است کارکردهای نرم نهاد خانواده را صرفاً نمی‌توان در ابعاد آشکار فرهنگی و اجتماعی محدود کرد؛ زیرا کارکردهای نرم در حوزه کارکردهای غیرمستقیم و به تعبیری پنهان نیز قابل شمارش و تجزیه و تحلیل هستند.

کارکرد سخت خانواده

الف) ابعاد سیاسی

ابزار گروه‌ها اعم از خانواده و دیگر نهادها در این بعد مشتمل بر زور، اقتدار، سلطه و جاذبه در روند تعاملات اجتماعی است. در این نوع از تعامل، نقش دولت و پلیس برجستگی دارد و گروه‌های دارای روابط سرد و همچون دو حریف در مقابل هم وعده مبتنی بر روابط تعارض‌آمیز است. کشمکش و نزاع از هنجارهای بدیهی در روابط بین خانواده و دیگر گروه‌ها در این بعد است و نهادهای حقوقی و پلیسی عموماً نقش میانجی دارند.

سیاست در شکل اثباتی خود روابط اجباری مبتنی بر علقه امنیتی بین دوست و دشمن (بالقوه) با پشتوانه زور است. این دوستی و دشمنی معمولاً به صورت دو نوع تضاد اجتماعی (بالقوه) و به دو شکل داخلی و خارجی تجلی می‌کند. نوع اول، تضادهای توزیعی در وضعیت کمیابی است؛ نوع دوم تضادهای ارزشی است (چلبی، ۱۳۸۴: ص ۷۵). در این بعد از ابعاد سخت کارکرد خانواده، شاهد امنیتی برخاسته از اقتدار قانونی در بین خانواده‌ها هستیم و به نظر می‌رسد ماهیت امنیت‌سازی عناصر و شاخص‌های هویتی رو به افول باشد و امنیت موجود در جامعه درک عمیقی از احساس امنیت را به درون خانواده‌ها منتقل نکند.

ب) ابعاد اقتصادی

ابزار ارتباطات اجتماعی در حوزه اقتصاد پول یا منابع مادی، انگیزه‌ها یا تمایلات مادی، فعالیت‌های اقتصادی و روابط مبادله‌ای هستند و افراد در تعاملات فردی و اجتماعی خود بر مبنای محاسبه‌گری و هزینه و فایده با مسائل برخورد می‌کنند و در تمام مراودات، نقش منافع مادی برجسته می‌شود. در این زمینه گاهی شاهد تخریب روابط عاطفی بین اعضای یک خانواده هستیم. در این بعد مانند بعد سیاسی، تضادها خیلی عریان نمی‌شوند و تضاد منافع طرف مقابل نیز می‌باشد. بنابراین در درون خود مبادرت به ساخت مراودات، آداب و سنن اجتماعی ویژه‌ای

می‌کند که مبتنی بر تعاملات اقتصادی در بین خانواده‌هاست. این شکل از تعامل در چارچوب محیط مفهومی خود، ظرفیتی از امنیت‌سازی اجتماعی را متبلور می‌سازد که ضریب شکنندگی آن قابل توجه است. جامعه‌شناسان غرب، جایگزینی روابط اقتصادی به جای روابط عاطفی در تعاملات اجتماعی را موجب افول کارکردهای نهاد خانواده می‌دانند و معتقدند با انتقال تولید اقتصادی از مزرعه به کارخانه، افراد خانواده دیگر به صورت یک واحد با یکدیگر کار نمی‌کنند و همراه با نیاز کارگران به کار در کارخانه، وظایف اصلی خانواده به نهادهای تخصصی دیگر واگذار شد (تافلر، ۱۳۷۱: ص ۴۰). این روند ضمن رخنه در شکل سنتی نهاد خانواده، حذف یا تنزل تعاملات عاطفی و کاهش کارکرد هویت‌سازی اجتماعی آن، ناظر بر انجام محاسبات هزینه و فایده در ارتباطات بین فردی و خانوادگی است که نقش مؤثری در تأمین امنیت اجتماعی ایفا نمی‌کند.

دوم: نقش نهاد خانواده در تقویت هویت اجتماعی

در آرا و اندیشه پژوهشگران علوم اجتماعی و سیاسی که در مجامع و مقاطع مختلف انتشار یافته است، نهاد خانواده از نهادهایی است که در کنار دیگر نهادهای اجتماعی همچون مذهب، آموزش و پرورش و بیشترین کارکرد در فرایند اجتماعی کردن اعضای خانواده را دارد. بنابراین ضمن اینکه خود بخشی از هویت افراد و گروه‌های انسانی است، نقش برجسته‌ای در ساخت ارتقای ضریب هویت اجتماعی دارد و همواره نقش‌آفرینی می‌کند.

چلبی در مبحث اجتماع جامعه‌ای که آن را ناشی از ترکیب نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند، می‌نویسد: «اجتماع جامعه‌ای از چهار رکن اصلی شامل قواعد جمعی، تعامل اجتماعی، منابع اجتماعی و وابستگی عاطفی تشکیل می‌شود». او چون وابستگی عاطفی را یکی از ارکان اصلی اجتماع می‌داند، این پرسش را مطرح می‌کند که وابستگی عاطفی به جمع چگونه به وجود می‌آید؟ در پاسخ به این پرسش به ارتباط فرد از دو طریق با جامعه (یکی از طریق رابطه اجتماعی با دیگران و دیگری از طریق عضویت اجتماعی در اجتماعات) اشاره می‌کند و معتقد است افزون بر رابطه اجتماعی که فی‌نفسه وابستگی عاطفی و علاقه اجتماعی تولید می‌کند، در بستر تعاملات اجتماعی نوعی جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن صورت می‌گیرد. بدین ترتیب که فرد می‌آموزد عضو چه گروهی (گروه‌ها) است.

آنگاه طی بحثی به فرایند نقش‌آفرینی خانواده در قوام هویت می‌پردازد و چنین استدلال می‌کند: «بعد از تولد، فرد اولین تجربه اجتماعی خود را در نظام اجتماعی خانواده کسب می‌کند. در این اجتماع کوچک فرد گرایش مثبت نسبت به مادر، پدر و بقیه اعضای خانواده خود پیدا می‌کند. خانواده اولین بنگاه جامعه‌پذیری است که به پرورش عاطفه فرد می‌پردازد و در آن فرد نسبت به سایر اعضا وابستگی عاطفی پیدا می‌کند. در این مرحله از جامعه‌پذیری اولین هویت که همانا احساس عضویت در اجتماع طبیعی خانواده است، کسب می‌شود» (چلبی، ۱۳۸۴: ص ۱۰۲). آنگاه اگر فرد میل به وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته را از نظام شخصیتی کسب کرده باشد، همه انسان‌ها را از خود می‌داند و در قبال همه احساس تعهد و تکلیف جمعی می‌کند. در چنین فضایی، ضمن شکل‌گیری هویت اجتماعی، یکی از مؤلفه‌هایی که در وهله اول مورد توجه است، پرهیز از ناامنی، اذیت و آزار و سلب آزادی دیگران و در مقابل حفظ احترام و حقوق انسانی افراد هم‌نوع خود و تأمین امنیت عینی و روانی آنان از کارکردهای عمیق و ریشه‌دار خانواده مبتنی بر وابستگی عاطفی می‌تواند باشد.

نویدنیبا با اشاره به ظرفیت ساخت هویت در محیط امنیت تولیدشده در بستر اجتماع می‌نویسد: «حفظ خانواده، هم‌محلی و ... قومیت و هرآنچه انسان خود را در آن می‌نمایاند، دغدغه امروز بشر است؛ به همین دلیل به امنیت اجتماعی گریز می‌زند تا بتواند هویت و تعلقات خویش را در سایه آن پاسداری کند (نویدنیبا، ۱۳۸۵: ص ۶۲). در این بخش با نوعی دور مواجه می‌شویم؛ از یک‌سو امنیت اجتماعی را یک تولید مشتق از هویت اجتماعی برداشت می‌کنیم و از سوی دیگر شکل‌گیری هویت را در سایه امنیت اجتماعی پایدار محقق می‌دانیم.

شعبانی در تکوین هویت اجتماعی به جریان تعاملی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی اشاره دارد و بر این باور است که گروه‌های خانوادگی، دینی، شغلی، آموزشی و ... بر اساس ارزش‌ها، سنت‌ها و ... به تعامل و تبادل با یکدیگر می‌پردازند و ... هویت‌آفرین می‌شوند (شعبانی، ۱۳۸۵: ص ۲۵۴). او در این مورد نقش زیادی به هنجارهای هویت‌ساز اجتماعی نداده است؛ بنابراین به طور طبیعی خانواده از جایگاهی برابر و گاهی پایین‌تر برخوردار است.

برخی دیگر از نویسندگان به کارکرد و ضدکارکرد نهادهای اجتماعی و ویژگی افراد در اثر گذاری بر هویت اجتماعی تکیه دارند و معتقدند نهادهای اجتماعی همیشه نقش مثبت یا به تعبیری کارکرد ایجابی مطلوبی ندارند و متناسب با شرایط و محیط هویتی موردنظر، دارای

نقش‌های چندجانبه هستند. از نظر آنها عوامل اجتماعی که در شکل‌گیری منش، شخصیت و رفتار انسان تأثیر می‌گذارند، متعدد هستند که خانواده، مدرسه و ... از جمله این عوامل می‌باشند. همه این عوامل می‌توانند در یک مسیر صحیح و سالم یا انحرافی تأثیر داشته باشند (رئسی، ۱۳۸۴: ص ۹۸). این تحلیل به کارکردهای مثبت و منفی نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهاد خانواده اشاره دارد. نقش و کارکرد نهاد خانواده در هویت و امنیت اجتماعی را با الگوی زیر می‌توان تبیین کرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۰: ص ۱۰۲). از این الگو به عنوان نظام آگزیوماتیک یاد می‌شود که به صورت زیر است.

فرایند نظریه‌سازی نقش نهاد خانواده در تأمین امنیت اجتماعی

گفتارها: اگر خانواده در جامعه منسجم باشد = پس در پی تقویت هویت اجتماعی است.
آگزیوم‌ها: اگر خانواده در پی تقویت هویت اجتماعی باشد = پس در پی تحقق امنیت اجتماعی است.

تورم: اگر خانواده در جامعه منسجم باشد = پس در پی تحقق امنیت اجتماعی است.
گفتنی است کارکرد خانواده‌های منسجم و واحد روابط مطلوب و عاطفی، همزمان در تقویت هویت و امنیت اجتماعی درک‌شدنی است و از این منظر دارای فواصل زمانی محسوس نیست.

۴-۲-۱. تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های هویت و امنیت اجتماعی و نقش نهادهای اجتماعی و خانواده در پیشگیری از آن و مقابله با آن

دانشمندان مختلف به‌درستی از هویت اجتماعی به عنوان پایه و اساس امنیت اجتماعی نام برده‌اند و معتقدند به موازات تقویت ضریب هویت اجتماعی، امنیت اجتماعی نیز قوام بیشتری می‌یابد و عکس آن اثر منفی در میزان امنیت اجتماعی دارد. بوزان، اختلال در امنیت اجتماعی را مربوط به زمانی می‌داند که شاخص‌های هویتی جامعه تهدید می‌شوند. او شاخص‌های هویتی را شامل الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، هویت مذهبی می‌داند که این ارزش‌ها اغلب از داخل کشور و قومی و رسوم مورد تهدید قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۱۴۷). عده‌ای دیگر با نگاهی سلبی این‌گونه تحلیل می‌کنند که امنیت اجتماعی ... فارغ‌شدن از تهدیدهای ناشی از بحران هویت، ضعف نهادهای جامعه و کاهش ناهنجاری‌های اقتصادی، معیشتی و فرهنگی و مسائل

مربوط به بقا و بالارفتن نظم عمومی و حفظ هویت‌های اجتماعی تلقی می‌شود (ربیع، ۱۳۸۳: ص ۲۸۷). این مباحث ناظر بر تقدم قوام یا زوال هویت اجتماعی بر ارتقا یا کاهش امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که بدون شکل‌گیری هویت اجتماعی، انتظار استقرار امنیت اجتماعی پایدار بیهوده بوده و تولید امنیت، نتیجه اجتناب‌ناپذیر شکل‌گیری هویت اجتماعی است. بنابراین رسالت عملی اعضای جامعه در تأمین و ارتقای امنیت اجتماعی، پاسداری از شاخص‌های هویت اجتماعی در بستر نهادهای اجتماعی به‌ویژه خانواده است.

در ادامه به برخی از تهدیدها و آسیب‌های عناصر هویت اجتماعی به‌اختصار اشاره می‌شود که در صورت پاسداشت‌نشدن صحیح آنها، دچار ضعف خواهند شد. در این مبحث ناکارکردی و ضدکارکردهای نهاد خانواده و تأثیر آنها در تضعیف امنیت اجتماعی دارای برجستگی زیادی است.

۱-۴-۲-۱. وقوع بزهکاری

با چشم‌پوشی از نقش دیگر متغیرهای ذی‌مدخل، وقتی نهاد خانواده نقش و کارکرد خود را از یک‌سو برای پاسخ‌گویی به انتظارات اعضا از دست می‌دهد و از سوی دیگر در نظارت و کنترل بر سلوک آنان ناتوان می‌شود، با نوعی خانواده ازهم‌گسسته مواجه می‌شویم. در این باره عده‌ای بر این باورند که خانواده ازهم‌گسسته در کنار عواملی چون درآمد پایین خانواده، پرجمعیت بودن، تربیت ضعیف فرزندان، نظارت ناچیز والدین، هوش بهر پایین، نبود موفقیت و بیش‌فعالی، یک پیش‌بینی‌کننده قوی بزهکاری است (نیکوگفتار، ۱۳۸۴: ص ۱۷۵). بنابراین اغلب راه برای آلودگی و ارتکاب اعضا به بزه‌های اجتماعی هموار خواهد شد و به واسطه طرد عنصر بزهکار از جامعه و خانواده، به طور طبیعی فرد دچار آشفتگی هویتی می‌شود، خود را از جمع بیگانه احساس می‌کند و این روند می‌تواند شدت ارتکاب به بزه‌های بیشتر و بزرگ‌تر را به دنبال داشته باشد و نقش ویران‌کنندگی آن در تأمین امنیت اجتماعی افزایش یابد. برخی نویسندگان در ارزیابی ضریب امنیت در سطح جامعه معتقدند میزان وقوع جرم و جنایت در مقایسه با شاخص‌های دیگر، نشان‌دهنده مناسبی برای سنجش سطح امنیت اجتماعی است (کامل‌السعيد، ۱۳۸۳: ص ۱۳۰). برخی دیگر پیدایش انواع جرایم ارتكابی نوجوانان را معلول ترکیبی از عوامل نظیر درهم‌ریختن و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، سست‌شدن پایه‌ها و مبانی مذهبی و اخلاقی و ...

می‌دانند و در این میان توجه خاصی به خانواده ... دارند (رئسی، ۱۳۸۴: ص ۹۹).

۲-۴-۱. هنجارشکنی

برخی دانشمندان گسستگی کانون خانواده و دلبستگی به افراد منحرف را از عوامل رفتارهای ضداجتماعی جوانان و نوجوانان می‌دانند و این‌گونه تحلیل می‌کنند که نابسندگی تعلق به خانواده، همسالان و مدرسه و دلبستگی به همسالان منحرف از [مهم‌ترین عوامل] رفتار ضداجتماعی هستند (نیکوگفتار، ۱۳۸۴: ص ۱۷۳). در موارد دیگر خانواده‌ای که نخواهد یا نتواند هنجارهای اجتماعی را درونی سازد و در اجتماعی کردن اعضای خود به دلایل گوناگون دچار بی‌کارکردی و گاه ضدکارکردی شود، به طور طبیعی از انجام اعمال خلاف هنجار ابایی ندارد؛ در نتیجه دچار هنجارشکنی می‌شود. ادامه این روند موجب آسیب‌پذیری عناصر هویت اجتماعی و کاهش ضریب امنیت اجتماعی می‌شود.

عده‌ای دیگر از انطباق‌نیافتن توانمندی نظام اجتماعی با نیازهای فزاینده افراد در جایگاه یکی از علل بروز هنجارشکنی یاد کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اگر خانواده‌ها در این‌گونه موارد دچار بی‌کارکردی یا ضدکارکردی شوند، به سرعت این روند خواهند افزود. رفیع‌پور در این باره می‌نویسد: «تا موقعی که ... ارزش‌ها و نیازهای جدید به مردم تزریق نشده است ... جامعه در حال تعادل خواهد بود». اما «وقتی ارزش‌ها و نیازهای جدید وارد جامعه شوند و مردم آن ارزش‌ها و نیازها را بپذیرند و مایل به دستیابی به آنها باشند، اما ابزار دستیابی به آن را نداشته باشند و راه رسیدن به آن اهداف عملاً برایشان مسدود باشد، احساس نارضایتی می‌کنند و به هر اقدام مغایر با سیستم موجود دست خواهند زد» (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ص ۳۶). نتیجه ابتدایی چنین وضعی، ضعف علقه اجتماعی مردم به نظم موجود، عدم احساس هویت اجتماعی و هنجارشکنی خواهد بود؛ زیرا اقشار زیادی از مردم شرایط حاکم را در راستای امنیت رفاهی و روانی خود نمی‌دانند و خواستار تغییر وضع می‌شوند. در این فضا شاخص‌های هویت‌ساز فاقد کارکرد مؤثر خواهند بود و تضاد منافع در جامعه رخ می‌دهد که به طور طبیعی در تضعیف امنیت اجتماعی نقش دارد.

۳-۴-۱. تضعیف نقش گروه‌های مرجع

یکی از مؤلفه‌هایی که نقش مستقیم در ساخت هویت و امنیت اجتماعی دارد، گروه‌های مرجع

هستند. مرتن (از جامعه‌شناسان مکتب کارکردگرایی) در تبیین نقش گروه‌ها این واقعیت را بیان می‌کند که فرد رفتار خود را برای تأیید یا نفی گروهی هدایت مرجع می‌کند که خود به آنها تعلق ندارد (دارندورف، ۱۳۷۷: ص ۷۲). اگر گروه‌های مرجع بومی که خانواده‌ها در مباحث اجتماعی به‌ویژه در تقویت هویت اجتماعی از آنها الگو می‌گیرند، در کارکرد خود ضعف داشته باشند و از عهده الگو بودن و هنجارسازی متناسب با شرایط متحول جهانی برنایند، هویت اجتماعی جامعه دارای بحران می‌شود. به تعبیر برخی صاحب‌نظران این ناتوانی هنگامی که در کنار توانایی گروه‌های مرجع خارجی قرار گیرد که حضور رسانه‌ای قوی و قدرتمند و جاذبه‌کاذبی دارند، چه‌بسا مقبولیت بیشتری به گروه مرجع خارجی بدهد؛ در نتیجه فرایند بازتولید هویت اجتماعی توسط این گروه‌ها هدایت خواهد شد (ربانی، ۱۳۸۱: ص ۸۲). در این صورت با رسوخ خرده‌فرهنگ‌ها و الگوهای بیگانه در اجتماع بومی، ایجاد شکاف‌های بین نسلی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. بنابراین جامعه دچار بحران هویت می‌شود و به بهانه‌های اندک، تعارضات اجتماعی روبه فزونی می‌گذارد و امنیت اجتماعی لرزان محصول چنین وضعیتی است.

۴-۲-۱. بی‌توجهی به آداب و سنت‌های اجتماعی

تغییرات اجتماعی پرشتاب ناشی از فرایند جهانی‌شدن آثار زیادی بر ساخت اجتماعی خانواده و کارکردهای آن بر جای گذاشته است؛ به همین دلیل دیگر، فرزندان همچون والدین تعلق خاطر زیادی به آداب و سنن اجتماعی ندارند. این نگرانی به جایی رسیده است که عده‌ای ناامیدانه بیان می‌کنند که احترام به سنت‌های خانوادگی از جمله مراسمی که خانواده در ایام سوگواری یا جشن برپا می‌دارد و پیروی از ارزش‌های اعتقادی بزرگان خانواده از دیگر مواردی است که نزد نسل حاضر مورد تردید قرار گرفته است (عصاره، ۱۳۷۹: ص ۵۵). ادامه فرض مذکور در میان‌مدت حاصلی جز تضعیف آداب و سنن اجتماعی، تقلیل قدرت هنجارسازی و بروز بحران هویت اجتماعی به دنبال ندارد. بنابراین روند مزبور پیامدهای بعدی و آثار ویران‌کننده‌ای که بر امنیت اجتماعی از خود به جای می‌گذارد، قابل پیش‌بینی است.

۵-۴-۲. تضعیف زبان و ادبیات بومی

بی‌کارکردی و گاه ضدکارکردی نهاد خانواده در بهره‌گیری زیاد خانواده‌ها که از رسانه‌های خارجی به واسطه توسعه بسیار زیاد وسایل ارتباطی ایجاد شده و از آثار جهانی‌شدن است،

سبب رواج خرده فرهنگی زبانی ادبیات بیگانه در جامعه می‌گردد. به دنبال رسوخ اصطلاحات خارجی در ادبیات محاوره خانواده‌ها و جامعه، در صورت تولید نشدن ادبیات و اصطلاحات مناسب از سوی مراجع مسئول، آسیب‌پذیری زبان و ادبیات بومی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بدیهی است این جریان هنجارسازی را از درون مرزها به بیرون آن منتقل خواهد کرد که ضمن به‌همراه داشتن کارکردهای ویران‌کننده پنهان، مسخ فرهنگ خودی از پیامدهای آشکار آن است. نتیجه چنین وضعیتی در میان مدت پس از آشفتگی هویت اجتماعی، تزلزل در امنیت اجتماعی است.

۶-۴-۱. تضعیف نمادهای مذهبی

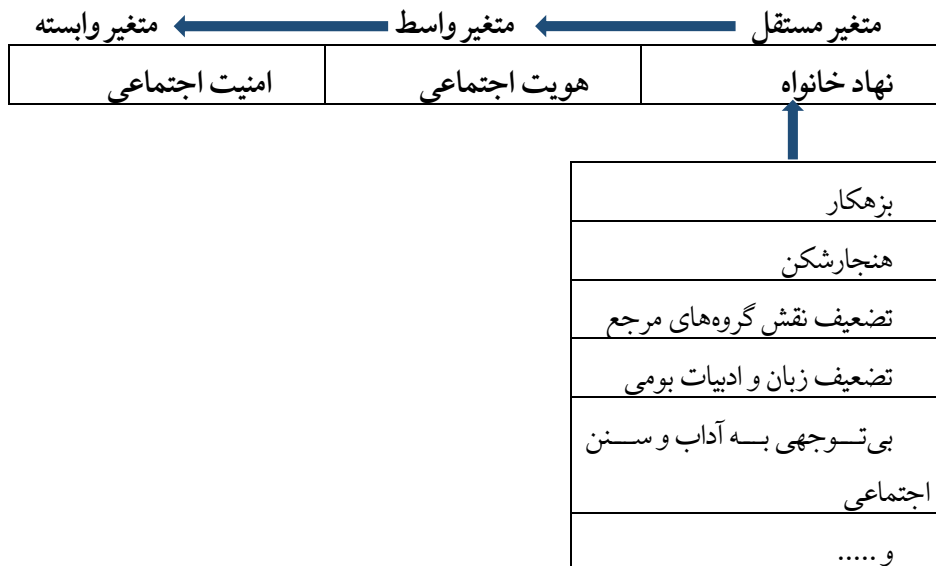
دین و نمادهای مذهبی به‌ویژه در جوامع دینی، یکی از مؤلفه‌هایی است که در درون افراد، احساس تعهد اخلاقی برای هواداری از انتظارات اجتماعی را به وجود می‌آورد. این موضوع ناظر به قدرت هنجارسازی نمادهای دینی مانند انس با مسجد، شرکت در نماز جماعت و جمعه، پاسداشت ایام محرم و عاشورا، روزه‌داری در ماه رمضان و ... است. اگر نهاد خانواده در جریان اجتماعی کردن اعضا در بهره‌گیری از نمادهای مذهبی اسیر بی‌کارکردی و ضدکارکردی شود، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار خود در هویت‌بخشی و امنیت اجتماعی را از دست خواهد داد. در این زمینه دورکیم در بررسی کارکردهای دین، علاقه‌مند به مکانیسم‌هایی بود که می‌توانند در مواقع به‌خطر افتادن سامان اجتماعی به کار آیند. به نظر او تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورند و بدین‌سان پیوندهای مشترکشان را دوباره تصدیق می‌کنند؛ در نتیجه همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند (کوزر، ۱۳۶۹: ص ۱۹۷ و ۲۰۰). بنابراین مهم‌ترین زمینه کارکرد دین و نمادهای دینی، کانون عاطفی خانواده است که با به‌کارگیری صحیح سازوکارهای موجود می‌تواند در تحکیم هویت مذهبی و اجتماعی و نهادینه کردن امنیت پایدار اجتماعی به گونه مؤثری به کار آید.

به نظر می‌رسد نمودار زیر به منظور تداعی فرایند تأثیرگذاری تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های اجتماعی در هویت و امنیت اجتماعی مناسب باشد. اگر خانواده از پیش بستر تحقق و نهادینه‌سازی انسجام و همگرایی منطقی در شکل‌گیری نهاد خانواده را فراهم کند و کارکردهای مثبت ارائه دهد و نیز از ابزارهای اقتدار و کنترل عاطفی خود متناسب با تحولات روز به بهترین

وجه استفاده نماید و در بهره‌گیری از ظرافت‌های تربیتی و مؤلفه‌های اثرگذار موفق باشد، نقش بسیار مطلوبی در مهار معضلات مذکور ایفا خواهد کرد. تأکید بر به‌کارگیری روش‌های «متناسب با تحولات روز» برای آن است که اگر اولیای خانواده در هدایت عاطفی جوانان و نوجوانان فضای حاکم بر محیط اجتماعی را مدنظر نداشته باشند، ای بسا تلاش‌ها در این زمینه بر ضد اهداف اولیه عمل کند.

نمودار شماره ۴: تأثیر شاخص‌های تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های اجتماعی

در هویت و امنیت اجتماعی



یک نمونه از آسیب‌پذیری‌های بسیار مهمی که امروزه خانواده‌ها با آن مواجه هستند، پدیده شکاف بین نسلی در سال‌های پس از جنگ تحمیلی است که نشان‌دهنده وجود بحران هویتی در نسل سوم انقلاب اسلامی در جامعه ایرانی است. به نظر می‌رسد این چالش از یک سوانحی از نقش‌آفرینی توسعه ارتباطات اجتماعی داخل و خارج کشور در بستر جهانی‌شدن فرهنگ و جهانی‌سازی و به تعبیر به حق و دقیق مقام معظم رهبری تهاجم فرهنگی و از سوی دیگر بی‌توجهی و غفلت والدین در نوع تعامل با فرزندان در شرایط متحول کنونی و به‌کارنگرفتن روش‌های مبتنی بر ملاحظات جدید فرهنگی و نوع نگرش جوانان و نوجوانان به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی باشد. در این زمینه نقش‌آفرینی نهادها، دستگاه‌ها، متفکران و دانشمندان علوم فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه عالمان حوزوی از اهمیت بسیار بالایی در ارتقای قابلیت‌های

والدین برای پرهیز از تعصبات خشک و بی‌منطق دوران گذشته از یک‌سو دارد و از سوی دیگر بهره‌گیری از روش‌های متناسب و ایجاد ظرفیت مطلوب در مواجهه با فرزندان برخوردار می‌باشد؛ به گونه‌ای که در تعاملات درون و بین خانوادگی ضمن مراقبت از چارچوب فرهنگی و هویتی خانواده و جامعه، مشی‌های اجتماعی از پویایی لازم بهره‌مند شوند.

نتیجه

پیچیدگی فرایند تأمین امنیت و سازوکار مربوط به آن به‌ویژه در حوزه امنیت اجتماعی، به معنایی برای دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. مراد ما از امنیت اجتماعی در این مقاله واژه *societal security* است که ابعاد و فاصله آن با دیگر واژه‌ها به طور نسبی تبیین و این نتیجه حاصل شد که این مفهوم با وجه ایجابی، در حوزه امنیت نرم قابل ارزیابی و خاستگاه آن، لایه‌های ظریف اجتماعی است.

کارکرد نهاد خانواده در میان دیگر نهادهای اجتماعی در رفتار و هویت‌سازی به طور برجسته‌ای اثرگذار و دارای نقش بی‌بدیل یا کم‌بدیل است. هویت اجتماعی مشتق از عناصر فرهنگ و لایه‌های روابط روزمره اجتماعی به صورتی غیرتأسیسی و خودجوش شکل می‌گیرد و دارای ارتباط وثیقی با ساخت اجتماعی امنیت است. نهاد خانواده به‌ویژه در جامعه ایرانی و مسلمان، دارای کانون گرم عاطفی است و نقش کارکردی آن با وجود همه‌آثاری که در تشدید تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های پیش‌گفته می‌تواند داشته باشد، بر بی‌کارکردی‌هایش غلبه می‌کند و همواره مقوم هویت و امنیت اجتماعی است.

هویت و امنیت اجتماعی همچنین دارای تهدیدها و آسیب‌پذیری‌هایی هستند که ناکارکردی‌ها و ضدکارکردی‌های نهاد خانواده در شکل‌گیری و تحقق آنها تعیین‌کننده است.

همه موارد بالا نشان می‌دهد جایگاه نهاد خانواده در درون ساخت نظام اجتماعی بسیار رفیع و دارای آثار انکارناپذیری در اغلب حوزه‌ها به‌ویژه امنیت اجتماعی است؛ بنابراین شایسته است این کانون به منظور صیانت از آن در مسیر تحولات روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌ویژه طرح جهانی‌سازی دنیای غرب، برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کلان‌مورد توجه جدی قرار گیرد. در غیر این صورت، از یک‌سو جامعه به انفعال فرهنگی و هویتی مبتلا می‌شود و از سوی دیگر نفوذ خرده‌فرهنگ‌های مهاجم موجب تضعیف و اضمحلال هویت اجتماعی و ملی

می‌شود. در چنین شرایطی بروز بحران‌های اجتماعی، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و روند ساخت هویت و امنیت اجتماعی با خلل مواجه خواهد شد.

کتاب‌نامه

۱. افتخاری، اصغر، مراحل بنیادین امنیت در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱ ش.
۲. افتخاری، اصغر، مباحث کلاسی مربوط به درس جامعه‌شناسی امنیت، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی دوره پنجم گرایش امنیت ملی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ ش.
۳. البدری، .. «امنیت خانواده با دستورهای آسمانی»، در: مجموعه مقالات خانواده، دین‌مداری و سلامت؛ تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۳ ش.
۴. بشیری، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱ ش.
۵. باری بوزان، لنه هانسن، «تحول مطالعات امنیت بین‌الملل»، ترجمه حیدر علی بلوچی، تهران: چاپ دوم، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۲.
۶. تافلر، الوین، موج سوم، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران: انتشارات کارون، ۱۳۷۱ ش.
۷. توسلی، غلام‌عباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۹ ش.
۸. دارندورف، رالف، انسان اجتماعی، ترجمه غلامرضا خدیوی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۷ ش.
۹. رئیسی، ابوالقاسم، «بررسی نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه دانش انتظامی، س ۷، ش ۱، تهران: معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. ربانی، جعفر، هویت ملی، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. ربیعی، علی، مطالعات امنیت ملی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. رفیع‌پور، فرامرز، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. رفیع‌پور، فرامرز، کندوکاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. ساروخانی، باقر، درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۰ ش.

۱۶. شعبانی، رضا، ایرانیان و هویت ملی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. عصاره، علیرضا، «آسیب‌های ناشی از تحولات خانواده»، نشریه پیوند، ش ۲۴۹-۲۵۱، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. فرخجسته، هوشنگ، خانواده در کتاب ایران، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۸ ش.
۲۰. کامل‌السعید، مصطفی، مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی، ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳ ش.
۲۱. کلاهچیان، محمود، «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، در: مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. کوئن، بورس، درآمدی به جامعه‌شناسی، تهران: توتیا، ۱۳۷۶ ش.
۲۳. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۶۹ ش.
۲۴. لازارسفلد، پل، بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه: غلام‌عباس توسلی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. معینی، محمدرضا، «سیاست اجتماعی توسعه اجتماعی و نهادهای غیررسمی»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۳، ش ۱۰، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی تهران، [بی‌تا].
۲۶. منصوری، جواد، سیاست و نهادهای اجتماعی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. نویدنیا، منیژه، «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، س ۲، ش ۴-۵، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ش.
۲۸. نویدنیا، منیژه، «تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۹، ش ۱، ۱۳۸۲ ش.
۲۹. نیکوگفتار، منصوره، «روی آوردن بر نقش خانواده در ایجاد بزهکاری»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲ و ۳، ۱۳۸۴ ش.
۳۰. وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک‌خلق، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: خردمند، ۱۳۷۵ ش.

بررسی پیامدهای آرایش‌های نوپدید بر امنیت زنان

وحید رشتبری *

ناهیدسادات سیدرضائی **

چکیده

دین اسلام، دین کاملی است که افزون بر بهادادن به گرایش‌های ذاتی بشر از جمله آرایش و زینت‌کردن، برای آن چارچوب‌هایی را تعیین کرده است تا انسان به آرامش واقعی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی برسد، اما امروزه با تغییر سبک زندگی و الگوهای فرهنگی ارائه‌شده از طریق رسانه‌های دشمن از جمله ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و ...، گرایش به آرایش بین دختران و زنان رو به فزونی گذاشته است و هر روزه شاهد آرایش‌های جدیدی هستیم که کاملاً مخالف با دین و فرهنگ ما هستند و تبعات جبران‌ناپذیری را به جامعه تحمیل می‌کند. این تبعات در بُعد فردی و خانوادگی عبارت‌اند از: اتلاف وقت و گرفتن همت آدمی، تهدید سلامت و امنیت جسمی فرد، مانع‌بودن در اعمال عبادی، سست‌شدن بنیان خانواده؛ همچنین در بُعد اجتماعی این تبعات را دارد: از بین رفتن آزادی و امنیت زنان، تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به اقتصاد کشور، بروز تقلید فرهنگی در جامعه و گسترش فساد اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: آرایش نوپدید، امنیت، زنان، جامعه.

* کارشناسی ارشد فلسفه، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

** دانش‌آموخته سطح ۳، رشته تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه حوزوی معصومیه (عج).

مقدمه

انسان همواره تنوع طلب و نوگراست. یکی از قلمروهای تنوع طلبی انسان، تنوع در آرایش و زینت است. دین مبین اسلام دینی جامع و جاودان است که نه تنها با گرایش های ذاتی آدمی مخالفت نمی کند، بلکه با بیان چارچوب ها و ارائه الگوی عملی، به این میل درونی جهت و عمق بخشیده است؛ از این رو در معارف دینی و سیره ائمه علیهم السلام برای آرایش و زینت، حدود و مرزهایی تعیین شده است تا از افراط و تفریط جلوگیری شود. در روایات متعددی به خوشبوکردن (مجلسی، ۱۳۶۷: ج ۱۰، ص ۱۰۰)، آراستن ناخن (عاملی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۳۴) توجه به زیبایی چهره (مجلسی، ۱۳۶۷: ج ۱۴، ص ۳۲۰) و رنگ موی زن (مجلسی، ۱۳۶۷: ج ۱۰۲، ص ۷۶۶) از یک سو و لزوم آراستگی شوهر برای زن از سوی دیگر توجه شده است. درواقع مجموع این روایات بیان کننده توجه اسلام به این نیاز زن است. بنابراین آرایش زن در محیط خانه و برای همسر و دوری کردن از جلوه گری در مکان های عمومی مورد تأکید اسلام است.

امروزه با توجه به تغییر سبک زندگی، شاهد حضور اجتماعی زنان در فرصت های شغلی و تحصیلی زیادی در جامعه هستیم؛ از این رو زنان و دختران به دلیل قرارگرفتن بدن به عنوان بخش مهمی از بازتابندگی اجتماعی به آرایش و استفاده از لوازم آرایشی و زیبایی دیدگاه متفاوت تری از قبل پیدا کرده اند و هر روز شیوه های جدیدی از آرایش در جامعه بروز و ظهور می کند که تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی زیادی دارد. آنچه در این پژوهش بررسی شده است، پیامدهای آرایش های نوپدید بر امنیت زنان جامعه است. اگرچه به مسئله آرایش در منابع متعدد پرداخته شده است، تحقیقی مستقل درباره پیامدهای آرایش های نوپدید یافت نشد. اما کتاب آرایش و پوشش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تألیف مریم معین الاسلام، بحثی روایی، تاریخی و جامعه شناسی است و مسئله حجاب و اهمیت آن را بررسی کرده است. اکرم تقی نیز در کتاب آرایش های نوپدید کوشیده است پژوهشی فقهی در طهارت های سه گانه انجام دهد و به زوایای مختلف آرایش های نوپدید و جو غالب در جامعه بپردازد. مقاله «آرایش و زینت زن از نظر قرآن و سنت» نوشته مجده زرگوش، دستورهای ایجابی و سلبی درباره زینت در کتاب و سنت را بررسی کرده است. وجه تمایز و نوآوری این پژوهش، توجه به پیامدهای آرایش های نوپدید بر امنیت زنان جامعه است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - کتابخانه ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که آرایش های نوپدید چه پیامدهایی بر امنیت زنان جامعه دارد؟

۱. مفهوم‌شناسی

«آرایش» اسم مصدر و معادل عربی آن تزئین است، به معنای زیباکردن است (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۴۷). در صحاح آمده است: «جَمَلَهُ أَيْ زَيَّنَهُ»: او را زیبا کرد، یعنی او را تزئین کرد (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۶۶۲). «آرایش کردن» در اصطلاح به معنای آراستن و جلوه کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۶۲). آرایش‌های نوپدید در این تحقیق عبارت‌اند از: کاشت مژه، مو، کاشت ناخن، تزریق ژل، بوتاکس، تاتو و

«امنیت» از ریشه «آمن» معنایی ضدترس دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۳۸۸). برخی لغت‌شناسان واژه «آمن» را هم معنای «سَلِمَ» می‌دانند و کاربردهای آن را در سکون و آرامش قلب دانسته‌اند (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۴). راغب اصفهانی آن را آرامش نفس و از بین رفتن ترس معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۴). در مجموع این واژه به معنای آرامش حاکی از نبود هرگونه عامل ترس‌آور است که سلامت فضا را به همراه دارد.

امنیت ابعاد متنوعی شامل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و جمعی دارد و از لحاظ گستره نیز حیطه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی را دربر می‌گیرد. از جنبه سطح به سطوح خرد و کلان تقسیم می‌شود. هریک از این ابعاد، گستره و سطوح امنیت به خرده‌ابعاد دیگری تقسیم می‌شود؛ برای مثال امنیت در سطح خرد می‌تواند شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری، امنیت بیانی، امنیت اخلاقی، امنیت شغلی و امنیت حقوقی باشد یا امنیت در سطح کلان می‌تواند زیرسطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و طبیعی یا زیست‌محیطی را دربر گیرد (<https://hawzah.net>).

۲. پیامدهای فردی و خانوادگی آرایش‌های نوپدید

با توجه به اینکه آرایش‌های نوپدید از جمله کاشت مژه، تزریق ژل، بوتاکس، کاشت ناخن، تاتو و ... در نگاه اول، قبل از حضور اجتماعی زن در جامعه بر خود فرد و خانواده پیامدهای بی‌شماری دارد، ابتدا تبعات فردی و خانوادگی آن را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. اتلاف وقت و گرفتن همت آدمی

امروزه «آرایش» یکی از مسائل مطرح بین دختران و زنان است که وقت و انرژی زیادی را صرف آن می‌کنند تا ظاهرشان را با فعالیت‌های مختلف از جمله آرایش مو و صورت و جراحی‌های

زیبایی به شکل آرمانی درآورند. کشور ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی به دومین مصرف‌کننده لوازم آرایش در خاورمیانه و هفتمین واردکننده لوازم آرایش در جهان تبدیل شده است. امام رضا علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَا يُرْوَلُ الْعَبْدُ قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا ذَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ: روز قیامت بنده قدم از قدم بر نمی‌دارد تا اینکه چهار سؤال از وی می‌شود: از عمرش که در چه سپری ساخته؟ و جوانی‌اش در چه راهی صرف کرده؟ و از مالش که از کجا آورده و به چه مصرفی رسانده؟ و از دوستی ما اهل بیت» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ح ۱۲۵، ص ۲۵۳). عمر انسان باید صرف آبادی دنیا و آخرت او شود. از یک طرف باید برای تأمین معاش و ساختن زندگی دنیوی و رفع نیازها بکوشد و از سوی دیگر، باید به آبادی آخرت و تحصیل دین و تقویت ایمان بیندیشد؛ بنابراین سزاوار نیست انسان در مدت زندگی، هیچ توشه‌ای برای آخرت گردآوری نکند. اساساً آدمی برای خوردن و آشامیدن و خوابیدن و رسیدگی به غرایز خلق نشده است، بلکه این امور وسیله حرکت انسان به سوی خداوند متعال‌اند و باید به اندازه رفع نیاز به کار گرفته شوند. اگر برای کسی رسیدگی به غرایز به هدف زندگی بدل گردد، ناخودآگاه زندگی او حیوانی می‌شود. خداوند متعال درباره مورد برخی افراد می‌فرماید: «يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَ النَّارُ مَثْوًى لَهُمْ: مثل حیوان‌ها فقط می‌خورند و از دنیا بهره می‌گیرند و عاقبت آنها جهنم است» (محمد: ۱۲).

رهبر معظم انقلاب در بیانات خود به این امر مهم تأکید می‌کند و توجه‌دادن به آرایش را مصادف با اتلاف وقت می‌داند:

... غالب کسانی که وارد محیط‌های علمی می‌شدند (زمان پهلوی) و این جرئت را می‌کردند که وارد شوند، وقت زیادی از اوقاتشان برای این‌طور چیزها صرف می‌شد: برای رسیدگی به مُد، آرایش، برای مسائل مربوط به چیزهایی که در یک محیط غیراسلامی برای زنان حتماً وجود دارد (ارتباطات نامشروع و خطرناک، گفتگوها و مذاکراتی که بین خود زنان و دختران هست). اینها چیزهایی است که وقت را می‌گیرد. البته وقت، مهم‌ترین سرمایه انسان است. هیچ سرمایه‌ای در دنیا، عزیزتر از وقت نیست. اما بیش از وقت، همت آنها را می‌گیرد. دختری که همتش به مسئله لباس و مُد و آرایش و رفیق پسر و چگونه در فلان میهمانی ظاهر شدن و چطور به فلان مجمع راه

پیدا کردن و چگونه راه رفتن تا دیگران از او خوششان بیاید، باشد و به این چیزها بیندیشد، چقدر می‌تواند وقت خودش را در تحقیق صرف کند؟ چقدر می‌تواند خودش را در معلومات غرق کند؟ فقط عده معدودی توانستند به آن جاها برسند. محیط در نظام غیراسلامی، محیط رشد لاقل برای زنان نیست (بیانات در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته پزشکی و مامایی، ۱۳۷۲/۰۹/۰۸).

ایشان در بیانات دیگری فرمودند: «در رژیم گذشته زن را وادار می‌کردند که به وسیله جلوه‌گری، برای خویش یک شخصیت کاذب درست کند. آیا جنایتی بزرگ‌تر از این نسبت به زن وجود دارد که سر او را با آرایش و مُد و طلا و زیورآلات بند کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟» (بیانات، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶).

۲-۲. تهدید سلامت و امنیت جسمی فرد

افراط در استفاده از لوازم آرایشی، سلامت فرد را به خطر می‌اندازد. امروزه بدون توجه به پیامدهای سوء لوازم آرایشی، بر میزان تقاضای این لوازم افزوده می‌شود. طبق گزارش انجمن متخصصان پوست ایران، بیشترین علت مراجعه به متخصصان پوست در سال‌های اخیر به عوارض ناشی از آرایش برمی‌گردد:

الف) پیری زودرس پوست: مواد آرایشی و بهداشتی عموماً با ایجاد یک سد، مانع رسیدن اکسیژن کافی به پوست می‌شوند، پیری زودرس پوست به‌ویژه در دختران نوجوانی که از سنین پایین آرایش می‌کنند را سبب می‌شود. این تأثیرات تدریجی با پیرشدگی پوست، بروز چروکیدگی در ناحیه پیشانی و چین خنده آغاز می‌شود؛ ولی متأسفانه بانوان برای پوشاندن این چین‌وچروک‌ها، از مواد آرایشی بیشتری استفاده می‌کنند که همین امر سبب ضربه و آسیب جدی‌تری به پوست می‌شود.

ب) سرطان: با توجه به وجود بیش از هشتصد ترکیب شیمیایی سمی در مواد آرایشی و عطرها صنعتی، استفاده مداوم از لوازم آرایشی، موجب جذب سالانه ۲۵۰۰ گرم مواد شیمیایی به بدن می‌شود. گفتنی است اغلب زنان بیش از بیست نوع مارک مختلف لوازم آرایشی و بهداشتی استفاده می‌کنند که این موضوع موجب افزایش خطرهای ناشی از مصرف این نوع مواد می‌گردد. تحقیقات نشان می‌دهد که مواد آرایشی می‌توانند به رشد سلول‌های سرطانی کمک فراوانی کنند. ترکیبات شیمیایی استفاده‌شده در مواد آرایشی مانند مواد محافظی از جمله

«پارابن‌ها» و «فتالات‌ها»، ارتباطی مستقیم با رشد تومورهای سرطانی به‌ویژه سرطان سینه دارند. پژوهش‌های اخیر «سازمان مبارزه با سرطان آمریکا» نشان می‌دهد که «پارابن‌ها» در بیست نوع از نمونه‌های گرفته‌شده از سرطان‌های سینه کشف شده‌اند. زنانی که بیشتر از مواد آرایشی استفاده کرده‌اند، سرطان پیشرفته‌تر و طول عمر کمتری داشته‌اند. اگرچه سازندگان لوازم و مواد آرایشی کوشیده‌اند استفاده از این ترکیب شیمیایی را در محصولات مانند شامپوها و ژل‌ها حذف کنند یا تا حد زیادی پایین آورند؛ اما در استفاده کمتر از آنها در مواد دیگر آرایشی ناموفق بوده‌اند.

ج) عقیمی و سقط جنین: یکی از عوامل عقیم‌شدن نوزادان، استفاده مادران آنها از محصولات آرایشی شیمیایی است. برخی مواد شیمیایی خطرناک که افزون بر مواد آرایشی، در بسیاری از مواد پلاستیکی که در ساخت اسباب‌بازی به کار می‌روند نیز وجود دارند و می‌توانند سبب عقیم‌شدن نوزادان شوند. فتالات Phthalates: ماده‌ای است که سبب بروز اختلال‌های هورمونی می‌شود. معمولاً دو نوع از این ماده در مواد آرایشی استفاده می‌شود: بنزیل فتالات BBP؛ دی‌بوتیل فتالات DBP.

فتالات و ترکیب‌های مختلف آن، اثری شبیه هورمون زنانه استروژن دارند. اگر زنان باردار در معرض این ماده قرار گیرند، فرزندشان با ناهنجاری‌های مادرزادی در اندام تناسلی متولد می‌شود یا حتی به سقط جنین می‌انجامد. افزون بر این، تأثیر ویران‌کننده آن بر کبد، کلیه، ریه و غدد جنسی ثابت شده است (کرانیان، ۱۳۹۴).

د) بروز عوارض چشم: ریمل اگر فرمولاسیون مناسبی نداشته باشد، سبب ریزش مژه‌ها می‌شود که درمان آن گاهی ماه‌ها زمان می‌برد. پایه اصلی ریمل‌های مایع، آب و روغن است. ریمل‌هایی که پایه اصلی آنها آب است، محیط مناسبی برای رشد و نمو میکروب‌ها هستند؛ بنابراین تکثیر این میکروب‌ها و حضور مداوم آنها نزدیک چشم، موجب ایجاد عفونت‌های چشمی، التهاب، قرمزی، ترشحات غلیظ، خارش و پوسته‌ریزی لبه پلک می‌شود و حتی می‌تواند به قرنیه چشم آسیب برساند و موجب اختلال در بینایی شود. مواد رنگی، عطرها و مواد نگهدارنده موجود در ریمل‌ها هم می‌توانند سبب حساسیت پوستی شوند. مصرف مستمر و همیشگی ریمل به‌ویژه ریمل‌های با پایه روغنی یا در اصطلاح ضد آب، به دلیل اینکه به‌سختی از روی مژه‌ها پاک می‌شوند، به‌مرور موجب چسبندگی مژه‌ها به یکدیگر و افزایش ریزش آنها

می‌شود. شستشو و مالش شدید چشم برای پاک کردن این نوع ریمل‌ها، ممکن است باعث تخریب چشم و مژه و ورود مواد حساسیت‌زا یا عوامل عفونی به چشم شود. مواد آرایشی چشم نباید بین افراد مشترک باشد و بهتر است هر سه - چهار ماه عوض شوند؛ زیرا امکان آلودگی باکتریایی وجود دارد.

ه) عوارض جسمی کاشت ناخن: استفاده طولانی مدت از ناخن‌های مصنوعی سبب واکنش‌های دردناک و شدید شامل عفونت پوست اطراف ناخن‌ها، شل شدن ناخن‌ها و درماتیت (التهاب پوستی) می‌شود. چسب‌هایی که برای استحکام ناخن‌های مصنوعی به کار می‌روند، سبب نرسیدن هوا به ناخن‌ها می‌شود و به مرور زمان، ناخن‌ها از حالت طبیعی خود خارج و خشک می‌شوند. از عوارض دیگر این چسب‌ها می‌توان به ناصافی و تغییر شکل ناخن، خالی شدن ناخن‌های طبیعی، سوراخ شدن، چروکیدگی، شکنندگی و خرد شدن ناخن، شکاف و ترک ناخن، بدرنگی ناخن، کنده شدن لبه آزاد ناخن از بستر آن، خط‌خط شدن، پوسته‌ریزی و تغییر بافت ناخن اشاره کرد که امکان باقی ماندن آنها تا آخر عمر روی ناخن فرد وجود دارد. همچنین به دلیل حل شدن لایه محافظ ناخن به وسیله این چسب‌ها، ناخن، استحکام خود را از دست می‌دهد، نرم و آسیب‌پذیر می‌شود و میکروب‌ها به‌ویژه عفونت‌های قارچی به راحتی وارد لایه زیرین ناخن می‌شوند. به دلیل اینکه گاهی پوست کناره ناخن دچار خونریزی می‌شود و ابزار کار را آلوده می‌کند، در صورت رعایت نکردن بهداشت، احتمال انتقال بیماری‌های ویروسی همچون ایدز و هپاتیت وجود دارد. ناخن کاشته شده در صورت شکستن ناگهانی، آسیب جدی‌تری را برای فرد به دنبال دارد؛ چراکه مواد مصنوعی مورد استفاده برای کاشت ناخن بر روی لایه‌ای متشکل از یک ردیف سلول، چنان محکم چسبیده‌اند که اگر بر اثر ضربه یا کشیدگی ناگهانی شکسته یا کنده شوند، بافت زیر ناخن شامل پوست و گوشت و عروق نیز همراه با آنها جدا می‌شوند. افراد آرایشگری که کار کاشت ناخن را انجام می‌دهند، به علت آزاد شدن «سم سیانید» و بخار ناشی از آن دچار مسمومیت یا گاهی فوت می‌شوند.

و) عوارض تاتو: تاتو نوعی خالکوبی است که برای ترسیم خطوط ابرو، چشم و لب به کار می‌رود. این شکل مدرن خالکوبی با استفاده از قلم فلزی تاتو انجام می‌گیرد که متأسفانه بیشتر از سوی افراد غیرمتخصص انجام می‌شود. تاتو افزون بر احتمال انتقال بیماری‌های عفونی از جمله سل، جذام، سیفلیس، ایدز و هپاتیت نوع B و C از طریق قلم فلزی آلوده، دارای عوارض

حساسیتی چون آگزما، تورم و خارش مکرر، ایجاد «کلویید» و بافت اضافه در ناحیه تزریق نیز است که بیمار در این حالت باید تا مدت‌ها پماد یا آمپول کورتون‌دار مصرف کند. با انجام تاتو ممکن است سلول‌های اطراف محل تزریق، ملتهب و به صورت دانه‌های تسییح، برجسته و بنفش شوند. تکه‌برداری این ضایعه برای تشخیص، موجب خوردن خط بخیه روی ابروی فرد و در نتیجه ایجاد منظره ناخوشایندی در صورت می‌شود. یکی دیگر از عوارض تاتو، حساسیت پوست به مواد رنگی استفاده‌شده در آن است؛ اگر این مواد از رنگ قرمز (ترکیبات جیوه) یا رنگ زرد تشکیل شده باشد، فرد با قرارگرفتن در معرض نور آفتاب دچار حساسیت می‌شود. مشکل بسیار مهم و شایع دیگر، ناخوشنودی فرد از شکل جدید ابرو و تمایل به پاک‌کردن تاتو است؛ درحالی‌که تاتو را می‌توان جراحی کرد و برداشت؛ اما جای آن باقی می‌ماند. اگر ماده تاتو، کربن باشد، می‌توان آن را با لیزر برداشت؛ ولی اگر دارای مواد رنگی به‌ویژه قرمز، قهوه‌ای و زرد باشد، به علت ترکیبات آهنی که در این مواد وجود دارد، امکان برداشتن آنها وجود ندارد و بعد از لیزر، ناحیه تزریق برای همیشه تیره می‌ماند. از سوی دیگر، متأسفانه بسیاری از خانم‌ها وقتی از تاتویشان راضی نیستند، برای پاک‌کردن آن از تاتوی سفید استفاده می‌کنند و با این کار به جای زیباتر شدن، شکل ضایعه را ناخوشایندتر می‌کنند (علیان‌نژادی، ۱۴۰۲).

۳-۲. مانع‌بودن در اعمال عبادی

فقیهان به استناد آیات و روایات اتفاق‌نظر دارند که شرط صحت وضو و غسل، نبودن مانع در اعضای آنهاست و از طرفی بسیاری از آرایش‌های نوپدید دارای جرم هستند و مخّل شرط صحت وضو و غسل‌اند؛ از جمله:

الف) کاشت مژه

کاشت مژه به صورت یک‌دست (مژه مصنوعی) یا مژه‌های تک‌تک که به وسیله یک چسب قوی به انتهای مژه و تقریباً روی پلک می‌چسبد، برای وضو و غسل چه حکمی دارد؟ آیا زینت حساب می‌شود؟

کاشت مژه به گونه‌ای که مانع رسیدن آب باشد، اگر ضرورت نداشته باشد و به دلیل عدم امکان یا مشقت غیر قابل تحمل، هنگام وضو یا غسل قابل برداشت نباشد، جایز نیست. در هر صورت کسی که کاشت مژه انجام داده، اگر برداشتن آن ممکن باشد، وضو یا غسل با آن باطل و

در نتیجه نماز هم باطل است و چنانچه برداشتن آن تا پایان وقت نماز ممکن نباشد یا مشقت غیر قابل تحمل داشته باشد، باید علاوه بر وضو یا غسل جبیره‌ای، تیمم کند و بعد از برداشتن مژه، بنا بر احتیاط واجب قضای نمازها را نیز بخواند و اگر به گونه‌ای باشد که عرفاً زینت و آرایش محسوب شود، باید از نگاه نامحرم پوشانده شود (<https://www.leader.ir>).

ب) تاتو دائم

اگر تاتوی دائم کردن برای غسل و وضوی خانم‌ها مانع ایجاد کند، آیا این کار شرعاً جایز است؟ اگر برطرف کردن آن هنگام وضو و غسل برای او ممکن بوده و حرج و مشقت نداشته باشد، وضو و غسل با وجود چنین مانعی باطل است. و اگر برطرف کردن آن ممکن نباشد یا همراه با حرج و مشقت باشد، ایجاد چنین مانعی که موجب تبدل وظیفه وضو و غسل به وضو و غسل جبیره‌ای می‌شود، چنانچه در غیر وقت نماز باشد، مانع ندارد؛ ولی در وقت نماز باید وضو یا غسل را انجام دهد، سپس مبادرت به ایجاد مانع نماید. و چنانچه نتواند در وقت وضو یا غسل آن مانع را برطرف کند یا برطرف کردن مانع حرج و مشقت داشته باشد، باید به وظیفه غسل و وضوی جبیره‌ای عمل کند، یعنی با دست مرطوب مانع را مسح نماید (<https://www.leader.ir>).

ج) کاشت ناخن

کاشت ناخن مصنوعی برای بانوان چه حکمی دارد؟ کاشت ناخن جایز نیست. اگر برداشتن ناخن مصنوعی ممکن باشد، وضو یا غسل با آن باطل است و در نتیجه نماز هم باطل است و چنانچه برداشتن آن تا پایان وقت نماز ممکن نباشد یا مشقت غیر قابل تحمل داشته باشد، باید علاوه بر وضو یا غسل جبیره‌ای، تیمم کند و بعد از برداشتن ناخن، بنا بر احتیاط واجب قضای نمازها را نیز بخواند (<https://www.leader.ir>).

۲-۴. سست شدن بنیان خانواده

بی‌تردید هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد یا حفظ آن باید کوشید؛ اما از سوی دیگر باید با هر چه موجب سستی کانون خانواده می‌شود، مبارزه کرد. اختصاص یافتن استمتاع و التذاهای جنسی به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج، پیوند زناشویی را محکم می‌کند. معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوبار پسران و دختران، ازدواج را به صورت يك تکلیف و محدودیت

درمی آورد که با نصیحت یا زور باید بر جوانان تحمیل کرد. در نظام روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آنها را وادار می کند که به یکدیگر وفادار باشند و در نظام اسلامی به محرومیت و انتظار پایان می بخشد. از این رو در قدیم ازدواج شور و هیجان بیشتری داشت و به دنبال یک دوران انتظار و آرزو بود و با پادشاهی و سلطنت مقایسه می شد. بنابراین فراهم بودن شرایط برای بهره گیری و لذت از طریق نگاه، سخن گفتن، خندیدن، لمس کردن و مانند اینها در برابر جنس مخالف، انسان را در مقابل همسر قانونی خود دلسرد می کند و عطشی در روح ایجاد می کند که با یک جرعه و دو جرعه سیراب نخواهد شد. مردانی که همه روزه زنان بسیاری را با آرایش های گوناگون می بینند که به یقین برخی از آنها در ظاهر زیباتر و جوان تر از همسر او هستند، به طور طبیعی تمایل کمتری به زن خود نشان می دهند؛ بنابراین یکی از تبعات آرایش، تهدید بنیان زناشویی و خانواده و شروع تنش بین زوجین است (مطهری، ۱۳۴۸: ص ۸۶).

۳. پیامدهای اجتماعی آرایش های نوپدید

امروزه حضور بی حد و مرز زنان در صحنه های اجتماعی با بهانه شعار دروغین «تساوی حقوق زن و مرد» پیامدهای خطرناک و جبرانناپذیری دارد که هیچ عقل سلیم و فطرت پاکی پذیرای آنها نیست؛ از جمله تبعات حضور زنان با آرایش های افراطی در اجتماع موارد زیر را می توان نام برد:

۳-۱. از بین رفتن آزادی و امنیت زنان

یکی از راه هایی که دشمنان اسلام برای تسلط بر مسلمانان از آن بهره می برند، سست کردن پایه های ایمان و تقوا بین مسلمانان است. مهم ترین ابزار برای نیل به این هدف، ترویج بی حجابی و در راستای آن تشویق و ترغیب زنان برای آرایش های به روز و خودنمایی در اجتماع است. در دیدگاه مقام معظم رهبری بیان می شود:

آنچه در غرب با عنوان شعار وجود دارد، در درجه اول آزادی زن است. آزادی معنای وسیعی را شامل می شود؛ هم شامل آزادی از اسارت است، هم شامل آزادی از اخلاق است - چون اخلاق هم یک قید و بند است - هم آزادی از نفوذ مبنی بر سوء استفاده کارفرمایی است که زن را با مزد کمتری به کارگاه می کشد و هم شامل آزادی از قوانینی

است که زن را در مقابل شوهر متعهد می‌کند. آزادی به همه این معانی می‌تواند باشد؛ کما اینکه در همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواست‌ها هست که بعضی با یکدیگر به کلی متناقض‌اند. این آزادی معنایش چیست؟ متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضّر آن است؛ یعنی آزادی از قیدوبندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتّی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد، نه آزادی به معنای صحیح آن. لذا شما می‌بینید جزء حرف‌هایی که در دنیای غرب زده می‌شود، مسئله آزادی سقط جنین است که این نکته بسیار مهمّی است و با اینکه ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن مضمر و مندرج است. این وسیله و شعار و مطالبه‌ای است که در غرب غالباً مطرح می‌شود؛ لذا می‌گویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه و مبارزه صحیح، هدف نمی‌تواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضّر است؛ اگرچه ممکن است بخش‌های مفیدی هم در آن باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم بزرگداشت مقام زن در ورزشگاه آزادی، ۱۳۷۶).

ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند:

یکی از نشانه‌های مردسالاری غربی‌ها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش کند تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می‌خواهند مرد آزاد باشد، حتّی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرّج در مقابل مرد تشویق می‌کنند. البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره‌مند نبودند، از دوران‌های قدیم هم داشتند، امروز هم دارند؛ غربی‌ها هم مظهر اعلای این بودند. پس این مسئله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدّی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند (بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶).

۲-۳. تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به اقتصاد کشور

صنعت جهانی لوازم آرایشی و بهداشتی یکی از بزرگ‌ترین و پرسودترین صنایع جهان محسوب

می‌شود. ارزش بازار آرایشی در ایران حدود چهارمیلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ برآورد شده است که تنها حدود بیست درصد مواد آرایشی تولید داخل بود ۶۳ درصد از کل لوازم آرایشی در بازار ایران قاچاق هستند. ایران به دومین مصرف‌کننده لوازم آرایش در خاورمیانه و هفتمین واردکننده لوازم آرایش در جهان تبدیل شده است (کیانی و موگویی، ۱۳۹۲: ص ۱-۹). از نظر اقتصادی با نگاهی به آمار و ارقام، رشد مصرف لوازم آرایشی در ایران تجارت پرسودی برای کشورهای صادرکننده و در نهایت شرکت‌های آرایشی بزرگ چندملیتی جهانی ایجاد کرده است (بلالی و کهن، ۱۳۸۹: ص ۹۹ - ۱۴۰).

۳-۳. بروز تقلید فرهنگی در جامعه

امروزه رسانه‌ها یکی از ابزارهای سمعی و بصری هستند که به طور مستقیم با روح و جان انسان‌ها ارتباط دارند. رسانه‌های رسمی هر جامعه به تبعیت از ارزش‌های پذیرفته‌شده اجتماعی، در ارائه برنامه‌ها عمل می‌کنند و معمولاً به دلیل تأثیرشان بر روی آحاد جامعه نمی‌توانند از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه تخطی کنند؛ ولی این امر در رابطه با رسانه‌های غیررسمی صادق نیست. ماهواره، اینترنت، فیلم و ژورنال‌های خارجی از جمله رسانه‌های غیررسمی هستند که ممکن است تعارض جدی با نظام فرهنگی جامعه داشته باشند. رسانه‌ها چنان قدرتی دارند که می‌توانند نسل تازه‌ای در تاریخ انسان پدید آورند. رسانه‌ها از راه ارائه هنجارهای خاص اجتماعی به افراد القا می‌کنند که رفتار ارائه‌شده، رفتار مناسب اجتماعی است که باید آن را سرلوحه رفتار خود در زندگی قرار دهند (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ص ۱۶۱). مقام معظم رهبری درباره این امر هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است؛ اما این حرف اشتباه نشود، با اینکه بنده با مُد و تنوع و تحول در روش‌های زندگی مخالفم؛ نخیر، مُدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم‌چشمی رقابت‌های کودکان نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا می‌کند، مانعی هم ندارد؛ اما مواظب باشید قبله‌نمای این مُدگرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است. اگر مدیست‌های اروپا و آمریکا در مجلاتی که مُد‌ها را مطرح می‌کنند، فلان‌طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید اینجا در همدان یا تهران یا در مشهد آن را تقلید کنیم؟ این بد است. خودتان طراحی کنید و خودتان بسازید (بیانات در دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳).

۳-۴. گسترش فساد اجتماعی

در جامعه‌ای که حجاب، متانت، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود به بینش و باور خویش سرایت می‌دهد و از طرفی نه تنها زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌کند و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و با گسترش گناه و روابط نامشروع، اجتماع را به تباهی و فساد می‌کشاند (درافشان، ۱۳۸۶).

نتیجه

آرایش در جایگاه میل طبیعی و حتی یک نیاز در زنان و دختران مورد تأیید اسلام قرار گرفته است؛ از این رو برای جلوگیری از آسیب‌های آن، حدود و مقرراتی تعیین شده است تا این میل طبیعی به انحراف کشیده نشود؛ با این وجود، امروزه به همت رسانه‌های دشمن شاهد تغییر سبک زندگی و الگوهای فرهنگی در جامعه هستیم؛ از جمله ظهور آرایش‌های نواز قبیل کاشت مژه، کاشت ناخن، تزریق ژل، بوتاکس و این مقاله نشان داد آرایش‌های نوپدید در جامعه پیامدهای فردی، خانوادگی (اتلاف وقت و گرفتن همت آدمی، تهدید سلامت و امنیت جسمی فرد، مانع بودن در اعمال عبادی، سست شدن بنیان خانواده) و اجتماعی (از بین رفتن آزادی و امنیت زنان، تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور به اقتصاد کشور، بروز تقلید فرهنگی در جامعه، گسترش فساد اجتماعی) جبران‌ناپذیری را منجر شده است که هدف دشمنان در مرحله اول مشغول داشتن دختران و زنان جامعه به کارهای واهی است تا به اهداف پلید خود برسد که همان ماندن پوستینی ظاهری از اسلام در خانواده و جامعه اسلامی است. این امر هوشیاری هر چه بیشتر زنان و دختران جامعه اسلامی را می‌طلبد و پژوهش‌های نو در راستای آگاهی این قشر مهم جامعه ضروری به نظر می‌رسد.

کتاب‌نامه

۱. «عوامل زیان‌آور در آرایشگاه‌ها»، گروه سلامت محیط معاونت بهداشت دانشگاه، علوم پزشکی اصفهان، <https://mui.ac.ir/fa>.
۲. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

۳. بلالی، اسماعیل و جواد افشار کهن، «زیبایی و پول: آرایش و جراحی»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۸۹ ش.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۵. حسینیان، روح الله، حريم عفاف حجاب، نگاه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۶. درافشان، محمدحسین، «آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی»، پیام زن، ش ۱۸۴ - ۱۸۵، ۱۳۸۶ ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: داوود صفوان عدنان، بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۹. رفعت جاه، مریم، «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۰، ش ۳۸، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، تهران: کتابچی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۲، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۶۷ ش.
۱۲. علیان نژادی، وحید، «نگاهی به عوارض لوازم آرایشی - بهداشتی و روش های زیبایی متداول در جامعه امروزی»، <https://shiateb.com>.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. فیومی، احمد بن احمد، مصباح المنیر، قم: دار الهجره، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. کرانیان، سیدسعید، کارشناس اداره نظارت بر مواد غذایی، آرایشی و بهداشتی معاونت غذا و دارو، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۸ آذر ۱۳۹۴، <https://kmu.ac.ir>.
۱۶. کیانی، مرثیه و فریبا موگویی، «عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان استفاده از لوازم آرایش توسط دختران زیر ۲۰ سال یزدان شهر نجف آباد»، مقاله پژوهشی پوست و زیبایی، دوره ۴، ش ۱، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸ ش.

کارکرد خانواده در تقویت امنیت فرهنگی در جامعه

سیده رباب سید کاظمی*

چکیده

امنیت فرهنگی به معنای توانایی یک جامعه در حفظ ارزش‌ها و مولفه‌های فرهنگی خود در برابر تهدیدات است و از ارکان اساسی بقاء و ثبات هر جامعه است و تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی دارد. هرگونه تهدید در این حوزه می‌تواند سایر ابعاد امنیت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه، نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی و حفظ امنیت فرهنگی ایفا می‌کند. شناخت کارکردهای خانواده در این زمینه می‌تواند به تداوم فرهنگ ایرانی - اسلامی و در نتیجه تقویت امنیت فرهنگی کمک کند. از این رو به دلیل اهمیت و رابطه‌ی اثرگذار امنیت فرهنگی بر امنیت ملی کشور که هرگونه تهدید یا تزلزل در آن می‌تواند در سایر بخش‌های امنیت اثرگذار بوده و امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای، به بررسی کارکرد خانواده در تقویت امنیت فرهنگی جامعه پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کارکردهای خانواده در این زمینه در دو بعد درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی قابل بررسی است. در بعد درون‌خانوادگی، خانواده از طریق دین‌باوری، حفظ مرکزیت نهاد خانواده، تعمیق ارزش‌ها، افزایش آگاهی و تقویت بنیان‌های فکری، و ارتقای فرهنگ زیست مجازی، به امنیت فرهنگی کمک می‌کند. در بعد برون‌خانوادگی نیز با ایفای کارکردهایی همچون جامعه‌پذیری، تثبیت و تعمیق هویت ملی - اسلامی، پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی، مشارکت در امور اجتماعی - سیاسی، و ارائه سبک زندگی اسلامی - ایرانی، به تقویت امنیت فرهنگی جامعه کمک می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: امنیت، امنیت فرهنگی، خانواده، جامعه، هویت، هنجار، کارکرد.

* طلبه سطح سه رشته تفسیر و دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه خواران، مدرسه علمیه حضرت فاطمه الزهرا (ع)

پیدگل. robabkazemi215@gmail.com

مقدمه

از مهم‌ترین نیازهای بشری امنیت است و در هیچ دوره‌ای از اهمیت آن کاسته نشده است. امنیت دارای ابعاد مختلفی است که یکی از ابعاد مهم آن امنیت فرهنگی است. فرهنگ به عنوان مؤثرترین عامل بر امنیت ملی و همبستگی ملی، اهمیت بسیاری دارد و تلاش برای حفظ و تقویت فرهنگ ملی می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد امنیت ملی و همبستگی ملی مورد تأکید قرار گیرد.

امنیت فرهنگی، به وضعیتی اشاره دارد که در آن، انسان و جامعه به حفظ دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، فرهنگ و ارزش‌های خود اطمینان حاصل می‌کنند. امنیت فرهنگی از مولفه‌های اثرگذار در امنیت ملی هر کشور است و هرگونه تهدید یا تزلزل در آن می‌تواند در سایر مولفه‌ها اثرگذار بوده و امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد. حفظ امنیت فرهنگی ملی می‌تواند به ایجاد یک ملت قوی کمک کند و همچنین می‌تواند ابزار قدرتمندی برای طرح قدرت نرم باشد. بنابراین، بحران امنیت فرهنگی می‌تواند تأثیرات بسیاری در جامعه داشته باشد و نقش مهمی در امنیت ملی دارد.

اهمیت این مبحث به دلیل وجود چالش‌های امنیت فرهنگی شامل تروریسم، تبعیض و تعصبات فرهنگی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تهدیدات اینترنتی و تغییرات سیاسی و اقتصادی است که این چالش‌ها می‌توانند باعث تضعیف ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه شوند و به تدریج باعث فروپاشی امنیت فرهنگی و ملی کشور شوند. برای مقابله با این چالش‌ها، لازم است که جوامع به ارتقای سطح آگاهی و مهارت‌ها فرهنگی و اجتماعی خود بپردازند و همچنین برنامه‌هایی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی در جامعه ارائه دهند و از ارزش‌ها، هویت، باورها و فرهنگ ملی-بومی خود محافظت نمایند. با توجه به تحولات چند دهه اخیر در خصوص جریان جهانی شدن و نفوذ و تهاجم فرهنگی از سوی کشورهای سلطه‌طلب با هدف از میان بردن و سلطه بر دیگر کشورها، لزوم توجه به مبحث امنیت فرهنگی ضروری است.

در این میان یکی از عوامل مهم در ایجاد و حفظ امنیت فرهنگی، نقش خانواده است و به نظر می‌رسد که نهاد خانواده می‌تواند با کارکردهای تربیتی خاص خود به تقویت امنیت فرهنگی کمک کند؛ اما اینکه این کارکرد خانواده به چه صورت است و در چه ابعادی می‌تواند این کارکرد خود را ایفا کند، سوالی است که مقاله حاضر در پی پاسخگویی به آن است.

در باره مفهوم امنیت فرهنگی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. از جمله در پژوهشی تحت عنوان «حفظ امنیت فرهنگی در ایران با ارائه الگوی پدافند غیرعامل» به قلم راشد جعفرپور کلوری و همکاران، به بسط نظری مفاهیم امنیت فرهنگی در کشور و شناسایی الگوی تقویت پدافند غیرعامل جهت حفظ امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. وحیده احمدی در مقاله خود با عنوان «نهاد خانواده و جایگاه آن در امنیت فرهنگی» به بررسی روابط کارکردی خانواده و امنیت فرهنگی پرداخته است و در تلاش برای تبیین مهم‌ترین چالش‌های موجود در تضعیف روابط کارکردی نهاد خانواده و امنیت فرهنگی است. سیدمحمدجواد قری و سیدحسین محمدی‌نجم، در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران؛ مؤلفه‌ها، تهدیدات و راهکارها» به بررسی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز پرداخته است و در این مسیر، مؤلفه‌های جامعه‌ی امن فرهنگی، تهدیدات امنیت فرهنگی و راهکارهای تحصیل امنیت فرهنگی را در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی مورد مذاقه قرار داده است. جمال شفيعی و هادی رحمانی ساعد نیز در مقاله «مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی» به بررسی مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی پرداخته و مؤلفه‌هایی همچون «هویت اسلامی-ایرانی»، «ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی»، «مؤلفه سیاسی امنیت فرهنگی» و «مؤلفه اجتماعی امنیت فرهنگی» را به عنوان مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی معرفی می‌کنند. رضا سیمیر و دانیال رضاپور نیز در مقاله «امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» به بررسی دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در این زمینه پرداخته و مواردی مانند: تعلیم تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی به عنوان عوامل تقویت‌کننده و وابستگی فرهنگی، خود باختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و... را به عنوان عوامل تهدیدکننده امنیت فرهنگی از منظر ایشان معرفی می‌کنند.

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه امنیت فرهنگی و خانواده این نتیجه حاصل شد که هیچ کدام از این پژوهش‌ها به صورت مجزا به بررسی کارکرد تربیتی خانواده در تقویت امنیت فرهنگی نپرداخته است، از این رو پژوهش حاضر در نوع خود نو و کاربردی محسوب می‌شود.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از منابع مکتوب کتابخانه‌ای برای

گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در بخش توصیفی، مفاهیم مرتبط با امنیت فرهنگی، امنیت ملی و نقش خانواده در این حوزه معرفی و بررسی شده‌اند. سپس در بخش تحلیلی، داده‌های به دست آمده تجزیه و تحلیل شده‌اند تا تأثیر کارکردهای درون خانوادگی و برون خانوادگی بر امنیت فرهنگی مشخص شود. اطلاعات این پژوهش از طریق مطالعه منابع معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و پژوهش‌های مرتبط گردآوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند تا نقش خانواده در حفظ و تقویت امنیت فرهنگی جامعه تبیین گردد. انتخاب این روش به دلیل ماهیت نظری و مفهومی موضوع پژوهش بوده است، زیرا روش توصیفی-تحلیلی امکان بررسی دقیق و مستند تأثیر خانواده بر امنیت فرهنگی را فراهم می‌کند و بهره‌گیری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای دسترسی به یافته‌های معتبر و علمی را ممکن می‌سازد.

۱. تعریف امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی در سطح ملی عبارت است از توانایی یک هویت ملی یکپارچه، برای تداوم بخشیدن به ویژگی‌های متمایز و بنیادی خود تحت شرایط متحول خارجی و داخلی در حالی که پویایی فرهنگی نیز به گونه‌ای تأمین گردد که منجر به افزایش اقتدار فرهنگ ملی شود. باید توجه داشت که اقتدار فرهنگی براساس شیوه مواجهه بومی با تغییرات محیط سیال خارجی و داخلی تعریف می‌گردد (قربی و محمدی نجم: ۱۳۹۳، ص ۱۹).

مصونیت یک فرد گروه و ملت از تعرض و تجاوز به حقوق فرهنگی‌اش، یعنی این که یک فرد، گروه یا ملت از تعرض و تجاوز به ارزش‌های نهادینه شده‌اش مصونیت داشته باشد. به عبارت واضح‌تر، هرگاه فرد، گروه یا ملتی از تعرض و تجاوز به اعتقادات دینی، عرف‌ها، قوانین، شخصیت و هویتش مصون باشد صاحب امنیت فرهنگی است. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

با توجه به این تعاریف، چنین می‌توان گفت که امنیت فرهنگی به معنای توانایی یک جامعه در حفظ و تداوم هویت ملی، ارزش‌ها و باورهای بنیادین خود در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است، به گونه‌ای که ضمن پاسداری از این مؤلفه‌های فرهنگی، بتواند پویایی لازم را برای تعامل با تحولات محیطی حفظ کند. این امنیت زمانی تحقق می‌یابد که افراد، گروه‌ها و ملت‌ها در برابر تعرض به حقوق فرهنگی، اعتقادات دینی، سنت‌ها و هویت خود مصون باشند و هم‌زمان بتوانند در مواجهه با تغییرات، راهکارهایی بومی و متناسب با اقتضائات فرهنگی خود اتخاذ کنند تا اقتدار فرهنگی جامعه تقویت شود.

۲. کارکرد درون خانوادگی

کارکرد درونی خانواده به مجموعه روابط، ارتباطات و الگوهای رفتاری اعضای یک خانواده اشاره دارد که درون خود خانواده شکل می‌گیرد. این مفهوم به نحوه تعاملات، پشتیبانی، احترام، تقسیم وظایف، ارتباطات عاطفی و سایر عناصری که تشکیل دهنده روابط داخلی خانواده هستند، اشاره دارد. خانواده در زمینه تقویت امنیت فرهنگی در بعد درون خانوادگی نقش تربیتی دارد که عبارتند از: دین باوری، حفظ مرکزیت نهاد خانواده، تعمیق ارزش‌ها، افزایش آگاهی و تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگ زیست مجازی.

۲-۱. دین باوری

یکی از عوامل بسیار مؤثر در ایجاد و تأمین امنیت فرهنگی، دین باوری و ایمان و اعتقاد به حقانیت تعالیم آسمانی است؛ نتیجه چنین اتکایی، آرامش و اطمینان بالایی است که به دلیل پیوند با قدرت نامتناهی الهی حاصل می‌شود. قرآن کریم در سوره بقره (آیه: ۲۵۶) می‌گوید: «هر کس از راه طاغوت، که راه کفر و شرک است برگردد و به خدا ایمان بیاورد به ریسمان محکم و با اطمینانی دست زده است که هرگز گسسته نخواهد شد.» پس باور دینی نوعی پذیرش و اعتراف است که ذهن انسان نسبت به گزاره‌های دینی دارد و مقصود از باورهای دینی، آن باوری است که از قلب انسان نسبت به عقاید دینی نشأت گرفته و با جان آدمیان گره خورده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵).

دین و امنیت فرهنگی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و می‌توانند در تقویت یکدیگر نقش مؤثری داشته باشند. دین به عنوان یک سیستم از باورها، ارزش‌ها و اصولی که رفتار و زندگی انسان‌ها را تنظیم می‌کند، از طریق ارتباط با فرهنگ و ارزش‌های جامعه به امنیت فرهنگی کمک می‌کند. امنیت فرهنگی به حفظ و تقویت ارزش‌ها، اصول، هویت و همبستگی در جامعه اشاره دارد و دین می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر ایجاد و تقویت امنیت فرهنگی در جوامع عمل کند؛ زیرا جامعه شناسان ایجاد همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی جامعه را ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها می‌دانند (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵). پس تربیت دینی و ایجاد بستر برای تقویت ایمان و دین باوری، از عوامل مهم در افزایش امنیت فرهنگی است.

از سوی دیگر خانواده، نهادی فطری و الهی است؛ زیرا که با فطرت و سرشت آدمی مطابقت

دارد و دارای منزلت و شأن حساسی است که در تاریخ و فرهنگ و تمدن انسانی و در پرورش و شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی فرزندان نقش مهمی دارد. از آنجا که پایه‌های تربیتی فرد در خانه نهاده شده است و ارزش‌های اخلاقی فرزند را نهاده می‌سازد، توجه به تربیت دینی و بسترسازی برای افزایش ایمان و دین‌باوری در میان اعضای خانواده، از مهم‌ترین کارکردهای تربیتی خانواده است. باورهای دینی و بازتاب آن در رفتارهای صحیح فرزندان، آنها را از گنج روی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد و به جهت‌گیری صحیح رفتاری آنها رهنمون می‌شود (قادری، بی‌تا، ص ۲۰).

خانواده‌هایی که توانسته‌اند این کارکرد خود را به خوبی ایفا کنند، اعضای آنها می‌توانند در امنیت فرهنگی جامعه خود نقش مهمی ایفا کنند. این فرزندان با به اشتراک‌گذاری و تقویت ارزش‌ها و اصول دینی خود، می‌توانند با تعهد به ارزش‌ها و اصول دینی به حفظ ارزش‌های فرهنگی جامعه خود بپردازند؛ زیرا به دلیل وجود پیوند عمیق و همیشگی بین عناصر فرهنگی اسلام با عناصر فرهنگی ایران که باعث تداوم فرهنگی و غنی‌تر شدن و ارتقای فرهنگی ایرانیان در طول هزار و اندی سال شده است، ترکیب دو فرهنگ ایرانی و اسلامی یک کل واحد و منسجم را ساخته است که هویتی درهم تنیده دارند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲).

فرزندانی که دین‌باور و براساس ارزش‌های دینی تربیت شده‌اند، می‌توانند در امنیت فرهنگی جامعه خود نقش مهمی ایفا کنند. آنها با تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی دینی که براساس آن تربیت شده‌اند، قادر هستند که به ترویج ارتباطات مثبت و سازنده در جامعه بپردازند و موجب همبستگی و احترام متقابل در میان افراد جامعه شوند؛ زیرا باورها و اعتقادات دینی زمینه‌ی احساس پیوستگی و اتصال فرد به محیط اجتماعی را فراهم می‌کند (قهرمانی‌نژاد شایق و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۱۳۹)، که مجموع این موارد می‌تواند به تقویت امنیت فرهنگی جامعه منجر شود. بنابراین در امر تقویت امنیت فرهنگی، خانواده می‌تواند با باورمند ساختن دین در میان اعضای خود، به تشکیل و تثبیت یک هویت فرهنگی در جامعه کمک کند و با ارائه الگوهای رفتاری، اخلاقی و اجتماعی و آموزش ارزشیابی درست از اصول و ارزش‌های دینی به ایجاد تعاملات مثبت و پایدار در جامعه کمک کرده و این تعاملات باعث ایجاد امنیت فرهنگی شوند؛ زیرا تقویت باورهای دینی خود یکی از مولفه‌های مهم امنیت فرهنگی است که درنهایت بر امنیت کشور تاثیر مهمی دارد.

۲-۲. حفظ مرکزیت نهاد خانواده

حفظ مرکزیت نهاد خانواده و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی جامعه، یک موضوع بسیار حائز اهمیت است. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی بنیادین، نقش بسیار مهمی در ایجاد و حفظ امنیت فرهنگی جامعه دارد. خانواده عهده‌دار انتقال ارزش‌ها، عادات و رفتارهای فرهنگی را به نسل‌های آینده است و ارتباطات سالم و موثر درون خانواده نقش بسیار مهمی در حفظ و تقویت امنیت فرهنگی جامعه دارد. این ارتباطات می‌توانند به تقویت ارتباطات فرد با جامعه، افزایش اعتماد و پذیرش ارزش‌های فرهنگی منجر شوند.

خانواده مهمترین نهاد در جامعه انسانی است که مسئولیت تربیت و شکل‌دهی به شخصیت افراد را بر عهده دارد. اگر افراد نتوانند بنیان خانواده را تقویت کنند و فرزندی با ایمان در آن پرورش دهند، قادر نخواهند بود جامعه‌ای آرمانی برای نسل‌های آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود عقب مانده و به اهداف والای خود دست نخواهند یافت. بنابراین، هدف از استحکام خانواده، گسترش اصل میانه‌روی بین همه اعضا، حاکمیت اخلاق و رعایت حقوق تمامی اعضای آن است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ص ۴۷).

عوامل تضعیف‌کننده بنیان خانواده و فروپاشی پیوندهای خانوادگی را می‌توان در فراموشی یا تقلیل کارکردهای نهادی خانواده جستجو کرد. این پدیده اجتماعی عمدتاً ناشی از گسست دو عنصر بنیادین - پدر و مادر - از هویت‌های نقشی و کارکردی خویش است. بدیهی است که انسجام و استمرار نهاد خانواده به صورت مستقیم با ایفای صحیح این نقش‌ها در ارتباط است و هرگونه اختلال در این سازوکار، پیامدهای مخربی بر ساختار خانواده به‌جای می‌گذارد (هاشمی، ۱۳۸۵: ص ۸۰). از سوی دیگر حفظ مرکزیت و تحکیم نهاد خانواده محصول علل و عواملی است که منتج به ایجاد جامعه‌ای امن و در پی آن تقویت امنیت فرهنگی اجتماعی می‌شود. برای تحکیم نهاد خانواده باید به ارتقاء ارتباطات خانوادگی به ویژه ارتباط نزدیک و مؤثر بین اعضا و حسن معاشرت (حسن‌زاده، ص ۵۴)، احترام به ارزش‌ها و باورهای خانواده (حسن‌زاده، ص ۶۲)، فراهم کردن فضای امن برای اعضا، تشویق به برعهده‌گیری مسئولیت‌ها و شرکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، تعهد به وظایف و اهداف مشترک (همان)، ایجاد فضایی برای بیان نظرات مختلف و آموزش ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی به فرزندان و اعضای خانواده پرداخت. بنابراین خانواده‌ی دارای استحکام و با مرکزیت قوی، قادر به ایفای نقش‌های خود درباره

مسائل فرهنگی است. چنین خانواده‌ای می‌تواند با حفظ ارزش‌ها و اصول فرهنگی و تقویت ارتباط فرد با ارزش‌ها و اصول خانوادگی، ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی، آموزش و تربیت نسل‌های آینده، تقویت هویت فردی و اجتماعی و تقویت احساس ارتباط و تعلق به جامعه به تقویت امنیت فرهنگی جامعه خود کمک نماید. در نهایت، حفظ مرکزیت نهاد خانواده و نتایج آن در زمینه تربیت اخلاقی، ارزش‌ها و هویت فرهنگی، ایجاد ارتباطات سالم و پایبندی به ارزش‌های اجتماعی، همگی به تقویت امنیت فرهنگی جامعه کمک می‌کنند و مجموعه این مسائل باعث ایجاد یک جامعه پایدار و امن از نظر فرهنگی می‌شوند.

۲-۳. تعمیق ارزش‌ها

ارزش‌ها بنیان‌های اعتقادی انسان را تشکیل می‌دهند که شکل‌دهنده انگیزه‌ها و نگرش‌های او هستند. در جامعه ایرانی، ارزش‌های ملی و دینی به عنوان منابع قدرت نرم کشور عمل می‌کنند. ارزش‌های ملی شامل هویت ملی، زبان فارسی، پیشینه تمدنی، علم، مفاخر ملی و میراث فرهنگی می‌شوند. در کنار آن‌ها، ارزش‌های دینی نظیر سنت‌های پسندیده، مساجد، مراسم آئینی، اخلاق‌گرایی، ایدئولوژی اسلامی، توحید و ایمان نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند، این ارزش‌ها از طریق ایجاد جاذبه، تقویت همبستگی و ارتباطات اجتماعی، نزدیک‌سازی ملت‌ها به آرمان‌های جامعه ایرانی، گسترش الگوها و شاخص‌ها، تولید اعتبار و استحکام‌بخشی به ساختار قدرت، موجب تقویت قدرت نرم ایران می‌شوند. (حیدری و قربی، ۱۳۹۵: ص ۴۷). این ارزش‌ها و هنجارها، جوهر اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و باعث تداوم و استحکام جامعه می‌شوند.

این ارزش‌ها هستند که رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های افراد را هدایت می‌کنند. رابطه ارزش‌ها با امنیت فرهنگی جامعه، نشان‌دهنده تأثیر عمیقی است که ارزش‌ها بر زندگی اجتماعی و فرهنگ جامعه دارند. این تأثیر به گونه‌ای است که ارزش‌ها به عنوان ستون‌های اساسی در ایجاد هویت و شکل‌دهی به فرهنگ جامعه عمل کرده و تأثیر بسزایی در تقویت امنیت فرهنگی دارد.

خانواده نیز به عنوان عاملی بسیار مؤثر در تعمیق ارزش‌ها و انتقال فرهنگ و ستون اصلی جامعه، از طریق تأثیرگذاری دو سویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

(امنیت فرهنگی، ۱۴۰۲). ارزش‌هایی که در خانواده مورد تاکید و انتقال قرار می‌گیرند، بر رفتارها و نگرش‌های اعضای آن تأثیر گذاشته و به تبع بر کنش‌ها، رخدادها و فرهنگ جامعه نیز تأثیر می‌گذارند. این جریان، اهمیت ارزش و نوع ارزشی که در خانواده انتقال می‌یابد را نشان می‌دهد؛ بنابراین لزوم توجه خانواده‌ها به این امر ضروری می‌نماید؛ زیرا رفتارها و اقدامات فیزیکی انسان‌ها تا حد زیادی از باورها، اعتقادات و دیدگاه‌های درونی آنها متأثر می‌شود (امنیت فرهنگی، ۱۴۰۲).

از مطالبی که گفته شد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خانواده یکی از مؤثرترین عوامل در انتقال ارزش‌ها است و ارزش‌ها به عنوان پایه‌های اصلی فرهنگ، رکن بنیادی جامعه هستند. خانواده نیز اثرگذاری دوسویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی دارد و بستری است که در آن انسان‌ها هویت و شخصیت خود را شکل می‌دهند و رفتارها و نگرش‌های آنها شکل می‌گیرد، که در نهایت همین رفتارها و نگرش‌ها بر فرهنگ جامعه و پیرو آن بر امنیت فرهنگی تأثیر خواهد گذاشت.

۲-۴. افزایش آگاهی و تقویت بنیان‌های فکری

تأمین امنیت فرهنگی در مرحله نخست متکی بر تقویت زیرساخت‌های فکری و فرهنگی است. به بیان دیگر، دستیابی به امنیت فرهنگی در سطح جامعه تنها هنگامی محقق می‌شود که سطح آگاهی عمومی ارتقا یافته و شهروندان به درجه‌ای از رشد فکری و بصیرت دست یابند که جریان‌های مخرب فرهنگی بیگانه نتوانند ساختار ذهنی و نظام فکری آنان را دچار آسیب کنند. نقش حیاتی و تأثیرگذار امنیت فرهنگی در حفاظت از فرهنگ به عنوان زیربنای اصلی رشد و توسعه سایر ابعاد جامعه، نشان‌دهنده اهمیت آن است. این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که پایه‌های فکری و اعتقادی به عنوان خاستگاه ظهور ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایی که به وضعیتی امن، ماندگار و عاری از هرگونه تهدید و تعرض نسبت به فرهنگ می‌انجامد، نقشی بنیادین در تأمین امنیت فرهنگی ایفا می‌کنند (قهرمانی نژاد شایق و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۱۳۳).

برای تقویت بنیان‌های فکری فرزندان، خانواده‌ها می‌توانند از راهکارهای متعددی استفاده کنند. این راهکارها شامل مطالعه و کتابخوانی، تحریک تفکر انتقادی، بحث و گفتگو، تشویق به خلاقیت، تجربه‌های عملی و کاربردی، و الگوسازی مثبت هستند. در این زمینه با مطالعه و کتابخوانی می‌توان به تقویت بنیان‌های فکری فرزندان و ایجاد افق دید و گسترش دایره دانش و

خلاقیت آنها کمک کرد. تحریک تفکر انتقادی و تشویق به پرسش کردن، بررسی دیدگاه‌های مختلف و به دنبال دلایل و منطق پشت یک مسئله بودن، می‌تواند در این زمینه کارگشا باشد (الهامی و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۱۳۱). بحث و گفتگو نیز به تقویت مهارت‌های ارتباطی و انتقال اندیشه و توسعه دیدگاه‌ها می‌انجامد. فضای آزاد برای آزمون ایده‌ها، طرح پرسش‌های دشوار و حل مسائل مشترک نیز می‌تواند برای تقویت خلاقیت و تفکر خلاقانه مفید باشد. فراهم کردن فرصت برای تجربه‌های عملی و کاربردی در موضوعات مختلف و الگوسازی مثبت از طریق نشان دادن رفتارها و ارزش‌های مثبت، به تقویت بنیان‌های فکری فرزندان می‌انجامد (الهامی، ص ۱۳۲).

پس با توجه به مطالب گفته شده، چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی در جامعه نقش بسیار حیاتی در تأمین امنیت فرهنگی ایفا می‌کند. بنیان‌های فکری شامل ارزش‌ها، باورها، هنجارها و رفتارهای فرهنگی است که به وضعیتی مطمئن و پایدار منتهی می‌شود و جامعه را در برابر تهدیدات و تعرضات فرهنگی مقاوم می‌کند و در این زمینه خانواده از اولین مؤسسه‌ای است که می‌تواند در تقویت این بنیان‌های فکری در فرزندان نقش داشته باشد.

۲-۵. فرهنگ زیست مجازی

زیست مجازی، شیوه نوینی از زندگی است که متناسب با تحولات عصر حاضر و گذار از سبک زندگی سنتی به مدرن، برای اکثر افراد جامعه اجتناب‌ناپذیر شده است. فضای مجازی علی‌رغم مزایای متعدد خود همچون فزاینده رفتن از محدودیت‌های زمانی و مکانی، سهولت دسترسی به منابع دانشی، مهارتی و اطلاعاتی، تسهیل ارتباطات تحصیلی و حرفه‌ای، در عین حال به واسطه سیاست‌های جهانی‌سازی و جریان‌های تهاجم فرهنگی، چالش‌هایی را برای امنیت فرهنگی جوامع ایجاد کرده است. این تهدیدات شامل انتشار محتوای ناسازگار با هنجارهای فرهنگی، ترویج گفتمان نفرت‌پراکنی، اشاعه اخبار جعلی، نقض حریم خصوصی افراد، حملات سایبری و بدافزارها، و همچنین گسترش محتواهای آسیب‌رسان روانی می‌شود. چنین مخاطراتی موجب ایجاد ناامنی در فضای مجازی و تضعیف ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی جامعه می‌گردند.

رسانه‌های جمعی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در ارائه و اجرای برنامه‌های سیاسی، امنیتی و شکل‌دهی به افکار عمومی و تأمین امنیت عمومی دارند. این رسانه‌ها با توسعه کمی و کیفی چشمگیری که یافته‌اند، می‌توانند هم به عنوان فرصت و هم به

عنوان تهدید برای تداوم و استحکام امنیت جوامع عمل کنند (میرییک سبزواری و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۵۳). به عبارت دیگر جوامع مجازی در اینترنت با گسترش خود، قلمروهای سرزمینی را به نوعی حذف می‌کنند و الگوی حاکمیتی خود را به وجود می‌آورند تا جایی که دولت‌ها محوریت خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند (پورطالب، ۱۴۰۱: ص ۸). برای مقابله با این تهدیدات، نیاز به راهکارهای مناسب و سیاست‌هایی برای پیشگیری و مدیریت این خطرات وجود دارد. در این زمینه ضروری است که خانواده‌ها به عنوان اولین بستر مواجهه فرزندان با فضای مجازی، با کسب مهارت و آگاهی‌های لازم در ارتباط با فضای مجازی و نحوه استفاده از آن، خود و سایر اعضای خانواده را به این مهارت‌ها تجهیز کنند. از این رو الزام مسلط بودن به مهارت و کسب آگاهی و سواد زیست مجازی توسط والدین دوچندان شده است.

جهت بهره‌برداری بهتر از فضای مجازی و مدیریت بهینه آن، آموختن مهارت‌ها سواد رسانه‌ای توسط والدین و آگاهی از مخاطرات و امنیت آن امری ضروری است؛ زیرا به دلیل ناشناخته بودن هویت افراد و منابع در فضای مجازی، تشخیص صحت اطلاعات در آن بسیار دشوار است. در این عرصه برای ارتقای درک مفید از فضای مجازی، والدین باید با آن آشنا شوند و راهبردهای زیر را رعایت کنند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹): خانواده در این زمینه باید به مدیریت زمان و استفاده متعادل از این فضا و آموزش این مهارت به فرزندان بپردازد. در حوزه استفاده از برنامه‌های مناسب و نرم افزارها و بازی‌های رایانه‌ای مفید ضمن کسب اطلاعات لازم در این حیطه، آنها را یاری کند. در مبحث حفظ حریم خصوصی خود و دیگران در فضای مجازی و نحوه انتخابی امن برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات، بتواند فرزندان را آموزش داده و از آنها حمایت کند. سواد رسانه‌ای و توانایی شناخت اخبار صحیح و درست نیز از دیگر مهارت‌ها استفاده از فضای مجازی است که خانواده و اعضا باید به آن مجهز باشند.

بنابراین با ارائه آموزش‌های مربوط به فرهنگ زیست مجازی و تشویق به رفتارهای مسئولانه و احترام‌آمیز در فضای مجازی، خانواده‌ها می‌توانند نقشی مهم در پیشگیری از انتشار اطلاعات نادرست، شایعه‌های مضر و ارتباطات نامناسب در فضای مجازی ایفا کنند. این کار می‌تواند به حفظ فرهنگ و ارزش‌های سالم و مثبت در جامعه و جلوگیری از تأثیرات منفی فضای مجازی کمک کند. به طور کلی، آموزش مهارت‌های امنیتی و فرهنگی در فضای مجازی توسط خانواده‌ها می‌تواند به تقویت امنیت فرهنگی جامعه و جلوگیری از تهدیدات و خطرات مرتبط با

فضای مجازی کمک کند. این اقدامات می‌توانند همچنین به افزایش آگاهی افراد درباره مسائل فرهنگی و اجتماعی، ارتقای اخلاقیات و تقویت هویت فرهنگی فردی و اجتماعی کمک کنند.

۳. کارکرد برون خانوادگی

کارکرد بیرونی خانواده به تأثیر خانواده بر جوامع بزرگتر خارج از خود اشاره دارد. این مفهوم نشان‌دهنده نقش و تأثیر خانواده در جوامع و ارتباطات بیرون از خود خانواده است. این کارکرد می‌تواند در ابعاد مختلفی از زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بگذارد. خانواده در تقویت امنیت فرهنگی در بعد برون خانوادگی نقش تربیتی دارد که عبارتند از: جامعه‌پذیری، تثبیت و تعمیق هویت ملی-اسلامی، پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی، مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی و ارائه سبک زندگی اسلامی-ایرانی.

۳-۱. جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری به معنای پذیرش و تحمل تنوع اجتماعی، فرهنگی، نژادی، دینی، جنسیتی و سایر ویژگی‌های متنوع اعضای جامعه است. به بیان دیگر، جامعه‌پذیری فرایندی از کنش متقابل اجتماعی است که طی آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا می‌گیرد، آنها را درونی کرده و با شخصیت خود یکپارچه می‌سازد (جلال‌پور و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۸۶).

جامعه‌پذیری تأثیر بسیار مهمی بر امنیت فرهنگی دارد و کمک می‌کند تا تعارضات و تضادهای فرهنگی کاهش پیدا کند و روابط فرهنگی بهبود یابد؛ زیرا زمانی که افراد در یک جامعه تنوع فرهنگی را قبول کنند و با احترام به یک دیگر رفتار کنند، احتمال بروز تعارضات و ناسازگاری‌های فرهنگی کاهش می‌یابد و اعتماد و همبستگی بین افراد تقویت شده و در نتیجه امنیت فرهنگی تقویت می‌شود. نکته مهم و اساسی در مورد جامعه‌پذیری، تأثیر آن بر افراد جامعه است تا ادغام اجتماعی سپس یگانگی اجتماعی در جامعه بوجود بیاید. یقیناً، در صورتی که امر جامعه‌پذیری موفق باشد و افراد جامعه به صورت آگاهانه و نه تحمیلی از آن تبعیت کنند، جامعه پویا و پرتحرک بوده و چنین جامعه‌ای راحت‌تر و سریع‌تر، به اهداف خود رسیده و سپس راه‌های پیشرفت و توسعه پایدار را خواهد پیمود (منادی، ۱۳۹۰). از این رو جامعه‌شناسان شکل‌گیری و ساخت شخصیت فرد را متأثر از فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری می‌دانند و بیان

می‌کنند که «از مهمترین نتایج جامعه‌پذیری، ایجاد شخصیت فردی و الگوهای نسبتاً ثابت فکر، احساس و عمل است که همگی ویژگی‌های یک فرد محسوب می‌شوند.» (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲).

در زمینه جامعه‌پذیری، خانواده‌ها نقش بسیار مهمی در پذیرش فرزندان به عنوان اعضای جامعه دارند. آنها می‌توانند به فرزندان خود ارزش‌های اجتماعی را آموزش دهند. این ارزش‌ها می‌توانند شامل احترام به دیگران، همدلی، عدالت، ایثار، مسئولیت‌پذیری و همکاری با دیگران باشند. با آموزش این ارزش‌ها، فرزندان به یادگیری مهارت‌ها ارتباطی و اجتماعی می‌پردازند و به فعالیت‌های جمعی و مشارکت در جامعه ترغیب می‌شوند. خانواده‌ها می‌توانند به فرزندان خود توانایی تحلیل و درک مسائل اجتماعی را آموزش دهند. این شامل توانایی تشخیص نیازها و مشکلات دیگران، درک مفاهیم مربوط به تنوع فرهنگی و اجتماعی و فهم اثرات تصمیم‌گیری‌های جمعی بر جامعه است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، جامعه‌پذیری برای حفظ امنیت فرهنگی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا باعث کاهش تعارضات فرهنگی، ایجاد اعتماد و همبستگی و کسب دانش و مهارت لازم برای زندگی اجتماعی می‌شود که همگی به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کنند و موجب سازماندهی یک جامعه پایدار و پویا می‌شوند.

۲-۳. تثبیت و تعمیق هویت ملی-اسلامی

زندگی اجتماعی بدون هویت و شناخت، غیرممکن و بی‌معنا است. در غیاب هویت، فرد قادر به ارتباط و تعامل صحیحی با محیط اطراف خود نیست که باعث سخت‌تر شدن حفظ وحدت و همبستگی جامعه و افزایش احتمال انحلال آن می‌شود. در زمینه امنیت فرهنگی، مفهوم هویت و جوهر فرهنگ ملی-اسلامی به ویژه مورد تاکید قرار می‌گیرد. امنیت فرهنگی و اجتماعی به مواردی مانند حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، دین، جهان‌بینی، حافظه تاریخی، سبک زندگی، هویت و سنت‌های ملی مرتبط است که این مولفه‌ها پایه‌های امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷: ص ۱۴۸). مفهوم هویت به عنوان نقطه‌ی مرکزی، پایه و منبع انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح گسترده، بر ای استحکام اجتماعی به شمار رفته و به عنوان یک عامل یکپارچه‌کننده عمل می‌کند و ویژگی‌های تنظیم‌کننده را به اعضای جامعه اعطا

می‌کند. بنابراین، ناپایدار شدن و کاهش هویت، پایه‌های همبستگی اجتماعی را ضعیف‌تر می‌کند و به چالشی برای امنیت ملی تبدیل می‌شود (همان).

در دنیایی که به عنوان عصر انفجار اطلاعات شناخته می‌شود و هر فردی با انبوهی از محتواها و اطلاعات مختلف در تماس است، آموزش به فرزندان برای تشخیص اطلاعات صحیح و مقابله با هجمه فرهنگی، امری بسیار حیاتی است. تنها راهی که می‌تواند در این مسیر کمک کند، شناسایی و ترویج هویت اسلامی و ایرانی اصیل در بین آنان است، تا آنها بتوانند با استواری در مقابل تهاجمات فرهنگی و اطلاعات گوناگون ایستایی داشته باشند. این کار به معنای تربیت و آموزش فرزندان در مورد اصول و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی، تشویق آنها به آشنایی با منابع معتبر و اطلاعات صحیح از طریق رسانه‌ها و منابع آموزشی و تقویت هویت فردی و فرهنگی از طریق برگزاری فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی است. این اقدامات می‌تواند به عنوان یک پایه محکم و اصلی، در ساختار هویت فردی فرزندان عمل کرده و آنها را در مقابل تأثیرات و تغییرات فرهنگی ناشی از انفجار اطلاعات و هجمه فرهنگی، تقویت و تثبیت کند (بشارت‌نیا و عمادی، ۱۳۹۷: ص ۴).

در زمینه انتقال، تثبیت و تعمیق هویت اسلامی - ایرانی، خانواده می‌تواند با روش‌های مختلفی از جمله آموزش ارزش‌های دینی، مشارکت در عبادات مذهبی، حفظ زبان و فرهنگ ایرانی، ارائه نمونه‌های مثبت (الهامی و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۱۳۱)، گفتگو و تشویق (همان)، به تثبیت و تقویت هویت اسلامی و ایرانی فرزندان کمک کند. این اقدامات می‌تواند باعث ایجاد ارتباط عمیق‌تر فرزندان با ارزش‌ها و اصول دینی و فرهنگی شده و همچنین به حفظ هویت اسلامی در جامعه کمک کنند.

بنابراین، خانواده نقش اساسی در تقویت هویت ملی - اسلامی دارد. این نقش شامل آموزش ارزش‌های دینی، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی، حفظ فرهنگ ملی و ارتباط با ارزش‌های امنیت فرهنگی است. این اقدامات می‌تواند هویت ملی - اسلامی را در فرزندان تقویت کرده و از تأثیرات منفی فرهنگی محافظت کنند.

۳-۳. پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی

پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی (اعم از مادی و معنوی) یک کشور، ارتباط

مستقیم با امنیت فرهنگی آن دارد؛ زیرا موجب حفظ هویت فرهنگی می‌شود که خود به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی تشکیل دهنده امنیت فرهنگی به شمار می‌رود. با پاسداشت سنت‌های صحیح و حفظ میراث فرهنگی می‌توان به حفظ و تقویت هویت فرهنگی و به دنبال آن استقلال فرهنگی رسید. به این معنا که حفظ سنت‌ها، رسوم، زبان، هنرها و داستان‌های مرتبط با تاریخ و فرهنگ یک کشور، به حفظ هویت فرهنگی آن کمک می‌کند و این امر باعث افزایش اعتماد به نفس و هویت فردی و اجتماعی در برابر فرهنگ‌های خارجی می‌شود که می‌تواند امنیت فرهنگی را تقویت کند (مرادی، ۱۳۹۰: ص ۶۰). همچنین این امر موجب استحکام ارتباطات داخلی می‌شود، یعنی حفظ سنت‌ها و میراث فرهنگی می‌تواند ارتباطات داخلی را تقویت کرده و احساس تعلق و هویت مشترک درونی و ممتاز بودن را افزایش دهد که از مولفه‌های امنیت فرهنگی است (مرادی، ص ۶۲). از سوی دیگر حفظ و تقویت میراث فرهنگی و سنت‌های صحیح می‌تواند در برابر تهدیدات و تغییرات فرهنگی ناشی از تهاجم فرهنگی و جهانی‌سازی جلوگیری کند و به امنیت فرهنگی کشور کمک کند. بنابراین، حفظ و انتقال میراث فرهنگی و پایبندی به سنت‌های صحیح نقش مهمی در ایجاد و تقویت امنیت فرهنگی یک کشور و حفظ هویت و استقلال فرهنگی آن دارد.

در این میان خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی فرزندان، می‌تواند نقش بسیار مهمی در پاسداشت سنت‌های صحیح و حفظ میراث فرهنگی داشته باشد. کارکرد خانواده در این زمینه این‌گونه می‌تواند باشد: ارائه مثال‌های عملی از پایبندی به سنت‌ها و میراث فرهنگی از سوی والدین به فرزندان که از طریق رفتارها و عملکرد خانواده منتقل می‌شود. با بیان داستان‌ها و توصیه‌هایی از تجربیات خانوادگی و فرهنگی، خانواده می‌تواند مفاهیم و ارزش‌های مرتبط با میراث فرهنگی را به فرزندان آموزش دهد. شرکت فعال در آیین‌های مناسبتی، مراسم دینی و ملی، جشن‌ها و رویدادهای مرتبط با فرهنگ اسلامی - ایرانی و سنت‌های خانوادگی می‌تواند باعث ارتقاء ارزش‌های فرهنگی و انتقال آنها به نسل جدید شود (بشارت‌نیا و اعتمادی، ۱۳۹۷: صص ۱-۵). برگزاری جلسات آموزشی و گفتگوهای در خانواده در مورد میراث فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی و تاثیر آنها در زندگی می‌تواند به فرزندان کمک کند تا درک بهتری در این باره پیدا کنند و به آن پایبند بمانند (بشارت‌نیا، همان). ایجاد فرصت‌هایی برای شرکت فرزندان در سنت‌ها، آداب و رسوم خانوادگی و تجربه‌های زیسته مستقیم، می‌تواند به آنها کمک کند که ارتباط عمیق‌تری با

میراث فرهنگی و سنت‌های صحیح داشته باشند. با استفاده از این راهکارها و ارائه فرصت‌های گوناگون، خانواده می‌تواند به عنوان یک محیط پویا و موثر برای حفظ و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های آینده عمل کند.

بنابراین خانواده با ایفای این کارکرد خود، ضمن حفظ سنت‌ها و میراث فرهنگی جامعه خود، می‌تواند به استقلال فرهنگی، ارتقاء هویت ملی و تقویت ارتباطات داخلی کمک کند؛ زیرا در برخورد با پدیده جهانی شدن و تهاجم فرهنگی، حفظ و تقویت هویت فرهنگی جامعه بسیار مهم است و این امر جز با حراست و پاسداری از میراث گذشتگان اعم از میراث فرهنگی مادی یا معنوی حاصل نمی‌گردد.

۳-۴. تقویت هنجارهای دینی

هنجارها مجموعه‌ای از قوانین، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری هستند که توسط یک جامعه یا فرهنگ خاص قبول و تصویب می‌شوند. این مفاهیم تعیین‌کننده‌هایی هستند که چگونگی رفتار افراد را در جامعه مشخص می‌کنند.

هنجارها می‌توانند شامل مسائل مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، خانوادگی و ... باشند. این مفاهیم به طور کلی تعیین‌کننده‌ی چهارچوبی هستند که رفتارهای مردم در جامعه را تعیین می‌کنند. هنجارهای دینی، دستورالعمل‌ها و رفتارهایی هستند که دین اسلام به پیروانش توصیه می‌کند و مسلمانان موظفند به آنها عمل کنند و حتی دیگران را هم به پیروی از آنها تشویق کنند و هنجارهای غیردینی، درواقع رفتارهایی هستند که دین اسلام افراد را از انجام دادن آنها نهی می‌کند (آقاپور، ۱۳۸۸: ص ۲۱).

در این زمینه، «نهاد خانواده در ایران همواره در بازتولید هنجارهای دینی، به عنوان یکی از مهم‌ترین درونمایه‌های امنیت فرهنگی و نیز قدرت‌مندترین حلقه همگرایی حاکمیت و مردم، جایگاه ویژه‌ای داشته است.» (احمدی، ۱۴۰۱: ص ۵۷). به همین جهت خانواده به عنوان محیط اصلی تربیتی، کارکرد حیاتی در تقویت و ارسال هنجارهای دینی به نسل‌های جوان دارد که می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در امنیت فرهنگی جامعه داشته باشد.

الگوها و هنجارهای دینی که توسط خانواده به فرزندان منتقل می‌شوند، نقش حیاتی در تقویت امنیت فرهنگی دارند. ارتباط نزدیک خانواده با هنجارها و ارزش‌های دینی، از طریق

الگوسازی و آموزش، به فرآیند تقویت هویت دینی و ارتباط عمیق‌تر با دین کمک می‌کند (زنگنه، ۱۳۸۲: ص ۵۳). خانواده با ایجاد فضایی مساعد برای ارتباط با مفاهیم دینی و انجام عبادات، به تقویت ارتباط فرد با دین و مفاهیم آن کمک می‌کند. از طریق این ارتباطات، فرد قادر است ارزش‌ها و مفاهیم دینی را در زندگی روزمره خود اعمال کرده و این اقدامات باعث تثبیت و تقویت امنیت فرهنگی در جامعه می‌شود (زنگنه، ص ۵۲). همچنین، این هنجارها و ارزش‌های دینی که خانواده به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهد، افراد را به رعایت اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تشویق می‌کند. این نکته می‌تواند باعث ایجاد ارتباطات داخلی محکم‌تر، افزایش اعتماد به نفس و احساس تعلق به جامعه و فرهنگ آن شود که در نهایت به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کند.

بنابراین خانواده با تأکید بر الگوسازی و آموزش هنجارها و ارزش‌های دینی، باعث تقویت هویت دینی و ارتباط عمیق‌تر افراد با دین می‌شود. ارائه فضای مساعد برای انجام عبادات و ارتباط مستقیم با مفاهیم دینی، به تقویت ارتباط فرد با دین کمک می‌کند و این موارد به تثبیت امنیت فرهنگی جامعه کمک می‌کنند. همچنین، این عمل به ارتقای اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد که در نهایت باعث افزایش اعتماد به نفس و احساس تعلق به جامعه می‌شود و به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کند.

۳-۵. مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی

یکی از عوامل کلیدی در ایجاد وحدت، قدرت و افزایش امنیت کشور در همه زمینه‌ها، مشارکت مردم در زمینه‌های مختلف ملی از جمله امور اجتماعی-سیاسی است. رسیدن به سطح بالایی از یکپارچگی، اعتبار و حفظ امنیت ملی به معنای دخالت فعال مردم در ساز و کارهای مختلف کشور است. این نوع شرکت و گفت‌وگو میان مردم در امور ملی، از جمله سیاست، فعالیت‌های اجتماعی و حمایت از مقررات، به عنوان عامل اصلی برای افزایش اعتماد، توافقات و استقرار امنیت فرهنگی و به تبع آن، امنیت ملی محسوب می‌شود. مشارکت در واقع، تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا «مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد.» (قبادی و جعفری، ۱۳۹۳: ص ۳). مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی افراد

در موقعیت‌های گروهی است که آنان را ترغیب می‌کند تا با همکاری یکدیگر، به اهداف مشترک دست یابند و در مسئولیت‌ها سهیم شوند (شیخ‌الاسلامی کندلوسی و حیدری‌فشتالی، ۲۰۱۶: ص ۲). مشارکت اجتماعی شامل اقدامات فردی و گروهی برای دخالت در تعیین سرنوشت شخصی و اجتماعی است و در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مسائل عمومی نقش دارد. به عبارت دیگر، این نوع مشارکت شامل اشتراك در فعالیت‌های غیردولتی است که به عنوان واسطه بین دولت و جامعه عمل می‌کنند (صادقی و شمس، ۱۳۹۶: ص ۹۵).

در این میان خانواده نقش بسیار مهمی در تقویت آگاهی و تشویق فرزندان به مشارکت سیاسی و اجتماعی دارد. خانواده با ایجاد فضای گفتگو برای بحث در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی می‌تواند به فرزندان کمک کند تا دیدگاه‌های خود را بیان کرده و نظرات خود را ابراز کنند (زنگنه، ص ۵۲). همچنین با آموزش مفاهیم اساسی دموکراسی، احترام به دیگران، ارزش‌های شهروندی و حقوق انسانی به فرزندان می‌تواند توسعه نگرش‌های سیاسی مثبت را در آنها تقویت کند. خانواده با شرکت در فرایندهای سیاسی کشور و جامعه و با تشویق کودکان به شرکت در فعالیت‌های مربوط به مدرسه مانند شوراهای دانش‌آموزی یا در فعالیت‌های مشابه در جامعه محلی، می‌تواند باعث ایجاد انگیزه برای مشارکت بیشتر در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی شود (همان، ص ۵۳). والدین با نشان دادن مشارکت فعال در انتخابات و فعالیت‌های اجتماعی به عنوان نمونه مثبت، می‌توانند به فرزندان نشان دهند که مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی چقدر مهم است. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و ارزیابی منابع اطلاعاتی، همچنین حمایت و تشویق از شرکت فرزندان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، می‌تواند در تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان کمک کند. همه این عوامل به طور ترکیبی می‌توانند به تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی فرزندان و نهادینه کردن آن کمک کنند و از طرف دیگر، به تقویت امنیت فرهنگی جامعه نیز کمک می‌کنند (آقازاده، ۱۳۸۵: ص ۴۹).

بنابراین مشارکت سیاسی و اجتماعی، برقراری ارتباط میان افراد و ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نوع مشارکت‌ها می‌توانند تأثیر زیادی بر امنیت فرهنگی جامعه داشته باشند. خانواده در این زمینه می‌تواند از طریق ایفای کارکرد تربیتی خود در فرزندان، با ارتقاء شناخت از فرهنگ و هویت، توسعه تعاملات اجتماعی و مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری نقش خود را ایفا نماید.

۳-۶. ارائه سبک زندگی اسلامی-ایرانی

سبک زندگی، مجموعه‌ای از الگوها، ارزش‌ها، باورها، عادات، رفتارها و تصمیماتی است که یک فرد یا یک گروه از افراد برای زندگی خود در جوامع مختلف اتخاذ می‌کنند. از دیدگاه اسلام، سبک زندگی به مجموعه‌ای از موضوعات پسندیده اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که براساس آن، باید اسلام و آموزه‌های اسلامی، معیار رفتار قرار داده شوند. «خدا محوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است.» (مصباح، ۱۳۹۲: ص ۵).

در این سبک زندگی، انسان به طور طبیعی مدلی را در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند که برای دستیابی به قرب الهی بیشترین هماهنگی را دارا باشد و تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود ببیند؛ از این رو، همه شئون زندگی خود را؛ از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد (معمدی، ۱۳۹۲: صص ۱۲۶-۱۲۷). سبک زندگی اسلامی، از مولفه‌های مهم تشکیل دهنده امنیت فرهنگی کشور است که از طریق جهانی سازی و یکسان سازی رو به تزاید ارزش‌ها و سبک زندگی خاص، خصوصاً از طریق هجوم صنایع فرهنگی غربی، مورد تهدید قرار گرفته است (امامی، ۱۴۰۰: ص ۱۲۶).

هدف اصلی از ارتقاء سبک زندگی اسلامی، حفظ آرامش روحی و روانی، ایجاد امنیت در جامعه و تقویت مفهوم خانواده است. این سبک زندگی به تربیت نسل‌های با ایمان و عملگرا می‌پردازد و سعی دارد توطئه‌های فرهنگی را که به منظور ترویج سبک زندگی غربی و گرایش جوانان به آنها وجود دارد، نقض کند. این سبک زندگی تلاش دارد که در برابر بی‌بندوباری فرهنگی مقاومت کند و به دین و باورهای مردم احترام بگذارد. از این منظر، سبک زندگی اسلامی به عنوان یک ضامن، برای حفظ و بقای جوامع اسلامی مطرح است (محمدی، ۱۳۹۷).

خانواده‌ها در زمینه ارائه سبک زندگی اسلامی به فرزندان و تحقق آن می‌توانند با تغییر عوامل آسیب‌زا و پاسخگویی در برابر چالش‌ها با تأکید بر آموزش مفاهیم دینی و توجه به ارتقاء مهارت‌های فطری و دینی به ایجاد زمینه برای برخورد با عواملی که ترویج سبک زندگی اسلامی را مختل می‌کنند، پردازند (نجفی و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۴). همچنین با تمهید شرایط رشد شخصیت و کمک به ارتقاء ویژگی‌های انسانی و شخصیتی افراد در ابعاد شناختی، عاطفی و

عملی، به تقویت و توسعه بُعد دینی از طریق پرورش احساس ارزشمندی به تقویت و توسعه بعد دینی سبک زندگی فرزندان کمک نمایند (نجفی و دیگران، ص ۱۶۵). آنها همچنین با فراهم سازی تجربه عملی سبک زندگی اسلامی و معرفی الگوهای برتر در این زمینه و فرهنگ سازی می توانند فرزندان را سبک زندگی اسلامی آشنا کنند.

بنابراین، خانواده ها با ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی و ارزش های متناسب، می توانند به تقویت امنیت فرهنگی جامعه کمک کنند. آنها با ترسیم الگوهای رفتاری و ارزشی مبتنی بر اصول اسلامی، می توانند هویت فرهنگی جامعه را تقویت و حفظ کنند. این روشها نقش مهمی در تربیت نسل هایی با ارزش های اخلاقی و اجتماعی قوی دارند که در پیشبرد امنیت فرهنگی جامعه موثرند. همچنین، با ارائه سبک زندگی اسلامی، خانواده ها از انحرافات فرهنگی و تأثیرات منفی فرهنگی خارجی که ممکن است به تخریب ارزش های فرهنگی منجر شوند، جلوگیری می کنند. از این رو، خانواده ها با ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی می توانند به استحکام و امنیت فرهنگی جامعه کمک کنند.

نتیجه

یکی از جنبه های حیاتی در حوزه امنیت هر کشوری، امنیت فرهنگی است که نشان دهنده ی ثبات و حفظ ارزش ها، آداب و رسوم، اخلاق و فرهنگ یک جامعه است. امنیت فرهنگی موجب تقویت همبستگی و امنیت ملی می شود. این نوع امنیت از تهدیداتی مانند تروریسم، تبعیض فرهنگی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تهدیدات اینترنتی و تغییرات سیاسی و اقتصادی تحت تأثیر قرار می گیرد که مجموعه این تهدیدات می تواند ارزش های فرهنگی و اخلاقی را تضعیف کرده و به فروپاشی امنیت فرهنگی و ملی کشور منجر شود. برای مقابله با این چالش ها، توسعه آگاهی و مهارت ها فرهنگی و اجتماعی ضروری است و ترویج ارزش های فرهنگی و اخلاقی در جامعه اهمیت دارد. در این میان نقش خانواده در تقویت امنیت فرهنگی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد هر جامعه، بستر ساز اصلی فرهنگ آن جامعه به شمار می رود.

خانواده در رابطه با تقویت امنیت فرهنگی جامعه دو کارکرد تربیتی مهم دارد. اولین مربوط به کارکرد درونی آن است که شامل: دین باوری، تعمیق ارزش ها، افزایش آگاهی و تقویت بنیان های

فکری، حفظ مرکزیت نهاد خانواده و فرهنگ زیست مجازی می‌شود. در این زمینه خانواده از طریق دین‌باوری و ترویج ارزش‌های دینی و آموزش الگوهای رفتاری و اخلاقی، با حفظ نقش مرکزی خانواده و ارتباطات سالم آن و با آموزش مهارت‌ها زیست در فضای مجازی به تثبیت ارتباطات جامعه و تقویت امنیت فرهنگی و تقویت ارزش‌ها و باورهای فرهنگی کمک می‌کند.

دومین کارکرد هم، کارکرد بیرونی خانواده است که حوزه‌های: جامعه‌پذیری، تثبیت و تعمیق هویت ملی-اسلامی، پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی، تقویت هنجارهای دینی، مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی و ارائه سبک زندگی اسلامی-ایرانی را در بر می‌گیرد. در این حیطه، خانواده با ترویج ارزش‌های دینی و ایجاد فضای مساعد برای انجام عبادات، به تقویت هویت دینی افراد و ارتباط عمیق‌تر آنها با دین کمک می‌کند.

این موارد باعث ایجاد ارتباطات داخلی محکم‌تر، افزایش اعتماد به نفس و احساس تعلق به جامعه می‌شود که نقش مهمی در افزایش امنیت فرهنگی جامعه دارد. همچنین، مشارکت سیاسی و اجتماعی، با ارتقاء شناخت از فرهنگ و هویت، توسعه تعاملات اجتماعی و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کند. ترویج سبک زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری مبتنی بر ارزش‌های دینی نیز از انحرافات فرهنگی و تأثیرات منفی فرهنگی خارجی که ممکن است به تخریب ارزش‌های فرهنگی منجر شوند، جلوگیری می‌کند. پس در کل، خانواده نقش اساسی در ایجاد و تقویت امنیت فرهنگی و پایداری آن در جامعه دارد.

کتابنامه

الف. کتابها

۱. اسلامی ایرانی، تهران: دین و رسانه (وابسته به اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۲. آقابور، علی، هنجارشکنی در رسانه‌های اجتماعی، قم: دفتر عقل (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مرکز پژوهش‌های اسلامی)، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. پورطالب، روح اله، خانواده و سواد فضای مجازی، تهران: اندیشکده صنایع نرم، چاپ اول،

۱۴۰۱.

۴. جهان بزرگی، احمد، امنیت در نظام سیاسی اسلامی (اصول و مولفه‌ها)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. قادری، زهرا السادات، نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی تا.
۶. یان، رابرتسون، درآمدی بر جامعه، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

ب. مقالات

۱. احمدی، وحیده، «نهاد خانواده و جایگاه آن در امنیت فرهنگی»، مطالعات راهبردی، سال بیست و پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۹۶)، تابستان ۱۴۰۱، صص ۴۷-۸۴.
۲. امامی، سیدمجید، «از دفاع غیرعامل تا امنیت فرهنگی؛ سیاست‌ها و تدابیر موجود و مطلوب جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه علمی اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی، دوره ۲، شماره ۱، آبان ۱۴۰۰، صص ۱۱۹-۱۵۴.
۳. قبادی، مجید؛ جعفری، احمد، «رضایت‌مندی سیاسی - ملی در پهنه جهانی شدن (بازکاوی تاثیر رسانه‌های فرامرزی و درون مرزی بر رضایت‌مندی سیاسی - ملی در عصر جهانی شدن)»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴، اردیبهشت ۱۳۹۳، صص ۱۴۳-۱۷۴.
۴. آقازاده، احمد، «اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیرتحولات و ویژگی‌های اینگونه آموزش‌ها در کشور ژاپن»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، ۱۳۸۵، صص ۴۵-۶۶.
۵. الهامی، حدیثه؛ اسمعیلی، معصومه؛ نعیمی، ابراهیم، «فرایند انتقال مولفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان نوجوان: یک مطالعه کیفی»، نشریه رویش روان‌شناسی، سال ۱۰، شماره ۷، مهر ۱۴۰۰، صص ۱۲۷-۱۴۰.
۶. باقی نصرآبادی، علی، «همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی»، حصون، شماره ۶، ۱۳۸۴، صص ۱۶۵-۱۸۷.
۷. بشارت‌نیا، محمدصادق؛ عمادی، فرحناز، «شکل‌گیری و تقویت هویت اسلامی- ایرانی کودکان و راهکارهای اجرایی آن»، اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره

- پیش‌دبستانی (یزد)، ۱۳۹۷، صص ۱-۱۲.
۸. جلال‌پور، شهره؛ پایفرد، کیانوش؛ فلاح، محمد، «بررسی جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌های نوین در عصر جهانی شدن»، مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۷، صص ۸۵-۹۹.
۹. حسن‌زاده، صالح، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، پژوهش‌نامه معارف قرانی، دوره ۴، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۹۲، صص ۴۵-۶۸.
۱۰. حیدری، منصور؛ قربی، سیدمحمدجواد، «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (مطالعه ارزش‌های فرهنگی)»، مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۶-۶۴.
۱۱. زنگنه، محمد، «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه بوشهر)»، نامه پژوهش، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۲، صص ۳۰-۵۷.
۱۲. سیمبر، رضا؛ رضاپور، دانیال، «امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، سیاست پژوهی، دوره ۵، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۱-۱۵۶.
۱۳. شیخ‌الاسلامی کندلوسی، نادر؛ حیدری فشتالی، پونا، «رابطه بین توانمندسازی روانشناختی و مدیریت مشارکتی و تاثیر آن بر رضایت شغلی کارکنان»، مالزی، ۲۰۱۶.
۱۴. صادقی، علیرضا؛ شمس، فاطمه، «واکاوی نقش انگاره احساس امنیت در ارتقاء مشارکت اجتماعی شهروندان شهر شیراز»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، صص ۹۱-۱۰۴.
۱۵. قربی، سید محمدجواد؛ محمدی‌نجم، سیدحسین، «امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران مؤلفه‌ها، تهدیدات و راهکارها» فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۷۸، تابستان ۱۳۹۳، صص ۹-۵۲.
۱۶. قهرمانی‌نژاد شایق و دیگران، «رویکرد تطبیقی نقش اعتقادات و باورها در امنیت فرهنگی براساس رهیافت قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، ۱۶ خرداد ۱۴۰۱، صص ۱۳۳-۱۵۶.
۱۷. معتمدی، عبدالله، «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت)»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره ۴، شماره ۱۳، فروردین ۱۳۹۲، صص ۱۲۵-۱۴۲.

۱۸. مرادی، علیرضا، «نقش میراث فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم شماره ۵۳-۵۴، خرداد و تیر ۱۳۹۰، صص ۶۰-۶۶.
۱۹. مصباح، محمدتقی، «سبک زندگی اسلامی؛ ضرورت‌ها و کاستی‌ها»، نشریه معرفت، شماره ۱۸۵، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۵-۱۲.
۲۰. میربیک سبزواری، علی؛ تقی‌پور، فائزه؛ اسماعیلی، رضا، «ادراک کاربران از امنیت فرهنگی در فضای مجازی (فضای مجازی امنیت آفرین یا امنیت ستان)»، مطالعات رسانه‌ای، دوره ۱۷، شماره ۳، شماره پیاپی ۸۵، آبان ۱۴۰۱، صص ۵۱-۶۶.
۲۱. نجفی، حسن؛ رهنما، اکبر؛ فرمehینی فراهانی، محسن، «بررسی راهکارهای کاربردی سازی سبک زندگی اسلامی در نهاد خانواده، برگرفته از احادیث»، پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۴۳-۱۶۸.
۲۲. هاشمی، حسین، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده» پژوهش‌های قرآنی و پژوهش‌نامه قرآن و خانواده، شماره ۴۸، ۱۳۸۵، صص ۷۸-۱۰۵.
۲۳. هاشمی، سید احمد، «دین، جامعه و انحرافات اجتماعی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۸۲-۲۰۱.

ج. سایت‌ها

۱. تقوی، سیدرضا، «امنیت فرهنگی»، ویستا نیوز، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰، <https://vista.ir/m/a/1imjc>
۲. خبرگزاری مهر، «پنج راهبرد اساسی برای مدیریت فضای مجازی در خانواده»، تاریخ درج مطلب: ۱۳۹۹/۹/۲۲، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰، mehrnews.com/xTjtP
۳. خبرگزاری مهر، «باید دین را شناخت و باور کرد/ مفهوم حیات دینی»، تاریخ درج مطلب: ۱۳۹۵/۱۱/۹، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۹/۱۲، mehrnews.com/xH4S3
۴. محمدی، فرهاد، «سبک زندگی ایرانی اسلامی و تأثیرات آن در امنیت اجتماعی»، دومین <https://civilica.com/doc/914167>، همایش ملی سبک زندگی و سلامت یزد، ۱۳۹۷،
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، تاریخ درج: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/859054>، ۱۴۰۲/۰۹/۱، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۲/۳/۸،
۸. منادی، مرتضی، «جامعه‌پذیری و خانواده»، تاریخ درج: ۱۳۹۰/۱۰/۴، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۸/۳۰.

نقش مردان در تأمین امنیت اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام

مرضیه قدیری نوش آبادی*

فاطمه مرشدی بیدگلی**

چکیده

یکی از موضوعات مهم در سبک زندگی اسلامی، نقش زنان در خانواده است. با وجود اهمیت فوق العاده نقش زنان در اسلام، کافی نبودن حمایت های اقتصادی از آنان سبب کم رنگ شدن نقش آنان در خانواده و معضلی اجتماعی برای جامعه تبدیل شده است. گرچه خانه داری نقش اصلی زنان دانسته می شود و این فعالیت در ظاهر ارزش اقتصادی ندارد؛ ولی بر اساس این تحقیق در فقه شیعه، تحقق امنیت اقتصادی زنان از سوی مردان با تکلیف الهی است که بر گردن آنها نهاده شده است. در این تحقیق با روش توصیفی، دلایل و دیدگاه های مطرح شده در فقه با استفاده از آیات و روایات و ترسیم نقش مطلوب زن در خانواده، تلاش شده است مدلی پیشنهادی و نظام مند برای امنیت اقتصادی زنان در اسلام به دست آید. در فقه شیعه سازه هایی با کارکرد تأمین اقتصادی زنان در خانواده وجود دارد که مهم ترین آن نفقه، مهریه، مزد شیردهی و ارث است. **کلیدواژگان:** مردان، امنیت اقتصادی، زنان، خانواده.

* دانش آموخته رشته رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، طلبه سطح ۳ (نویسنده مسئول)، nain.zax.0099@gmail.com.

** دانش آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی.

مقدمه

خانواده کهن‌ترین، مهم‌ترین و کوچک‌ترین واحد جامعه انسانی است. تأثیر این نهاد مهم در جامعه به گونه‌ای است که اندیشمندان یکی از دلایل اساسی توسعه جرایم در جامعه را سستی این نهاد مهم می‌دانند. متأسفانه امروزه خانواده‌ها دارای تلاطم‌ها و تحولات بسیاری شده‌اند که عمده این تنش‌ها به محور اصلی خانواده و زنجیره اتصال اعضای آن، یعنی زن باز می‌گردد. شخصیت و جایگاه زنان در جامعه یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه علوم انسانی است؛ به گونه‌ای که مسائل مربوط به زنان از مهم‌ترین چالش‌های فکری اندیشمندان بوده است. در سال‌های اخیر توجه روزافزونی به جایگاه زنان در جوامع مختلف شده است و به تبع آن پیشرفت‌های چشمگیری در وضعیت زنان سراسر جهان به دست آمده است؛ از این‌رو یکی از مسائل مورد توجه اندیشمندان، جایگاه زنان در خانه و جامعه است. امنیت مالی زن در حفظ آرامش وی درون خانواده تأثیر بسیاری دارد و موجب حفظ یکپارچگی و ثبات خانواده می‌شود. زنان مسلمان می‌توانند از همه مواهب اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشند. از نظر اسلام، زنان حقوق اقتصادی متعددی دارند و بر این اساس در توسعه اقتصادی جامعه ایفای نقش می‌کنند. هدف از این تحقیق، آشنایی زنان با منابع اقتصادی خود است تا امنیت روانی داشته باشند و بتوانند بر خانواده و اعضای آن تأثیرگذار باشند.

پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر نزدیک و مرتبط با موضوع این پژوهش انجام شده است؛ ولی هر کدام ابعادی را بررسی می‌کنند که متمایز از دیگر آثار انجام‌شده است؛ از جمله کتاب حقوق زن و خانواده نوشته حسین حکمت‌نیا که نویسنده، حقوق و امنیت زن در خانواده را بررسی می‌کند. کتاب زن در قرآن مجموعه دیدگاه‌ها و تحقیقات علامه سیدمحمدحسین طباطبایی درباره زن و خانواده است؛ ایشان که تفسیر جامع و نافع بر قرآن کریم نوشته‌اند، بسیاری از مسائل فقهی و اخلاقی که درباره بانوان مطرح شده است را به تناسب آیات مطرح کرده‌اند. احساس امنیت بین زنان به طور جداگانه موضوع تحقیقات مختلفی بوده‌اند؛ اما در این پژوهش به تکالیف الزام‌آور مرد در خصوص امنیت اقتصادی زن پرداخته‌ایم.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. امنیت

امنیت در لغت به معنای درامان بودن، بی‌بیمی، آسایش و بی‌هراسی است (دهخدا، ۱۳۵۴: ص ۵۰). همچنین از ریشه امن به معنای درامان بودن و مصون بودن از هرگونه تعرض و بودن در آرامش و

آسودگی است (قرشی، ۱۳۵۲: ص ۵۶). در فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، امنیت به «بی خطر کردن، تأمین کردن، امن کردن، در امان نگهداشتن، با اطمینان کردن» تعریف شده است (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۴: ص ۹۰). می توان گفت امنیت، پدیده ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم و دولت مردان و زمامداران و تصمیم گیرندگان به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد (خوش فر، ۱۳۷۸: ص ۹۶).

۱-۲. اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای میانجی شدن، میانگی کردن، میانه نگاه داشتن، به اندازه خرج کردن، حفظ تعادل دخل و خرج، میان کاری، میانه روی در هر کاری، خرج کردن به اندازه آمده است (معین، ۱۳۶۳: ص ۱۷۸). این واژه در زبان واژه شناسان از ماده «قصد» در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن و امثال آن به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۵۴: ص ۵۴۴). همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه روی آمده است (طریحی، ۱۳۶۰: ص ۱۲۷). خلیل بن احمد فراهیدی در العین در مفهوم «اقتصاد» گفته است: «قصد به معنای استقامه الطریق، یعنی پایداری در راه است. میانه روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه "تقصیر" و سخت گیری کند» (فراهیدی، ۱۹۲۰: ص ۵۴). راغب هم در مفردات می گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ص ۶۷۲). اقتصاد در اصطلاح اقتصاددانان، دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف است (نظری، ۱۳۹۶: ص ۳۹). استوارت میل نیز بیان می کند: «اقتصاد بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع می باشد» (لویس، ۱۳۶۶: ص ۸). بنابراین علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده ها می پردازد؛ علمی که به تشریح حیات اقتصادی و پدیده های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها توجه دارد.

۱-۳. امنیت اقتصادی

باری بوزان - استاد بین المللی اقتصاد - معتقد است امنیت اقتصادی فرد تنها به شرایط زیستی محدود نمی شود، بلکه تأمین این امنیت به معنای حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی است؛ برای نمونه اشتغال یا حق حداقل دستمزد را باید از شرایط ضروری امنیت اقتصادی بدانید (بوزان، ۱۴۰۲: ص ۷۶). تأمین اقتصادی در رأس ضرورت های بشر است؛ تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

می‌فرماید: «پروردگارا، بین ملت ما و نان به معنای اقتصاد فاصله نینداز؛ چراکه اگر اقتصاد نبود، نماز و روزه نمی‌خواندیم و دیگر فرایض را نیز به جا نمی‌آوردیم» (کلینی، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۲۷۸).

۴-۱. خانواده

خانواده در جوامع انسانی به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی یا مکان زندگی مشترک، وابستگی دارند. به بیان دیگر خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای گفته می‌شود که با هم زندگی می‌کنند، درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضرورت‌های زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند (نجاریان، ۱۳۷۵: ص ۱۹). انسان‌شناسان به طور کلی نهاد خانواده را این طور طبقه‌بندی می‌کنند: مادر تباری، مادر و فرزندان او، زن‌شویی زن و شوهر و فرزندان که خانواده هسته‌ای نیز خوانده می‌شود و خانواده گسترده یا هم‌خونی که در آن پدر و مادر و فرزندان با افراد دیگر مانند خویشاوندان در مکان مشترکی زندگی می‌کنند (اعزاز، ۱۳۸۹: ص ۶۲).

در برخی جوامع مفاهیم دیگری از خانواده وجود دارد که روابط سنتی خانواده را کنار گذاشته‌اند. خانواده در جایگاه یک واحد اجتماعی جامعه‌پذیری در جامعه‌شناسی خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی زن و شوهر در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را انجام دهند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد تا پایان حفظ شود (موسوی بیگی، ۱۳۹۷: ص ۵۴). بنابراین برای ایجاد امنیت اقتصادی زن در خانواده لازم است که مرد وزن اصول و قوانینی را رعایت کنند و به آنها متعهد شوند که در ادامه به بررسی این قوانین پرداخته می‌شود.

۲. رعایت حقوق مالی زن

در خانواده نقش‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام از این نقش‌ها را با توجه به ویژگی‌شان یک یا چند نفر از اعضای خانواده بر عهده می‌گیرند. مرد در فقه شیعه تعهداتی مالی در برابر همسر خویش دارد که می‌تواند با عنوان ابزارهای تأمین اقتصادی زنان بررسی شود. از نظر اسلام، زن باید بدون داشتن دغدغه‌های مالی و اجتماعی، با فراغ بال و آرامش، مدیریت داخلی خانواده را

انجام دهد و مرد موظف است تمامی نیازهای اقتصادی خانواده را تأمین کند. بنابراین زن به واسطه نقش مؤثری که در نیل به اهداف خانواده دارد، از حمایت‌های مالی ویژه‌ای چون نفقه، مهریه و اجرت شیردهی برخوردار است (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ص ۹۲).

۲-۱. مهریه

مهریه از امور باارزشی است که از جانب زوج به همسرش داده می‌شود. زن پس از ازدواج، مالک مهریه است و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی انجام دهد. با توجه به اینکه مهریه در ادیان وجود دارد و در بیشتر موارد یک منبع مالی برای زن به شمار می‌رود، می‌توان آن را یکی از مصادیق امنیت مالی برای زن در نظر گرفت. یکی از تعابیر لطیف قرآن برای مهریه، واژه «صَدَقَاتِهِنَّ» (نساء: ۴) است؛ بدین معنا که مهریه نرخ زن نیست، بلکه نشانه صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است. صدق در اصل از صدق، دلالت بر قوتی می‌کند که داخل شیء است، چه از نظر قول و چه غیر قول. صدق زن از آن جهت که قوت و قدرت در آن است، صدق نامیده می‌شود؛ چراکه آن قدرت، حقی الزام‌آور است (ابن زکریا، ۱۴۲۲: ص ۵۶۵). تعبیر لطیف «صدق» و «نحله» نشان‌دهنده ادب و حیا در کلام الهی و نیز تکریم و تجلیل زنان و ناموس آنان است تا کسی نپندارد امر مقدس ازدواج نوعی خریدوفروش است و زن خود را در ازای مهریه در اختیار شوهر می‌گذارد. بضع زن و ناموس مرد متعلق به خداست و در نکاح، زن چیزی را به شوهر تملیک نمی‌کند تا مهریه عوض آن باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۳۰۵). بنابراین مهریه را می‌توان چنین تعریف کرد: «در عقد ازدواج دائم، زوج باید چیزی را که دارای ارزش مالی باشد، از مال و دارایی خویش به زوجه واگذار کند و این مقدار از مال یا ملک که به زن داده می‌شود را مهر می‌نامند و در فارسی از آن به کابین تعبیر می‌کنند؛ خواه عین باشد، مانند پول، خانه، طلا و نقره و خواه منفعت باشد و اگر زوج تعلیم صنعتی حلال یا سوره‌ای از قرآن غیر از سوره حمد و سوره دیگری که تعلیم آن واجب باشد یا تعلیم خود قرآن را مهر زوجه قرار دهد، صحیح خواهد بود» (محقق، ۱۳۶۰: ص ۳۱۵).

برخی از فقیهان عقد نکاح دائم را عقدی معاوضی می‌دانند که در آن مهریه عوض بضع دانسته می‌شود؛ اما عده‌ای دیگر نکاح را عقدی غیر معاوضی معرفی می‌کنند و مهر را هدیه‌ای الزامی از جانب زوج به زوجه می‌انگارند (بحرانی، ۱۴۰۵: ص ۴۵۵). دیدگاه اول، جنبه معاوضه و

معامله و ماهیت اقتصادی به نکاح می‌دهد؛ در حالی که دیدگاه دوم، برای اثبات محبت مرد به زن است و روح ارزشی به نکاح می‌بخشد. مشهور فقیهان از جمله صاحب جامع المدارك (خوانساری، ۱۴۰۵: ص ۴۲۴) معتقدند مهر ماهیت معاوضی ندارد، بلکه هدیه‌ای است از طرف زوج به زوجه. تعبیر قرآن کریم از مهریه، «صداق» به معنای صداقت زوج در ابراز علاقه‌مندی به زوجه است. همچنین بیشتر مفسران تعبیر «نحله» در قرآن را به معنای عطیه‌ای مجانی لحاظ کرده‌اند که در مقابلش ثمنی نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ص ۱۶۹).

بررسی و تحلیل ماهیت مهریه نشان می‌دهد که مهریه با هدف تأمین اقتصادی زنان تشریع نشده است؛ اگرچه منع شرعی برای استفاده از آن برای تأمین اقتصادی وجود ندارد. مهریه به دلیل مالیت داشتن، می‌تواند کارکرد تأمین اقتصادی داشته باشد و اتفاقاً امروزه در جامعه ایران نگاه اقتصادی به مهر در حال ترویج است و تعیین مقدار مهریه در ازدواج به چالشی میان خانواده‌ها تبدیل شده است. بدیهی است که زن می‌تواند از مهر برای تأمین اقتصادی خود استفاده کند؛ اما کاربرد و کارکرد ماهیتی دو مقوله جد است. فلسفه وضع مهر، جنبه ارزشی آن است؛ بنابراین با مادی تلقی کردن کارکرد مهر، آن هدفی که مهر برای آن وضع شده، از بین می‌رود. بر اساس نظر مشهور فقیهان بلکه بر اساس اجماع عالمان، مهریه در نکاح لازم است چه در عقد دائم یا ازدواج موقت؛ اما تفاوت در این است که در ازدواج موقت اگر مهر مشخص نشود، عقد باطل می‌شود؛ ولی در ازدواج دائم عقد باطل نمی‌شود و مهرالمثل بر عهده شوهر می‌آید. صاحب جواهر در توضیح این تفاوت می‌گوید: «در ازدواج دائم، غرض اصلی بقای نسل و تشکیل خانواده و تربیت فرزند است؛ اما در متعه، غرض اصلی و غالبی استمتاع و لذت جویی است؛ از این رو باید مانند عقد اجاره، اجرت و عوض حتماً مشخص شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۶۲).

خداوند متعال در آیات متعددی به مسئله مهریه اشاره می‌کند؛ از جمله «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً: و هنگام ازدواج، مهر زنان را که بخشی از سوی شما به آنان است، بپردازید» (نساء: ۴). «آتوا» فعل امر به معنای «أعطوا» است که در مخاطب آن دو احتمال وجود دارد: یکی شوهران و دیگری اولیا. طبرسی احتمال نخست را با ظاهر آیه موافق دانسته است (طبرسی، [بی‌تا]: ج ۳، ص ۱۶). «صدقات» جمع صدقه، به معنای مهر و چیزی است که زوج هنگام ازدواج به همسرش پیشکش می‌کند. اضافه آن به ضمیر «هن» دلیل بر اختصاص و مالکیت زن بر صداق

دارد (حلی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۱۵۹). این آیه خطاب به هرکدام از دو گروه پیش گفته باشد، بر وجوب پرداخت مهریه به زنان دلالت دارد. بنابراین بر اولیا یا شوهران واجب است مهریه زنان را در اختیارشان بگذارند. این خطاب افزون بر اثبات استحقاق زن بر مهر، استقلال او را در تصرف نیز بیان می‌کند؛ زیرا لازمه وجوب پرداخت مهریه و قرارداد آن در اختیار زن، جواز هرگونه تصرف در آن است.

همچنین در آیه دیگری آمده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً: زنانی را که متعه می‌کنید [به عقد موقت خود در می‌آورید]، مهرشان را بدهید که بر شما واجب است» (نساء: ۲۴). «أُجُور» جمع أجر و در این آیه، عین یا منفعتی است که مرد در ازدواج موقت به زن می‌پردازد. اضافه «أُجُور» به «هُنَّ»، دلیل بر اختصاص آن به زن و مالکیت وی بر مهر است. امر «آتُوهُنَّ»، خطاب به مردانی است که قصد ازدواج موقت دارند و آنان را موظف می‌کند مال یا منفعتی که برای زن منظور می‌کنند را به وی بپردازند. امر به پرداخت اموال زنان به خودشان، مستلزم جواز تصرف آنها در آن است. بنابراین امر در این آیه افزون بر اثبات مالکیت زن بر مهر، استقلال وی را در اداره آن نیز اثبات می‌کند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹: ص ۲۲۷-۲۲۸).

در روایات نیز آمده است که مهریه حدی ندارد و مهم توافق طرفین بر سر آن است (حرعاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۵، باب ۱). از مجموع روایات و آیات درباره مهریه می‌توان استفاده کرد که در مهریه هم به هدیه و پیشکش بودن و صداقت شوهر نسبت به زن و میل او و هم به پاداش و هزینه وقت و زحمت و بهره‌گیری از زن توجه شده است.

عبارت «فَإِنْ طِبْنَ ... هَنِيئًا» در ادامه آیه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» در راستای مالکیت زن بر مهریه و حفظ امنیت مالی وی توجه به این امر نیز مهم است که گاهی بخشش با رضایت قلبی همراه نیست و بر اثر عواطف و احساسات زودگذر است؛ از این رو می‌فرماید: «اگر بخشش زنان با رضایت قلبی و طیب نفس بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۳۰۶) و نشان‌دهنده آن است که مال‌گوارا مالی است که صاحبش آن را با طیب خاطر و رضایت ببخشد و رضایت ظاهری کافی نیست، بلکه رضایت قلبی لازم است. بخشش‌های اکراهی، اجباری یا رودربایستی اعتبار ندارد؛ بنابراین زنان تحت تأثیر عواطف همه مهر خود را نبخشند (قرائی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۳۲).

باز پس گرفتن مهریه با زور و اجبار حرام است. به این مطلب در این آیه اشاره شده است: «لَا

تَعْصُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ» (نساء: ۱۹) و تنها در صورتی که زن در معرض بی‌عفتی باشد، مرد حق سخت‌گیری دارد: «لَا تَعْصُلُوهُنَّ... إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ» (قرآنی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۳۸). این مهم به هنگام ازدواج مجدد مرد پررنگ‌تر می‌شود و خداوند در آیه بعد به آن سفارش اکید دارد: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا»؛ چراکه قرین شدن واژه «استبدال با واژه اراده بدین معناست که از وقتی اندیشه تبدیل همسر در ذهن مرد می‌گذرد و قبل از عمل باید به فکر پرداخت مهریه همسر اول باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۸، ص ۱۷۴). در تفسیر مجمع البیان در رابطه با این آیه آمده است چون زن پیر یا زشت است، شوهر او را اذیت می‌کند تا مالی به شوهر داده طلاق بگیرد؛ در این صورت بر مرد جایز نیست که چیزی از زن بگیرد (طبرسی، [بی‌تا]: ج ۳، ص ۱۵). وجود تأکیدهای متناوب در قرآن نه تنها بیان می‌کند که زن در قوانین اسلامی حق مالکیت دارد و مهریه بی‌کم‌وکاست باید به او تحویل شود، بلکه اسلام حامی حقوق زن است و ازدواج دوم را به قیمت ضایع کردن حق همسر اول منع می‌کند. سپس خداوند در آیه بعد به تأکیدهای خود ادامه می‌دهد و به مسائل عاطفی متمسک می‌شود و می‌فرماید: «و چگونه آن مال را پس می‌گیرید، درحالی‌که هر یک از شما از دیگری کام گرفته‌اید و همسرانتان از شما هنگام ازدواج، برای پرداخت مهریه پیمان محکم گرفته‌اند» (قرآنی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۴۰). بنابراین خدای متعال در تبیین نهی از تصرف در مهریه زن به نکته‌ای اخلاقی و تربیتی اشاره و با یادآوری فضای مهر و محبت و دوران خوش گذشته، احساسات و عواطف مردان را برانگیخته و می‌فرماید: چگونه به خود اجازه پایمال کردن حقوق همسران را می‌دهید؟ (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۸، ص ۱۷۶).

از مسائل مهریه می‌توان به این مطلب اشاره کرد مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند بر اینکه زن حق دارد تمام مهر خود را که نقد است، به محض انشای عقد مطالبه کند و نیز حق دارد از تمکین خودداری کند تا مهریه خود را بگیرد؛ پس اگر زن قبل از اینکه مهرش را بگیرد، به میل خود تمکین کرد، به اتفاق همه عالمان بعداً حق امتناع ندارد؛ جز ابوحنیفه که گفته است: «زن می‌تواند پس از تسلیم به مرد باز امتناع کند، همه مذاهب قائل اند اگر پیش از اینکه مهر خود را بگیرد، امتناع کرد، حق نفقه بر مرد دارد؛ زیرا امتناع او در این حال با مجوز شرعی است. ولی اگر پس از تمکین یا بعد از اخذ مهریه امتناع کرد، نفقه نزد همه جز ابوحنیفه ساقط است» (مغنیه، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۸۶-۸۷). بنابراین مهریه در اسلام منبع مهم اقتصادی است که برای امنیت مالی زن تعبیه شده است و او می‌تواند از آن در شرایط متفاوت استفاده کند.

۲-۲. نفقه

برای تعریف نفقه زوجه، حقیقت شرعیه وجود ندارد، بلکه شرع محدوده آن را به عرف واگذار کرده است (مغنیه، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۱۳). نفقه زن در صورت وجود شرایطی بر مرد واجب است و در اصل بین فقیهان اسلام اختلافی دیده نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۰۱). بر اساس تعالیم دینی، مخارج اقتصادی زوجه به عهده زوج خواهد بود که از آن به نفقه نام برده می‌شود. به طور کلی نفقه شامل موارد مختلفی همچون محل سکونت، خوراک و پوشاک می‌شود. نفقه مفرد نفقات به معنای درهم‌ها و غیر آن است که پرداخته می‌شود و در اصطلاح مالی است که برای تأمین ضروریات زندگی و بقا، لازم و واجب است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۵۳۶). همچنین هزینه خرج هرروزه، مالی که صرف خویشتن یا عیال خود کنند را نفقه گویند. آنهایی که نفقه‌شان بر شخص واجب است، عبارت‌اند از: زوجه دائم، پدر، مادر، فرزند و مملوک چه انسان باشد یا حیوان. در نفقه زوجه شرط است که ناشزه نباشد و در اختیار همسر باشد و اگر زوج از نفقه همسر ناتوان بود، به ذمه‌اش باقی می‌ماند؛ به خلاف اقارب که اگر نداشت، افزون بر اینکه تکلیفی در این باره ندارد، مدیون هم نیست. نفقه مطلقه رجعیه نیز تا هنگامی که در عده است، بر زوج است. مخارج سفر زوجه برای ضرورت شخصی مانند معالجه و امثال آن بر زوج واجب است و اگر برای ادای واجبی چون حج باشد، تنها آن مقدار نفقه که در خانه می‌کرده بر او لازم است و دیگر مخارج بر عهده خود زوجه است. در نفقه زوجه، نیاز شرط نیست؛ ولی در نفقه اقارب می‌باید محتاج باشند (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ص ۱۸۴).

خداوند با بیان نقش مردان در محیط خانواده، به تبیین وظایف و مسئولیت‌های ویژه آنان می‌پردازد و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ: مردان سرپرست و نگهبان زنان‌اند؛ به دلیل برتری‌هایی که خداوند [از نظر نظام اجتماع] برای بعضی دیگر قرار داده است و به دلیل انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند» (نساء: ۳۴). مراد از جمله «بما انفقوا» مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌دهند و نفقه‌ای است که همواره به آنان می‌پردازند (موسوی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۵۴۳).

یکی دیگر از منابع مالی زنان که به نوعی امنیت مالی آنان در جامعه محسوب می‌شود، پرداخت نفقه از سوی شوهر به همسر خویش است. طبق اتفاق نظر مذاهب اسلامی، نفقه برای رفع نیازهای سه‌گانه زن اعم از خوراک، پوشاک و مسکن واجب است و مقدار آن به قدر تمکن

زن و مرد تعیین می‌شود. شمار اندکی از فقیهان، مقدار نفقه را تنها در حدّ کفایت لازم می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۶۶)؛ ولی بیشتر فقیهان، هماهنگی و سازواری هزینه زندگی زن را با شأن وی در نظر گرفته‌اند؛ از جمله محقق حلی (شرایع الاسلام، ج ۱۹، ص ۵۲۰)، علامه حلی (تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۴۷)، فخرالمحققین (ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۲۶۹)، شهید اول (لمعه، ص ۱۷۷)، شهید ثانی (شرح لمعه، ج ۵، ص ۴۶۹)، محقق سبزواری (کفایة الاحکام، ص ۱۹۵)، محقق بحرانی (حدایق الناضره، ج ۲۵، ص ۱۲۴) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۳۰) که این گروه با لفظ «عادة امثالها من اهل بلدها» میزان نفقه واجب را روشن کرده‌اند.

همچنین همه مذاهب اسلامی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که نفقه بر زوجه‌ای واجب است که ناشزه نیست. طبق نظر فقیهان امامیه، نفقه بر زنی که در عده طلاق رجعی باشد، واجب است؛ پس زنی که در عده وطی شبهه یا در عده وفات باشد، نفقه ندارد (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۱۲۹-۱۳۱). افزون بر مسائل واجب و حرام که هر مکلفی در انجام وظیفه خود نیاز به اذن و اجازه دیگری ندارد و زن نیز به اتفاق فقیهان نیازمند اذن شوهر نیست، در دیگر موارد بیشتر قائل به لزوم اطاعت زن از شوهر خویش هستند؛ از جمله بیرون رفتن زن از خانه که بیشتر فقیهان در این باره می‌فرمایند: زن باید از شوهر خویش اجازه بگیرد و برخی بیرون رفتن بدون اجازه شوهر را حرام و برخی از مصادیق نشوز دانسته و وجوب نفقه به زن را از طرف شوهر ساقط می‌دانند. صاحب جواهر قائل است اگر زن بدون اذن شوهرش به سفر مباح یا مستحبی برود، حتی اگر سفرش منافات با حق استمتاع شوهر نیز نداشته باشد، نفقه دادن او بر شوهرش واجب نیست؛ زیرا این کار از مصادیق نشوز است. همچنین وی قائل است «حتی خروج زن از منزل بدون اجازه شوهرش گرچه به مسافرت هم نرود، باعث سقوط نفقه می‌شود» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۱۴).

نفقه شامل غذا، لباس، مسکن، نیازهای زندگی و حتی هزینه آرایش بر اساس شأن زن است؛ همچنین اگر زن به دلیل بیماری یا نقض عضو، به خدمتکار نیاز داشته باشد، بر مرد لازم است که برای او در صورت توانایی خدمتکاری فراهم کند. از جنبه حقوقی این مسئله که بگذریم، توسعه در زندگی و فراهم کردن رفاه خانواده و همسر، سبب رضایت پروردگار می‌گردد (حر عاملی، ۱۴۱۲: ص ۸۳). امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ارضا کم عند الله اوسعکم علی عیاله: محبوب‌ترین شما نزد خداوند کسی است که بر عیال خود وسعت ایجاد کند (حر عاملی،

۱۴۱۲: ص ۱۳۲). به نظر می‌رسد که توجه به این حق، کانون خانواده را آرام و سالم می‌کند و سکون و تعالی را در زندگی پدید می‌آورد و فرصت بیشتری به زنان برای انجام وظایف طبیعی خود می‌دهد (صافی، ۱۴۱۶: ص ۴۴). بنابراین نفقه، حق زینت بخشیدن زن به آشیانه مرد و حقی است که به دنبال ازدواج و انجام وظایف خانوادگی بر عهده مرد و به نفع زن پیدا می‌شود (مطهری، ۱۳۹۶: ص ۳۵). تعبیر نفقه در آیات متعددی از قرآن آمده است؛ مانند آیه ۳۴ سوره «نساء» و آیات ۶-۷ «طلاق» که این کار را به مردان نسبت می‌دهد. بنابراین نفقه امتیازی است که هدف آن تأمین نیازمندی‌های عاطفی، اخلاقی و اقتصادی زن می‌باشد (قرآنی، ۱۳۹۷: ص ۶۵).

۳-۲. شیردهی

خداوند متعال می‌فرماید: «... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...» و اگر برای شما [نوزاد را] شیر می‌دهند، پاداش آنها را بپردازید» (طلاق: ۶). در این آیه به مردانی که زن خود را طلاق داده‌اند و کودک شیرخوار دارند و مادر کودک حاضر است به او شیر دهد، امر کرده است که اگر زنان به نوزادان شما شیر داده‌اند، مزد آنها را بدهید؛ یعنی اگر حاضر شدند نوزاد خود را شیر دهند، بر شما لازم است که اجرت شیردادنشان را بدهید؛ چون اجرت رضایت در حقیقت نفقه فرزند است که به گردن پدر است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ج ۷، ص ۱۲۰). استدلال به این آیه بیان‌کننده این مسئله است که امر به پرداخت دستمزد شیر به زنان، افزون بر اصل مالکیت زن بر آن مال، بر استقلال وی در اداره آن نیز دلالت دارد. سپس در ادامه آیه می‌فرماید: «... وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسَّرِضْ لَهَا أُخْرَى: و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگر شیردادن او را به عهده می‌گیرد» (طلاق: ۶). مفسران در معنای آیه گفته‌اند: اگر زن و مرد در شیردادن به کودک به توافق نرسیدند، به این صورت که یا زن حاضر نیست نوزاد را شیر بدهد یا اجرتی بیش از معمول می‌خواهد، بر پدر لازم است برای تغذیه نوزاد، دایه بگیرد تا نوزادش آسیب نبیند (طبرسی، [بی‌تا]: ج ۱۰، ص ۴۸). اینکه مادر است، درست است؛ اما شیردادن فرزند واجب نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۰۴).

دایگی و شیردادن به نوزادانی که مادرانشان شیر نداشتند یا از دنیا رفته بودند، در زمان‌های گذشته میان زنان معمول بوده است؛ چنان‌که حلیمه سعدیه و چند تن از زنان دیگر برای همین کار به مکه آمدند. دایه‌ها در برابر خدمتی که ارائه می‌کردند و به کودک شیر می‌دادند، مزد می‌گرفتند. قرآن کریم نه تنها از این کار نهی نمی‌کند و مزد در برابر این عمل را اکل مال به باطل

نمی‌داند، بلکه به پدران بچه‌ها امر می‌کند که اگر برای شیردادن با مادر نوزاد به توافق نرسیدید، دایه بگیرید (یوسفی غروی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۲۲). بنابراین دایگی نیز می‌تواند یکی از اشتغال‌های ویژه زنان باشد که قرآن هم به آن اشاره کرده است.

۴-۲. ارث

ارث در فرهنگ عرب جاهلی، برای کسی بود که بتواند به وقت کارزار، اسلحه به دست گیرد و در میدان نبرد حاضر شود و با دشمنان بجنگد. در این فرهنگ، اموال میت نصیب مردان فامیل می‌شد، گرچه از اقوام دور باشند؛ زیرا تنها مردان از عهده این مهم برمی‌آمدند؛ در نتیجه زنان و کودکان از ارث بهره‌ای نداشتند (طوسی، ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۱۲۰). قرآن در چنین فضایی با قاطعیت تمام و با تصریح به «نساء» در برابر «رجال»، در جمله‌ای مستقل حکم ارث زن را در کنار حکم ارث مرد بیان می‌کند: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا». برای مردان، آنچه از پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی است؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد. این سهمی است تعیین شده و پرداختنی «نساء: ۷». لام در «النساء»، لام اختصاص است و دلالت دارد بر اینکه بخشی از اموال میت، سهم زن و مختص اوست. تصریح به «نساء» در برابر «رجال» و داخل کردن لام اختصاص بر هریک از آنها، از اهمیت این مسئله و حساسیتی حکایت دارد که مردم عصر نزول، درباره مالکیت زن بر ارث داشتند. قرآن کریم زنان را نیز مانند مردان، مالک بخشی از ارث دانست و با تشریح ارث زنان، بر فرهنگ بی‌اساس عرب جاهلی خط بطلان کشید و این تفاوت را از میان برداشت (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹: ص ۲۲۵).

همه فقیهان شیعه و سنی بر این باورند که زنان نیز مانند مردان حق ارث دارند و در صورت فوت یکی از بستگان می‌توانند از اموال او ارث ببرند. این اصل بر اساس آیات قرآن کریم از جمله آیه پیش گفته استوار است. آیه پیش گفته به صراحت بیان می‌کند که هم مردان و هم زنان از اموال به‌جامانده از والدین و خویشاوندان، سهمی معین دارند. میزان سهم الارث زن در شرایط مختلف، متفاوت است و در قرآن کریم به طور دقیق مشخص شده است. اما به طور کلی و در بیشتر موارد، سهم الارث زن نصف سهم مرد است. این تفاوت به دلایل مختلفی از جمله

مسئولیت‌های مالی مرد در قبال خانواده توجیه شده است. برخی از مهم‌ترین موارد ارث زن عبارت‌اند از:

ارث زن از شوهر: اگر شوهر فوت کند، زن از اموال او ارث می‌برد. میزان سهم الارث زن از شوهر، با توجه به اینکه شوهر فرزند داشته باشد یا نه، متفاوت است؛ اگر شوهر فرزند داشته باشد، سهم الارث زن یک‌هشتم ($\frac{1}{8}$) از اموال شوهر است. اگر شوهر فرزند نداشته باشد، سهم الارث زن یک‌چهارم ($\frac{1}{4}$) از اموال شوهر است.

ارث زن از والدین: اگر پدر یا مادر فوت کنند، دختر از اموال آنها ارث می‌برد. میزان سهم الارث دختر، بسته به اینکه متوفی فرزند پسر داشته باشد یا نه، متفاوت است؛ اگر متوفی فرزند پسر داشته باشد، سهم الارث دختر نصف سهم الارث پسر است. اگر متوفی فرزند پسر نداشته باشد و فقط یک دختر داشته باشد، تمام اموال به دختر می‌رسد. اگر متوفی فرزند پسر نداشته باشد و چند دختر داشته باشد، دوسوم ($\frac{2}{3}$) اموال به دختران می‌رسد که به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

ارث زن از فرزند: اگر فرزند فوت کند، مادر از اموال او ارث می‌برد. میزان سهم الارث مادر از فرزند، بسته به اینکه متوفی خواهر و برادر داشته باشد یا نه، متفاوت است؛ اگر متوفی خواهر و برادر داشته باشد، سهم الارث مادر یک‌ششم ($\frac{1}{6}$) از اموال فرزند است، اما اگر متوفی خواهر و برادر نداشته باشد، سهم الارث مادر یک‌سوم ($\frac{1}{3}$) از اموال فرزند است.

موارد خاص ارث زن: در برخی موارد خاص، سهم الارث زن با سهم الارث مرد برابر است؛ برای مثال اگر متوفی فقط پدر و مادر داشته باشد، سهم الارث هر یک از آنها یک‌سوم ($\frac{1}{3}$) از اموال متوفی است؛ همچنین در برخی موارد، زن می‌تواند تمام اموال متوفی را به ارث ببرد؛ برای مثال اگر متوفی فقط یک دختر داشته باشد و هیچ وارث دیگری نداشته باشد، تمام اموال به دختر می‌رسد.

اختلاف نظر فقیهان در برخی مسائل جزئی: در برخی مسائل جزئی مربوط به ارث زن، بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد؛ برای مثال در مورد ارث زن از اموال غیرمنقول (مانند زمین و ساختمان) بین فقیهان شیعه و سنی اختلاف نظر وجود دارد. فقیهان اهل سنت معتقدند زن از تمام اموال شوهر از جمله اموال غیرمنقول ارث می‌برد. فقیهان شیعه معتقدند زن از اموال غیرمنقول شوهر فقط در صورتی ارث می‌برد که شوهر فرزند داشته باشد. به طور کلی دیدگاه

فقیهان در خصوص ارث زن، بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام استوار است و هدف آیات و روایات، حفظ حقوق و کرامت زنان و ایجاد جامعه‌ای عادلانه و برابر است. با وجود تفاوت در میزان سهم الارث زن و مرد در برخی موارد، فقیهان معتقدند که این تفاوت به دلیل تفاوت در مسئولیت‌های مالی آنهاست و نباید تبعیض علیه زنان دانسته شود (اسلامپور کریمی، ۱۳۸۳: شماره ۳۵).

نتیجه

با تأمین شدن امنیت اقتصادی زن، آسایش و آرامش ایجاد می‌شود و زن در فعالیت‌های خود بهتر عمل می‌کند. از نظر قرآن، حقیقت وجود زن و مرد یکسان است. همچنین از دیدگاه اسلام، حقوق اقتصادی زنان به رسمیت شناخته شده است. از نظر اسلام، زنان از استقلال مالی برخوردار هستند و می‌توانند در مورد اموالی که با استفاده از آیات و روایات ثابت شد، جواز هرگونه تصرف در آنها را داشته باشند. در نتیجه با توجه به حقوقی که برای زنان در نظر گرفته شده است، می‌توانند در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه به شیوه‌های مختلف ایفای نقش کنند. با توجه به اینکه شرع مقدس اسلام در همه ابعاد به صورت جامع و دقیق حدود و مرزها را برای انسان‌ها تشریع کرده است، حد و مرز وظایف یک مرد مسلمان در برابر نیازهای مادی همسرش را نیز تبیین نموده است. مرد از طریق پرداخت مهریه، نفقه و حقوقی که برای زن تعیین کرده است، می‌تواند آرامش زن را در تأمین اقتصاد مالی برای او تأمین کند.

کتاب‌نامه

۱. ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲. آذربایجانی، مسعود، «اشتغال زن در اسلام»، فصلنامه زنان و خانواده، ش ۳، ۱۳۸۸ ش.
۳. اسلامپور کریمی، عسکری، «ارث زن و مرد در اسلام»، رواق اندیشه، ش ۳۵، ۱۳۸۳ ش.
۴. اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۹ ش.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناظره، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۶. بوزان، باری، چارچوبی تازه برای امنیت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۲ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۰ ش.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۹. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران: مؤسسه فرهنگی ارایه، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. حلی، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. خوانساری، احمد بن یوسف، جامع المدارک، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ش.
۱۲. خوش‌فر، غلامرضا، «نقش امنیت در تحقق قانون‌گرایی در جامعه»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۴۳ - ۱۴۴، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیه، ۱۹۹۲ م.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، هدایة العباد، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۶ ق.
۱۶. طاهری‌نیا، احمد، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه: احمد بهشتی، تهران: فراهانی، [بی‌تا].
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۶۰ ش.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قیصر عاملی، [بی‌جا]: مکتب الاعلام، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، محقق: مهدی محقق، [بی‌جا]: مؤسسه العلمی للمطبوعات، ۱۹۲۰ م.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۷ ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. لویس، قدیر، خودآموز اقتصاد، ترجمه: فیروزه خلعتبری، تهران: شرکت شبانیز، ۱۳۶۶ ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، تهران: انتشارات مهام، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. محقق، محمدباقر، حقوق مدنی زوجین، قم: بنیاد قرآن، ۱۳۶۰ ش.
۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: کبیر، ۱۳۶۳ ش.

۲۹. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۹ ق.
۳۰. موسوی، محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۶ ش.
۳۲. مؤمن، محمدباقر، کفایة الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۳۳. نجاریان، بهمن، زن و حقوق، تهران: مسیر، ۱۳۷۵ ش.
۳۴. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. نظری، حسن، نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۹۶ ش.
۳۶. نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴ ش.
۳۷. ویلیامز، ریموند، فرهنگ و جامعه، موسوی و بیگی، تهران: نگاه، ۱۴۰۰ ش.
۳۸. یوسفی غروی، محمدهادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه: حسین علی عربی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش

تبیین رابطه امنیت و نشاط اجتماعی با عفاف

زینب احمدی بیدگلی*

چکیده

امنیت، یکی از نیازهای اصلی انسان است که نشاط اجتماعی، پویایی و مفیدبودن افراد جامعه را دربر دارد. با توجه به ارتباط تنگاتنگ امنیت و نشاط اجتماعی، هر دو مقوله در راستای تقویت عفاف افزایش پیدا می‌کنند. یکی از مصادیق تحقق امنیت و نشاط اجتماعی، عفاف است که ضامن سلامت فرد و جامعه به‌ویژه زنان است. ارتباط این دو مؤلفه با عفاف در زمینه تأثیرات فردی آن با امنیت و نشاط اجتماعی در تکریم شخصیت زنان، آرامش روانی، کاهش مفاسد اخلاقی و تقویت نهاد خانواده روشن می‌شود و از جمله آثار اجتماعی آن، شکوفایی علمی و اقتصادی، استحکام نظام اجتماع، کاهش مفاسد اخلاقی در جامعه و حضور سازنده زنان در جوامع است. در صورت فقدان یا اختلال عفاف، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده‌ای برای فرد و جامعه به وجود می‌آید که بارزترین آنها، نابودی امنیت و نشاط اجتماعی است. با ازبین‌رفتن عفاف در جامعه، انحراف‌های اجتماعی بیشتر می‌شود و زمینه‌های شکل‌گیری کج‌روی در سطح جامعه بیشترین دلهره را ایجاد خواهد کرد. هدف اصلی پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته می‌شود، تأمین عفاف در راستای تقویت امنیت و نشاط اجتماعی است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت اجتماعی، نشاط، نشاط اجتماعی، عفاف، زن.

* مدرسه علمیة حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، شهرستان آران و بیدگل.

مقدمه

عفاف نیاز فطری زن، زینت گوهر روح و دژ محکم امنیتی اوست که در جایگاه یک حفاظ باطنی، مصونیت اخلاقی، خانوادگی و از همه مهم‌تر امنیت اجتماعی را فراهم می‌کند. زنان در پرتو حفظ این ارزش، عامل نیرومندی برای ارتقای امنیت و نشاط اجتماعی هستند.

نشاط اجتماعی، پویایی و مفیدبودن افراد جامعه را دربر دارد که در راستای تقویت آن، امنیت اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند. وجود شهروندانی بانشاط و شاداب، می‌تواند جامعه را در مسیر توسعه و پیشرفت و رسیدن به آرمان‌های انسانی خود سوق دهد تا به اهداف مهمی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دست یابد. با وجود نشاط اجتماعی در جامعه، رضایت از زندگی و سلامت روانی فردی و اجتماعی افزایش می‌یابد و آسیب‌های اجتماعی نیز کاسته می‌شود؛ زیرا مشارکت و مسئولیت‌پذیری در میان مردم بیشتر می‌شود که احساس امنیت را برای افراد جامعه رقم خواهد زد.

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و توسعه علمی بشر، نیاز به اخلاق، معنویت و ارزش‌های انسانی بیشتر شده است. امنیت در سطح جوامع بشری، ناشی از استمرار وجود ارزش‌هایی انسانی چون نظم، همکاری اجتماعی، عفاف و... است که به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطر، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ارتقای سطح زندگی اجتماعی می‌پردازد. از طرفی بیگانگان با تبلیغات نادرست، درصدد برهم‌زدن امنیت جوامع برای منافع خود هستند و عفت زنان را مانع رسیدن به مدارج عالی تحصیلی و فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند. بنابراین یکی از ضرورت‌های جوامع انسانی، رعایت و ترویج عفاف در زنان به شمار می‌آید که منافع و آثار شگرفی در جامعه پدیدار می‌کند و رعایت نکردن آن، زیان‌ها و آثار ویران‌کننده‌ای در فرهنگ عمومی اجتماع بر جای گذاشته است.

مسئله حفظ عفاف، ویژه دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان نیست، بلکه بر اساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم به آن توجه کرده‌اند. عفت به لحاظ آثار فردی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در جامعه بشری از بدو تولد انسان تاکنون داشته است؛ ازاین‌رو با ایجاد فضایی امن و سالم، بالندگی انسان در جهات مثبت و زمینه‌های مختلف فکری و علمی را سبب می‌شود.

نویسندگان و پژوهشگران زیادی کوشیده‌اند اهمیت نقش عفاف در سلامت و امنیت جامعه را بیان کنند؛ اما کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای به طور مستقل درباره تبیین رابطه امنیت و نشاط اجتماعی با عفاف نوشته نشده است. البته آثاری از جمله کتاب مسئله حجاب از مرتضی مطهری، درباره فلسفه پوشش اسلامی و آثار آن در آرامش روانی افراد سخن به میان آورده است؛ ولی درباره رابطه عفاف با نشاط افراد جامعه مباحثی مطرح نشده است. کتاب حجاب از دیدگاه قرآن و سنت نوشته فتحیه فتاحی زاده درباره پوشش و حرمت بخشیدن به زنان مطالبی را عنوان می‌کند، ولی به نقش عفاف در ایجاد آرامش بین افراد جامعه پرداخته است. مقاله «آثار فردی و اجتماعی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی زنان» اثر سعید غیرتمند و همکاران، به رابطه بین حجاب و آثار فردی و اجتماعی آن با حجاب پرداخته است، ولی به تبیین رابطه عفاف با امنیت و نشاط فردی و اجتماعی نمی‌پردازد.

این مقاله ابتدا به مفاهیم کلیدی می‌پردازد و سپس رابطه عفاف با این دو مؤلفه را تبیین می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. امنیت

«امنیت» در لغت به معنای درامان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۸۹: ص ۲۳۲)؛ اما در اصطلاح به معنای دوری از هرگونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرهایست. امنیت مفهومی نسبی و دارای شدت و ضعف است؛ به این معنا که در برخی موقعیت‌ها (زمان و مکان‌های مختلف) در ذهن افراد ارتقا یا کاهش می‌یابد. امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است (آشوری، ۱۳۸۷: ص ۳۸).

۱-۲. امنیت اجتماعی

«امنیت اجتماعی» ناشی از استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی مانند نظم، وفاق، همکاری اجتماعی و ... است که به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرهای، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ارتقای سطح زندگی می‌پردازد. کارکرد امنیت اجتماعی را می‌توان نوعی توانمندی جامعه برای مراقبت از ویژگی‌های بنیادی گروه‌های اجتماعی و قومی در برابر تغییرات و تهدیدهای عینی دانست (<https://anthropologyandculture.com>).

۱-۳. نشاط اجتماعی

«نشاط اجتماعی» مجموعه‌ای از عواملی است که در تقویت یا کاهش نشاط افراد جامعه تأثیر بسزایی دارد؛ به گونه‌ای که انسان نیازهای درونی خود را از طریق جامعه و هنجارهای معمول آن می‌پذیرد. انسان تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس شادی، خوشبختی و سعادت نمی‌کند (کامرانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۵۶)؛ بنابراین احساس نشاط اجتماعی یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌ها برای مقابله با مشکلات اجتماعی است.

۱-۴. عفاف

«عفاف» در زبان عرب از ریشه «ع. ف. ف» است و با فتح حرف اول، به معنای «عفاف، پارسایی و پرهیزکاری، نهفتگی، پاکدامنی، خویشنداری» است (نادری، ۱۳۹۱: ص ۱). عفت در اصطلاح به معنای پدیدآمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از زیاده‌خواهی شهوت جلوگیری می‌کند. از آنجاکه عفاف به معنای خودداری و خودنگهداری از هرگونه امر ناپسند است، همین امر قلمرو عفاف را توسعه بخشیده و تمام اعضای ظاهری و تمام قوای باطنی بدن را فرامی‌گیرد و به همه ابعاد وجودی انسان سرایت می‌کند (نادری، ۱۳۹۱: ص ۱).

۲. نقش عفاف در ایجاد آرامش و نشاط بین افراد جامعه

عفاف زنان در جامعه نقش پررنگی را ایفا می‌کند که به آرامش و نشاط بین افراد جامعه می‌انجامد. یکی از فلسفه‌های حقیقی وجوب حجاب و عفاف در جامعه، حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد، عمق و معنابخشیدن به امنیت اجتماعی با توسعه آن است؛ زیرا نفس آدمی، دریایی موج از تمایلات و خواسته‌های اوست که مهم‌ترین آنها به غریزه جنسی، خوردن، مال و مقام مربوط می‌شود و بدون شک بالاترین خواسته‌های مردان، تمایل به جنس زن است (غیرتمند و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۶۷). در سخنان عارفان آمده است: «أَعْظَمُ الشَّهْوَةِ، شَهْوَةُ النِّسَاءِ: بزرگ‌ترین خواسته‌های مرد، رغبت به زنان است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ص ۱۷۷). ارائه زیبایی‌ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان دامن می‌زند و آنها را به یک کانون جدی خطر بدل می‌کند که به سلب آرامش زن و امنیت اجتماعی منتهی می‌گردد. آنچه می‌تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان گرسنه نامحرمان است که با حجاب کامل اسلامی در سایه عفاف عملی خواهد شد (اکبری، ۱۳۷۷: ص ۱۴-۱۶).

پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان، پوشش دینی است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در وسعت بخشیدن امنیت اجتماعی می‌دانند و نجابتش را می‌ستایند. زن در این حالت نه تنها در سنگر عفاف و حجاب از تیر نگاه‌های زهرآلود، سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امنیت و آرامش درونی خود و اجتماع را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفانی شایان ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی خطاب به زنان است: «ای زن، آگاه باش، دنیا خراب‌آبادی است که هر نقطه آن به مین‌های شیطان و نگاه‌های آلوده ناامن شده است. اما فرشته‌های حجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیتی بی‌نظیر به سر می‌برند که دیگران از طعم آن بی‌خبرند» (اکبری، ۱۳۷۷: ص ۱۹۰-۱۹۳). بنابراین سنگر عفاف برای زنان می‌تواند پناهگاه امنی را ایجاد کند تا در سایه آن، امنیت و نشاط بین افراد جامعه برقرار شود.

یکی از مصادیق تحقق امنیت و نشاط اجتماعی، رعایت عفاف در جامعه است که می‌توان در زمینه‌های مختلفی از جمله فردی و اجتماعی بررسی کرد.

۲-۱. آثار فردی

از تأثیرگذارترین پیامدهایی که گسترش عفاف به دنبال دارد، تأثیر در فرد است که در ادامه به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود.

۲-۱-۱. تکریم شخصیت زنان

یکی از مهم‌ترین آثار گسترش عفاف در جامعه، تکریم شخصیت زنان است که نقشی اساسی در نشاط و امنیت اجتماعی دارد. زنان عفیف، تجسم حرمت و عفت در جامعه هستند و پوشش آنها نیز نوعی احترام‌گذاردن و محافظت آنها از نگاه‌های شهوانی است. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام می‌فرمایند: «خیر النساء أن لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال: بهترین زنان، زنی است که مردی را نبیند و مردی هم او را نبیند» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ص ۲۳۲). عفت زن به دیگران این پیام را می‌دهد که نباید او را به چشم ابزاری برای مطامع گوناگون نفسانی نگاه کرد و ارزش واقعی‌اش، ظاهر او و داشتن جاذبه‌های جنسی او نیست، بلکه کمالات روحی و توانایی‌ها و قابلیت‌های اوست (شجاعی، ۱۳۸۶: ص ۸۴).

هرگاه زن حدود را رعایت نکند، هر بیمار دلی به او طمع می‌نماید و با نگاه آلوده‌اش حریم او

را می‌شکند و در این موقع زن احساس ناامنی خواهد کرد و نشاط اجتماعی او از بین خواهد رفت؛ چون این زن نمی‌تواند با امنیت کامل در جامعه حضور پیدا کند و این مسئله حاصل عملکردی است که زن با سلب عفت از خود برای خویشتن رقم زده است.

زن شخصیتی است که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند تا جامعه سالم بماند؛ اما چنانچه تحت تأثیر چشمان آلوده به گناه، به طرف شهوات سوق داده شود و هویت واقعی‌اش را فراموش کند و در چنگال بیمار دلان و هوس‌بازان گرفتار آید، از منش انسانی سقوط می‌کند و نمی‌تواند فرزندان سالم به جامعه عرضه نماید (فتاحی‌زاده، ۱۳۹۷: ص ۷۹). از طرفی سلامت و پویایی جامعه نیز در گرو داشتن نسلی سالم است؛ بنابراین عفاف عامل مؤثری در حرمت‌بخشی و تکریم زنان است و این حرمت‌بخشی موجب سلامت جامعه و نسل آینده خواهد شد که آرامش جامعه و به دنبال خود نشاط اجتماعی را دربر دارد.

زنان با حضور عقیقانه خود در جامعه افزون بر حفظ کرامت شخصی خود به امنیت و آرامش جامعه کمک شایانی می‌کنند که نشاط اجتماعی را در پی خواهد داشت.

۲-۱-۲. آرامش روانی

آرامش روانی زنان از برکات عفاف است که به نشاط و امنیت جامعه می‌انجامد. نفس آدمی دریایی از خواستنی‌ها و تمایلات است. زمانی که نفس به چیزی رغبت پیدا کند، همانند دریا طوفانی می‌شود و تنها راه آرام‌شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است (غیرتمند و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۶۷). بنابراین عفاف دستور مؤکدی برای زنان و مردان است تا با تعدیل عواطف و تمایلات و ایجاد مصونیت، حضور فعال در اجتماع را فارغ از نگاه جنسیتی و بر مبنای برابری بین زن و مرد نهادینه کند.

عفت، نگاهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است و به او آرامش می‌بخشد تا با خیالی آسوده در جامعه حضور یابد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ قَلَّ أَسْفُهُ وَ أَمِنْ تَلَفُهُ: هر کس نگاهش را از نامحرم فروبندد، اندوهش اندک می‌شود و از تباه‌شدن آسوده می‌گردد» (خوانساری، ۱۳۶۶: ص ۴۴۹). به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین گام برای ایجاد آرامش و سلامت روان، عفاف در پرتو خودشناسی است. فرد با رعایت عفاف هم در گفتار و هم در رفتار می‌تواند آرامش روان و آسودگی خاطر بیابد و با دوری از هرگونه تشویش و نگرانی، به نشاط

اجتماعی دست پیدا می‌کند و در صحنه‌های مختلف جامعه حاضر می‌شود.

در حقیقت پیکر زن جلب‌کننده است؛ بنابراین اگر در حصار پوشش قرار نگیرد، در معرض آسیب‌ها قرار خواهد گرفت. عفاف مانند دژی محکم زن را از تیررس نگاه‌های شیطانی و هوس‌آلود بازمی‌دارد تا با روانی آسوده به فعالیت‌های اجتماعی بپردازد؛ همچنین جایگاهی است که زن وجود و شخصیت خود را در آن سامان می‌بخشد و مسیر رشد و پیشرفت او را در جامعه همتای مردان قرار می‌دهد.

زنان در سنگر عفاف، از گزند دل‌های بیمار در امان هستند و به آرامش روانی در جامعه می‌رسند که به دنبال آن امنیت و نشاط اجتماعی پدید خواهد آمد.

۳-۱-۲. کاهش فساد اخلاقی

از جمله بارزترین کارکردهای عفاف در جامعه، کاهش فساد اخلاقی زنان است که در آرامش روانی و نشاط اجتماعی تأثیر فراوانی دارد. انسان عفیف، مقامی ارزشمند نزد خداوند متعال دارد و تا جایی می‌تواند اوج بگیرد که هم‌ردیف مجاهدان شهید در راه خدا و فرشتگان به حساب می‌آید؛ زیرا با وجود توان بر گناه، چشم می‌پوشد و پاک می‌ماند. رسول خدا ﷺ درباره طاعت و جلب محبت الهی می‌فرمایند: «أَحَبُّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ: محبوب‌ترین مؤمنان نزد خداوند متعال کسی است که در راه فرمانبری خدا بکوشد» (دیلمی، ۱۴۱۲: ص ۲۱۳). بنابراین عفاف ابزاری ضروری است تا انسان بتواند روح خود را به تعالی برساند و از گزند آسیب‌های اجتماعی دور بماند.

افزایش بی‌عفتی، آمار طلاق و بی‌بندوباری را در جامعه بالا می‌برد و در مقابل از تعداد ازدواج‌ها و روابط سالم خانوادگی کاسته می‌شود؛ زیرا با وجود روابط و معاشرت‌های نامشروع زنان بی‌عفت در سطح جامعه، ازدواج تنها به صورت یک مسئولیت سنگین و عملی پرهزینه جلوه می‌کند. با گرایش نداشتن جوانان به ازدواج، سلامت اخلاقی جامعه نیز به خطر می‌افتد و دامنه فساد گسترش پیدا می‌کند. چه بسا زنانی که سال‌های متمادی در غم و شادی، کنار همسران خود زندگی می‌کنند و به طور طبیعی چهره جوانی خویش را از دست داده‌اند و اکنون نیازمند آرامش و زندگی پر از عاطفه در کنار همسرانشان هستند. در این هنگام زنان بی‌عفتی که متاع هر کوچه و بازاری هستند، از راه می‌رسند و در مسیر زندگی آنها قرار می‌گیرند و اساس خانواده‌ای را

که سال‌ها با عشق و مشقت زیاد پرورش یافته را بر هم می‌زنند (غیرتمند و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۷۳ - ۱۷۴). در محیطی که فساد اخلاقی فراگیر باشد، زنان جامعه دارای روان‌پریشی می‌شوند که شادابی و نشاط خانواده و جامعه را متزلزل می‌کند و مسیر توسعه و پیشرفت کشور را به عقب می‌راند؛ از این رو ناامنی در جامعه حاکم خواهد شد.

اگر مردان در جامعه به تعبیر قرآن، حافظ نگاه خود باشند، بسیاری از این مشکلات قابل پیشگیری است. خداوند می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» بگو به مؤمنان که چشم فرو بندند و شرگاه خود را حفظ کنند؛ این برای آنها پاکیزه‌تر است» (نور: ۳۰).

عفت زنان سبب می‌شود عزت نفس داشته باشند و خود را بازیچه دست هوس‌بازان نکنند و در کمال آرامش در کنار دیگر اقشار جامعه فعالیت کنند؛ بنابراین فساد اخلاقی در جامعه کاهش می‌یابد و جامعه سالم و امن خواهد بود. بنابراین رعایت عفاف افزون بر حفظ امنیت جامعه، از فساد اخلاقی زنان می‌کاهد که در افزایش نشاط جامعه تأثیر فراوانی دارد.

۴-۱-۲. تقویت نهاد خانواده

از اولین آثار رعایت عفاف، تقویت نهاد خانواده در جایگاه کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که در امنیت و نشاط جامعه تأثیر بسزایی دارد. بی‌شک نهاد خانواده، تنها با پاسداری از عفاف و پاکدامنی، درخشش و بالندگی لازم را پیدا می‌کند. خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» به زنان مؤمن بگو چشم‌های خود را از نگاه‌های هوس‌آلود فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز از آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه افکنند» (نور: ۳۱). خداوند در این آیه به زنان امر می‌کند همه بدن خود به جز صورت‌ها و دست‌ها از مچ تا انگشتان را بپوشانند. این امر سبب ایجاد روابط صمیمانه زن و شوهر و منحصرشدن لذت‌های جنسی به محیط خانواده و در محدوده ازدواج می‌شود. افزون بر آن همسر قانونی در نزد فرد تنها عامل ارضای نیازهای جنسی تلقی می‌شود؛ در نتیجه پیوند زناشویی محکم‌تر می‌گردد که به استحکام نهاد خانواده منجر می‌شود؛ درحالی‌که زنان با خودآرایی و پوشش نامناسب در محیط اجتماع، زندگی خانوادگی

خود و دیگر افراد جامعه را به خطر می اندازند و با کشاندن جاذبه های جنسی خود به کوچه و بازار، افراد جامعه را همیشه در حالت نوعی مقایسه قرار می دهند که این امر اختلاف های زیادی را درون خانواده ها باعث می شود.

عفاف موجب مصونیت زن و مرد از آشفته گی های ذهنی، بیماری روحی و روانی می شود و از انحطاط اخلاقی جامعه و از هم پاشیدگی خانواده ها جلوگیری می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ: در دیدگاه خدای تعالی، هیچ نهادی در اسلام محبوب تر و عزیز تر از خانواده برپا نشده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ص ۲۲۲). از آنجاکه خانواده بنیادی ترین تشکّل اجتماعی یک جامعه به شمار می آید، با گسترش عفاف در خانواده، روابط زناشویی مستحکم تر و سبب تقویت بنیان خانواده می شود که امنیت جامعه را رقم خواهد زد؛ همچنین امنیت اجتماعی، پویایی و نشاط افراد جامعه را در پی دارد. در نتیجه زنان می توانند با رعایت عفاف در همه ابعاد آن و با دوری از ایجاد وسوسه های شیطانی، به استحکام خانواده ها کمک نمایند و امنیت و نشاط جامعه را حفظ کنند.

۲-۲. آثار اجتماعی

یکی دیگر از آثار گسترش عفاف بر امنیت و نشاط اجتماعی، تأثیرات اجتماعی است که در ادامه به مهم ترین موارد آن اشاره می شود.

۲-۲-۱. شکوفایی علمی و اقتصادی

یکی از کارکردهای حفظ عفاف در جامعه، شکوفایی علمی و اقتصادی است که نشاط و امنیت اجتماعی را تقویت خواهد کرد. امروزه نشاط افراد بیشتر از هر زمان دیگری ضرورت دارد که لازمه آن داشتن جامعه ای پویا و فعال است. با نشاط اجتماعی می توان به اهداف مهم در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... دست یافت (علوی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۱). بی تردید شکوفایی علمی و اقتصادی عامل مؤثری در پویایی و توسعه همه جانبه جامعه است و از آنجاکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند، می توانند نقش مؤثری در شکوفایی علمی و اقتصادی آن داشته باشند. بنابراین ابتدال و بی عفتی زنان نه تنها شرایط مناسب جامعه را برای رشد و شکوفایی علمی و اقتصادی بر هم خواهد زد، بلکه تأثیر فراوانی در تضعیف روحیه علم جویی خود زنان و هدر رفتن منابع مالی آنان خواهد داشت. زنی که عفت خود را دست مایه هوس بازان

قرار می‌دهد و هر روز برای خودنمایی بیشتر و استفاده از مدهای جدید مبالغه‌گفتی هزینه می‌کند، دیگر نه تنها علاقه‌ای به فراگیری علم و بالابردن سطح معلومات خود ندارد، بلکه وقت و زمانی برای او باقی نخواهد ماند (مطهری، ۱۳۷۷: ص ۹۴).

بنابراین رعایت عفاف، عامل مهمی در جلوگیری از خودنمایی زنان است که این آثار را در پی دارد:

- الف) از ورود زنان به ورطه‌ی مدها و پوشش‌های کاذب و غیراسلامی جلوگیری می‌کند و موجب هزینه‌شدن درست منابع مالی آنها و در نتیجه تقویت بنیه اقتصادی کشور خواهد شد.
- ب) زمینه‌های لازم را برای حضور سازنده زنان در عرصه‌های علمی و پژوهشی فراهم خواهد کرد که در نهایت منجر به رشد و شکوفایی علمی جامعه خواهد شد (غیرتمند و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۷۸). از این رو عفت زنان در جامعه سبب پرورش استعدادها و پیشرفت اقتصادی کشور می‌شود و نشاط و آرامش جامعه را در پی خواهد داشت.

۲-۲-۲. استحکام نظام اجتماع

یکی از آثار اجتماعی عفاف، استحکام نظام جامعه است که در امنیت و نشاط آن تأثیر بسیاری دارد. از عواملی که موجب تقویت بنیان جامعه و رشد و پویایی آن می‌شود، تلاش برای کاستن مفاسد و به همان نسبت رشد و توسعه ارزش‌ها و فضایل اخلاقی بین افراد جامعه است. عفاف از جمله فضایل اخلاقی به شمار می‌رود که همواره در سلامت و استحکام جامعه تأثیرگذار است. جامعه‌ای که فساد در آن رو به گسترش باشد، محکوم به نابودی است و زندگی افراد در آن از خوشبختی به پستی کشیده خواهد شد (غیرتمند و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۷۶).

عفاف یکی از عوامل اصلی در پیکره اجتماع و اثرگذار بر روح و جسم آدمی است؛ زیرا هر جامعه‌ای برای اثبات و رشد و بالندگی خود به سلامت جسمی و روانی نیاز دارد. هر فردی در جامعه خود مسئول است و بیشتر مسئولیت‌های زنان به عفاف آنها بستگی دارد. پس توجه به مقوله عفاف از ضرورت‌های یک جامعه به شمار می‌رود. زنان عقیف می‌توانند افزون بر تقویت بنیان خانواده و تربیت صحیح فرزندان، مسئولیتی را در جامعه بر دوش گیرند و در راستای بالابردن استحکام نظام اجتماع نقش بسزایی را ایفا کنند؛ اما اگر عفاف خود را پاسدار نباشند، از عهده انجام این‌گونه مسئولیت‌ها بر نمی‌آیند و به مسئولیت‌های مادری و همسری‌شان نیز لطمه وارد می‌کنند (<https://www.irna.ir/news>).

زنان با عفت خود، خانواده را استوار و پابرجا می‌سازند و بیهوده افراد را تحریک نمی‌کنند و هوس‌ها را بر نمی‌انگیزند و مردها را به مفسده نمی‌کشانند. بنابراین می‌توانند با حفظ عفاف، بزرگ‌ترین و ارزنده‌ترین خدمات را به خانواده‌ها، جوان‌ها و بالاخره جامعه کنند؛ زیرا اخلاق و پاکی را در جامعه برقرار می‌کنند و به استحکام پایه‌های نظام تداوم می‌بخشند (رهنما و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۵۱). بنابراین استحکام نظام اجتماع بر پایه عفت زنان استوار می‌گردد که امنیت و نشاط جامعه را رقم خواهد زد.

۲-۲-۳. کاهش چشمگیر مفاسد اخلاقی

گسترش عفاف در جامعه تأثیر بسزایی در کاهش رذایل اخلاقی دارد که می‌توان کاهش چشمگیر مفاسد اخلاقی را ذیل آن قرار داد. عفت در جایگاه خصلتی انسانی، مبنای روابط افراد در فرهنگ جوامع است و هر عملکردی که منافی عفت باشد، سلامت اخلاق اجتماعی را به خطر خواهد انداخت. از آنجاکه باید هر آنچه به سلامت جامعه لطمه می‌زند، ریشه‌کن شود و هر چه سلامت اخلاق اجتماعی را تضمین می‌کند، تقویت گردد، در جوامعی که بی‌عفتی حکم فرماست، اخلاق جامعه به شدت آسیب دیده و برای اصلاح آن چاره‌ای جز بازگشت به ارزش ریشه‌ای عفاف وجود ندارد. از طرفی میل به خودنمایی و جلوه‌گری در سرشت زن نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی‌گمان این گرایش در وجود زن، اگر همچون سایر میل‌ها به درستی به کار گرفته شود، ثمره‌های مطلوبی خواهد داشت و برای کمال او کارآمد خواهد بود؛ اما اگر این گرایش بدون حد و مرز باشد، به یقین فسادآفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه‌های ناهنجاری در جامعه تأثیر خواهد گذاشت. قرآن مجید هم در موارد متعددی به زنان هشدار می‌دهد از انجام کارهایی که سبب خودنمایی‌های مفسده‌انگیز می‌شود، خودداری کنند: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى: مانند جاهلیت نخستین، با خودنمایی و خودآرایی از خانه خارج نشوید» (احزاب: ۳۳). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خداوند در این آیه به زنان هشدار می‌دهد که با خودآرایی و خودنمایی، خود را گرفتار جاهلیت دیگری می‌نمایند. سعی کنید در هر دوره‌ای با حفظ شئون، عفت اجتماعی را پاس داشته و فضای جامعه را آلوده نسازید» (طباطبایی، ۱۳۴۸: ص ۳۰۹).

زیبایی زن برای او سرمایه است؛ اما باید به‌جا و درست مصرف شود و زکات جمال زن

همان رعایت حریم عفاف است (فتاحی‌زاده، ۱۳۹۷: ص ۸۰-۸۱)؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «زکات الجمال، العفاف: زکات زیبایی، عفاف است» (آمدی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۵). بنابراین حفظ غریزه خودنمایی زنان در جامعه گامی مؤثر برای مبارزه با مفسد اخلاقی و خواش‌های نفسانی است که امنیت و نشاط اجتماعی را فراهم خواهد کرد.

۴-۲-۲. حضور سازنده زنان در جامعه

ازجمله آثار گسترش عفت بانوان، حضور سازنده آنان در جامعه برای پیشرفت در همه زمینه‌ها و ایجاد نشاط و امنیت کشور است. از جمله ویژگی‌های بارز آن، عفاف است که در زمینه پوشش باطنی زنان در جامعه می‌تواند محیط اجتماع را از لذت‌های ناهنجار جنسی پاک کند و راه را برای حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در جامعه بگستراند. اما در سوی دیگر بی‌عفتی عامل سوق‌دادن لذت‌های جنسی از محیط خانواده به اجتماع شده و سبب تضعیف حضور سازنده زنان در جامعه و برهم‌زدن امنیت اجتماعی آنان خواهد شد (مطهری، ۱۳۷۷: ص ۹۲-۹۳).

بی‌تردید اندام زن به‌ویژه اگر آراسته شود، جذاب و هوس‌انگیز است. از سوی دیگر زن، بخش عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه را شکل می‌دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند نقش‌آفرینی کند. عفاف و حجاب درحقیقت جواز حضور زنان در اجتماع را رقم می‌زند و جلوی فساد گستره و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط مرد و زن را خواهد گرفت (فتاحی‌زاده، ۱۳۹۷: ص ۸۱-۸۲).

استاد جوادی آملی می‌نویسد:

بنا بر آیه ۱۹ سوره "نساء"، قرآن ما را متوجه یک مطلب مهم می‌کند و می‌فرماید: با زن‌ها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامعتان راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آنها در مجامعتان شرکت کنند، این کار ناخوشایند را بکنید؛ چراکه ممکن است خیر فراوانی در آن باشد و شما نمی‌دانید. حضور زنان در صحنه، همیشگی است و این حیات اجتماعی زن است که می‌تواند در مسئله فرهنگ، تربیت، جهاد و دفاع سهم مؤثری را ایفا کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۲۱۷).

بنابراین زنان با رعایت عفاف، نه تنها جامعه را از آلودگی و بی‌بندوباری جنسی و هوس‌بازی حفظ می‌کنند، بلکه خود نیرویی کارآمد و اثربخش در جامعه خواهند بود و حضوری سالم، سازنده و مفید خواهند داشت که اگر این‌گونه شود، مسیر ترقی و رشد برای آن جامعه فراهم خواهد شد.

نتیجه

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، امنیت و نشاط اجتماعی است که عفاف از مصداق‌های آن به شمار می‌رود. تحقق عفاف در جامعه بسترساز امنیت و نشاط اجتماعی است. اگر عفاف در جامعه وجود نداشته باشد، مفاسد اخلاقی و حتی بیماری‌های روانی بیشتر می‌شود. افراد جامعه به‌ویژه زنان در پرتو حفظ ارزش عفاف می‌توانند در جهت سلامت و امنیت جامعه مؤثر باشند که نشاط و پویایی عمومی را برای هر فرد در دو بعد فردی و اجتماعی دربر می‌گیرد و امید را در افراد جامعه ایجاد می‌کند. بنابراین حضور سازنده زنان در جامعه در توسعه و سلامت روانی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند و در صورتی این سازندگی حضور آشکار می‌شود که زن با تدین و عفاف بتواند کارهای جامعه را انجام دهد.

بنابراین هرچه عفاف در جامعه بیشتر باشد، امنیت و نشاط اجتماعی بیشتر در جامعه رخ می‌نماید؛ زیرا زنان با آزادی بیشتر در جامعه حاضر می‌شوند و این امر زمینه‌ساز امید و توسعه اجتماعی می‌شود.

کتاب‌نامه

۱. اکبری، محمدرضا، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، چ ۴، اصفهان: پیام عترت، ۱۳۷۷.
۲. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چ ۱۶، تهران: مروارید، ۱۳۸۷ ش.
۳. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین و همکاران، شرح غرر الحکم (خوانساری)، ج ۵، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم: کلمات قصار امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۴، قم: مؤسسه امام عصر علیه السلام، ۱۳۸۱ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال الهی، قم: اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۸. رهنما، اکبر و همکاران، «بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن»، فصلنامه معارف قرآنی، ش ۲۲، ۱۳۹۶ ش.

۹. شجاعی، محمد، دُرّ و صدف، چ ۶، [بی جا]: نشر محیی، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۴۸ ش.
۱۱. علوی، مصطفی، نشاط و شادی در اندیشه و سیره امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ویراستار: اعظم گرامی فاتح، تهران: پارمیس، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. غیرتمند، سعید و همکاران، «آثار فردی و اجتماعی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی زنان»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۰۳، ۱۳۹۳ ش.
۱۴. فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چ ۱۱، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۷ ش.
۱۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجبه البيضاء، چ ۴، ج ۵، قم: جامعه المدرسین بقم، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. کامرانی‌پور، معصومه و همکاران، «تعریف نشاط و راهکارهای عملی در ارتقای نشاط اجتماعی»، فصلنامه بهروز، ش ۱۰۳، ۱۳۹۸ ش.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چ ۴۹، تهران: صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. نادری، سمیه، «راهکارهای گسترش عفاف در جامعه و آثار آن»، فصلنامه علمی - تخصصی محفل، ش ۷، ۱۳۹۱ ش.
۲۰. نوری، اعظم، «آثار اجتماعی حجاب در جامعه»، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، نشریه روزنامه کیهان، ۱۳۸۸ ش.

نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی از دیدگاه آموزه‌های دینی

معصومه بخشی*

چکیده

ساخت خانواده، مجموعه‌ای از انتظارات عملکردی است که شیوه‌های مراوده یا میان‌کنش‌های اعضای خانواده را سامان می‌دهد. خانواده، نظامی است که عملکرد آن از طریق مراوده شکل می‌گیرد. این مراودات با میان‌کنش‌ها، سبب پدید آمدن الگوهایی می‌شوند؛ از جمله اینکه چطور، چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار شود؟ درواقع رفتار اعضای خانواده با میان‌کنش‌ها نظم می‌یابد. به بیان دیگر ویژگی فطری انسان همواره در جهت مواجهه و تکاپو با انواع چالش‌ها در جوامع به‌ویژه در محیط خانواده بوده است و همواره نیازمند تدبیر برای مواجهه با انواع مشکلات است. این نوشتار ابتدا مفهوم مادر و اقتصاد را بیان می‌کند؛ سپس به بیان نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی از دیدگاه آموزه‌های دینی می‌پردازد و دیدگاه‌های قرآن را برای راهنمایی مادران و نظرهای اسلام برای تربیت و تقویت روحیه پایدار در خانواده و تربیت اقتصادی خانواده را با دلایلی تفسیری و دینی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: مادر، اقتصاد، خانواده.

مقدمه

خانواده از دیدگاه اسلام، یک واحد زنده و تکامل دهنده بخش استعدادهای فطری و وجودی نهفته در انسان هاست. به ارزش و منزلت خانواده در جوامع مختلف بیش از اندازه توجه می‌شود؛ به گونه‌ای که کارکردهای چندساحتی و روش‌های گوناگون تربیتی که در خانواده‌ها به کار گرفته می‌شود، همگی در جامعه به همان میزان تأثیر می‌گذارد. تحول انسان در جایگاه اشرف مخلوقات، فرایندی پیچیده از تعامل عوامل گوناگون زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی است که در نتیجه آن قابلیت‌های تفکر، زبان، خالقیت، حل مسئله، خودآگاهی و توانایی برقراری ارتباط صمیمی و روابط عاطفی با انسان‌ها شکل می‌گیرد. والدین در تربیت صحیح و آموزش صحیح اقتصادی نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در شکل‌گیری شخصیت و مدیریت از هر لحاظ در مقابل انواع مشکلات دارند. توجه به موقعیت زنان در جایگاه نیمی از منابع انسانی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا حضور آنها در بخش وسیعی از فعالیت‌های جامعه، از جمله مدیریت با تنگنایی همراه است که توسعه‌یافتگی یک جامعه مرهون تحول در وضعیت زنان و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. امروزه اهمیت نقش مادر در تربیت و پرورش فرزند بر کسی پوشیده نیست. یکی از مهم‌ترین نقش‌های مادر که امری پذیرفته‌شده است، در تربیت اقتصادی است. تحقیقات زیادی در سطح جهان درباره عوامل مؤثر بر تربیت اقتصادی کودکان و نوجوانان انجام شده است. نهاد خانواده با انواع مشکلات و چالش‌هایی روبرو است که بحث برگزیده این مقاله پاسخ به این پرسش است که نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه پویا با فشارهای اقتصادی چیست؟ همه جوامع بر این باور رسیده‌اند که همواره مادر تأثیرگذاری بیشتری از پدر در تربیت فرزند از جمله تربیت اقتصادی دارد؛ به طوری که اگر نگرش مادر مادی‌گرایانه باشد، آثار منفی بسیاری در طرز نگرش فرزندان و خانواده ایجاد می‌کند و اگر نگرش مدیریتی و حمایت‌گونه و تسلط‌یافتن بر شرایط پیش آمده باشد، تأثیر بسیار زیادی در الگوپذیری و شکل‌گیری شخصیت و حتی تربیت خانواده‌ای پایدار و مقاوم دارد. بنابراین بررسی و تبیین نقش مادر در مواجهه با مشکلات اقتصادی و تأثیرپذیری خانواده در شرایط جامعه امروزی و اقتصاد مقاومتی و عمل به توصیه‌های آموزه‌های دینی و نیز توصیه رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌الله ضرورت می‌یابد. نوشتار حاضر با هدف بیان نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی با روش توصیفی - کتابخانه‌ای سامان یافته است.

پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه این تحقیق، مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل واسطه‌ای در مسیر اثرگذاری بر تربیت اقتصادی فرزندان از طریق مادران» نوشته زهرا خدادوست، وحید ارشدی و آزاده ظفرمند و نیز کتاب مدیریت اقتصاد در خانواده اثر احمد صافی یافت شد. احمد صافی در کتاب خود افزون بر اشاره به مباحث مدیریت خانواده، گفتارهایی سودمند درباره اقتصاد خانواده دارد و نیز به نقش مدیریت خانواده در میانه‌روی و صرفه‌جویی می‌پردازد و نمونه‌هایی ملموس و عینی از خانواده‌هایی کامیاب در این باره یادآور می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مفهوم‌شناسی لغوی مادر

مادر به زنی گفته می‌شود که یک یا چند فرزند به دنیا آورده باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۲، ص ۱۷۵۸۵). معادل عربی آن «أُمُّ» در اصل به معنای اصل و ریشه هر چیز و ستون آن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۶۳). «والده» از ریشه «وَلَدَ» به معنای زاینده فرزند است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۴۶۷). مفهوم مادر در قرآن کریم به شکل‌های مختلفی از جمله مفرد «أُمُّ» (قصص: ۷؛ احقاف: ۱۵)، جمع «أُمّهات» (نساء: ۲۳)، «والده» و جمع «والدات» (مریم: ۳۲) به کار رفته است. برخی لغت‌شناسان برای واژه «ام» معناهای دیگری همچون «جماعت»، «دین» و «مرجع» بیان کرده‌اند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۲۲۲۲).

۱-۲. اقتصاد در لغت

اقتصاد نقطه‌ی مقابل اسراف است (فراهمی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۲۴۴). اِقْتِصَاد بر دو گونه است؛ اول: اقتصاد پسندیده به طور مطلق در میانه‌روی چیزی که دو طرف افراط و تفریط دارد؛ مثل جود یا بخشش که میان حالت زیاده‌روی و بخل قرار دارد و شجاعت که حالتی است بین تهور و ترس و مانند اینها؛ دوم: اقتصادی که به طور کنایه از آنچه میان حالت پسندیده و ناپسند قرار می‌گیرد، مثل قرارگرفتن میان عدل و جور (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۱۹۸).

۱-۳. اقتصاد در اصطلاح

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه فرمود: «ما عال من اقتصد»؛ یعنی کسی که در هزینه کردن اعتدال پیشه کند هرگز فقیر نخواهد شد. (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ص ۴۹۴) اقتصاد در زندگی یعنی حد وسط اسراف و صرفه‌جویی است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۲۸).

۲. نقش مادر در پرورش فرزندان

بخشی مهمی از رشد کودک در محیط خانه به‌ویژه بر اساس شیوه تعامل مادر و الگوی تربیتی او شکل می‌گیرد؛ زیرا اگرچه فعالیت وجدان اخلاقی بر پایه شناخت عقلانی استوار است و موهبت الهی است؛ اما عقل قابل تربیت، تقویت و تکامل است (عساکره و دیبا، ۱۳۹۷: ص ۱۹). ما می‌کوشیم تا زندگی پر از رفاه و آرامشی داشته باشیم، نه اینکه هر قدر تلاش مان بیشتر شود، حسرت مان هم افزایش یابد. کودکان تجمل‌گرایی را از والدین شان می‌آموزند و این ظاهرینی آنها را به سوی پوچی هدایت می‌کند، نه معناگرایی (سقلاطونی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۰). مادران در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری بر فرزند را دارند؛ به‌ویژه در خانواده‌هایی که زیست طبیعی و مطابق با الگوها و سنت اسلامی دارند که شیر مادر بهترین غذای کودک و آغوش او بهترین جایگاه برای تربیت و پرورش کودکان شناخته می‌شود. بر اساس همین نگرش، بارزترین و والاترین نقشی که در کلام و حیانی قرآن برای زنان ترسیم و ستایش می‌شود، نقش مادری و عهده‌داری تربیت فرزندان از سوی آنان است (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۲۵). مهم‌ترین عامل مؤثر در روابط بین کودکان و بزرگسالان در مدرسه و خانه، ایجاد تغییرات و پدیدآمدن تحولات در روابط پدر و مادر است. رشد ایمان و شخصیت زنان در ابتدای انقلاب و حوادث جنگ تحمیلی و نقش مؤثر آنها در رویدادهای مهم و سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی، به آنان ارزش بخشید. بعضی از زنان در زمان جنگ تحمیلی، با بسیج خود و فرزندان شان در میدان مبارزه و جهاد و نیز پشتیبانی و دلگرمی بخشیدن به آنها، نقش مهمی را در خانواده ایفا کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با بازشدن فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، توانایی و عملکرد زنان افزایش یافت. آنان دریافتند که با رعایت پوشش اسلامی و حفظ عفت و پاکدامنی می‌توانند با وجود عهده‌دارشدن وظیفه اصلی مادری، نقش مثبت و مؤثری در رشد و تحول خانواده و جامعه بر عهده گیرند (فرهادیان، ۱۳۸۷: ص ۳۷).

۳. نقش غیرمستقیم مادر در تربیت اقتصادی فرزندان

پروردگار بزرگ، اولین مربی انسان‌هاست. او انسان را با حوادث و رویدادهای طبیعی تربیت می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۶۸، ص ۳۸۲). هنگامی که ما خود را در محضر خدا می‌بینیم، با توجه او تربیت خواهیم شد؛ زیرا «لَا مُؤَثَّرَ فِی الْوُجُودِ إِلَّا لِلَّهِ» (طباطبایی، ۱۴۰۴: ص ۱۷۶)؛ همه اثرها از سوی اوست. بنابراین همه کارها، تحول افراد، تغییر رفتارها، دگرگونی قلب‌ها و بینش‌ها به دست اوست: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْإِبْصَارِ» (نور:

۳۷). اگر در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام نیک بنگریم، درمی‌یابیم که آنان نیز برای تربیت خویش از خداوند متعال مدد می‌جستند؛ درحالی‌که خود الگوی تربیت بودند. توجه اطرافیان کودک به او موجب آرامش، امنیت خاطر و اعتمادبه‌نفس او می‌شود. او احساس ارزشمندی و موفقیت می‌کند، نیازش به محبت تأمین می‌شود، عزت نفس در وی قوت می‌گیرد و احساس وجود می‌کند (فرهادیان، ۱۳۸۷: ص ۴۶). همان‌طور که والدین در خانواده باید مدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی را برای ایجاد روابط دوستانه و رسیدن به تکامل اعضای خانواده بر عهده گیرند و اعمال کنند، در هزینه‌کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مدیریت است.

اهمیت مدیریت منابع اقتصادی در خانواده تا آنجاست که مدیریت صحیح در این بخش می‌تواند منجر به تحکیم بنیان خانواده و کاهش تنش‌ها و مشکلات خانوادگی شود. مدیریت مالی خانواده باید با چه کسی باشد؟ معمولاً مشارکت پدر و مادر در این امر منجر به موفقیت خانواده در امور مالی و کاهش مشکلات اقتصادی می‌شود؛ اما بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند زنان به دلیل دقت نظر در اداره کردن امور مالی خانواده، از موفقیت بیشتری برخوردارند (بهشتی‌پور، ۱۳۹۱: ص ۳۰).

۳-۱. آموزش حفظ اموال

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا. وَ اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داده است، به سفیهان ندهید» (نساء: ۵). همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ: هر کس ضمن دفاع از مال خویش کشته شود، شهید است» (متقی، [بی‌تا]: ج ۱۰، ص ۱۸۳). این دو گفتار ارزشمند از باری تعالی و رسولش، بیان‌کننده ارزش مال و نقش آن در پایداری زندگی است و این حقیقت را بیان می‌کند که در حفظ آن باید کوشا بود. محافظت در سطح خرد می‌تواند حفاظت از اموال خود و خانواده و در سطح کلان حفاظت از اموال عمومی (بیت‌المال) را دربرگیرد. با درک اهمیت حفظ اموال از سوی خانواده، بهتر است آموزش آن از زمان خردسالی فرزندان آغاز شود؛ یعنی زمانی که بچه‌ها احساس می‌کنند چیزی متعلق به آنهاست یا با رفتار خود مالکیت خود را به دیگران نشان می‌دهند. این آموزش‌ها می‌تواند از آموزش حفظ و نگهداری وسایل شخصی، کتاب، نوشت افزار، لوازم ورزشی و پول آغاز شود و به تدریج حفاظت از اموال خانواده را دربرگیرد و درنهایت به حفاظت از اموال عمومی ختم شود؛ برای مثال خانواده‌ها می‌توانند روش حفظ و نگهداری اسکناس را با خرید یک کیف پول و هدیه به فرزند خود آموزش دهند و به آنها

یادآوری کنند پول نعمتی از جانب خداست و از زحمات پدر و مادر به دست می‌آید؛ پس نباید آن را به راحتی از بین ببرند (بافکار، ۱۳۹۰: ص ۷۵-۷۶).

۲-۳. آموزش پس انداز

رسول خدا ﷺ درباره ارزش پس انداز می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً اكْتَسَبَ طَيِّبًا وَاتَّقَى قَصْدًا وَقَدَّمَ فَضْلًا لِيَوْمٍ فَتْرَهُ وَحَاجَتَهُ: خدا رحمت کند کسی را که کسب حلال کند و با اعتدال هزینه کند و مازاد آن را برای روز تنگدستی و نیازمندی از پیش فرستد» (فرید تنکابنی، ۱۳۸۳: ص ۴۳۱). این کلام حضرت نشان می‌دهد که فرد مسلمان باید در اقتصاد و معیشت، میانه‌رو و آینده‌نگر باشد تا دست نیاز به سوی هر کسی دراز نکند و برای مبلغ اندکی، شخصیت و منزلت انسانی خود را کوچک نکند. سرپرست خانواده‌ها افزون بر اینکه باید به اهمیت و ارزش پس انداز در زندگی آگاه باشند، باید بکوشند این ارزش مهم اقتصادی را به شکل مطلوب به فرزندان خود انتقال دهند تا از کودکی در درآمد و هزینه، فردی میانه‌رو، اقتصادی و خوداتکا تربیت شوند و بتوانند با درآمدهای خود هزینه را مدیریت کنند و ضمن برآورده کردن نیازهای خود، برای روز مبادا نیز پشتوانه‌ای داشته باشند. درواقع بهتر است فرزندان از سنین پایین با چشیدن طعم شیرین آثار پس انداز، به اهمیت و ارزش آن در زندگی پی ببرند. همچنین بهتر است خود والدین پیش قدم شوند؛ یعنی افزون بر اینکه برای خود حساب پس انداز افتتاح می‌کنند، برای یک‌یک فرزندان نیز هرچند به مبلغ اندک حساب باز کنند و آنها را تشویق کنند در هر فرصتی (هدیه، عیدی، پول جیبی، دستمزد و...) که مبلغی به دست می‌آورند، بخشی از آن را پس انداز کنند؛ حتی والدین می‌توانند هزینه‌هایی که در طول سال برای پوشاک، خرید لوازم التحریر، لوازم ورزشی و... فرزندان در نظر گرفته‌اند، به صورت نقدی به آنان پرداخت کنند و مراقب باشند آنان در حسابشان پس انداز کنند تا هنگام خرید، با نظارت پدر و مادر، فرزندان آن را از حساب بردارند و هزینه کنند. به یقین این گونه آموزش‌ها سبب خواهد شد فرزندان مطابق با درآمد خود هزینه کنند و از نظر اقتصادی فشار کمتری به خانواده‌ها وارد سازند. خوشبختانه امروزه پرداخت یارانه‌ها از سوی دولت، فرصت مناسبی برای خانواده‌ها فراهم آورده است تا با تمرین این گونه آموزش‌ها در خانواده، آینده‌سازان ایران اسلامی را هرچه بیشتر با ارزش‌های اقتصادی آشنا کنند (بافکار، ۱۳۹۰: ص ۷۸-۷۹). پس انداز کردن و مصرف به اندازه اگر به شکل یک فرهنگ درست به کودکان آموزش داده شود، کودکان به جای مصرفی بارآمدن یاد می‌گیرند از آنچه دارند، چگونه استفاده کنند (سقلاطونی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۰).

۳-۳. تشویق به مصرف کالای ملی

تغییر نگرش خانواده‌ها و استفاده از کالای ایرانی و حمایت از تولید داخلی ضرورت است و زنان می‌توانند در این زمینه راهبر باشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بخشی از پیام نوروزی خود فرمود: «ما باید بتوانیم از کارِ کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه‌دار ایرانی حمایت کنیم و این فقط با تقویت تولید ملی امکان‌پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه تولید و اتقان در کار تولید است و سهم مردم که از همه اینها مهم‌تر است، مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به‌جد پرهیز کنیم، در همه زمینه‌ها، زمینه‌های مصارف روزمره و زمینه‌های عمده‌تر و مهم‌تر. بنابراین ما امیدوار هستیم که با این گرایش، با این جهت‌گیری و رویکرد، ملت ایران در سال ۹۱ هم بتواند بر توطئه دشمنان، بر کید و مکر بدخواهان در زمینه اقتصادی فایز بیاید» (رنیسی، ۱۳۹۱: ص ۸۳). ما برای حمایت از کالای ایرانی باید ذهن‌ها را آماده کنیم. فرهنگ‌سازی حمایت از کالای ایرانی را باید از خانه آغاز کرد. گفتگوهای خانوادگی و بازی والدین با بچه‌ها هم باید در راستای حمایت از کالای ایرانی باشد. ذهن بچه‌ها را باید برای تلاش جهت آبادانی کشور آماده ساخت. گاهی ما در فضای خانه نیز فرهنگ‌سازی منفی می‌کنیم؛ از تعطیلی ابراز خوشحالی می‌کنیم، با برندهای خارجی تفاخر می‌کنیم و افق زمانی کوتاه‌مدت را در ذهن کودکانمان تثبیت می‌کنیم. گاهی والدین با اصرارشان به بچه‌ها برای انتخاب مشاغل پول‌ساز، فرهنگ کار و تلاش را تخریب می‌کنند (توکلی، ۱۳۹۱: ص ۷۹).

۳-۴. ایجاد رفتار اقتصادی با گفتگو

یکی از روش‌های تربیت برای ایجاد رفتار اقتصادی، ترتیب‌دادن گفتگوهای خانوادگی درباره مسائل اقتصادی است. پرسش‌های فرزندان، رویدادهای اقتصادی جامعه [جهاد اقتصادی]، کم‌وزیادشدن درآمد خانواده و ... فرصت‌های مناسبی است که گفتگوهای خانوادگی انجام گیرد. پدران و مادران آگاه از این موقعیت‌ها استفاده می‌کنند و به فرزندان خود آموزش‌های لازم را ارائه می‌دهند. از مهم‌ترین مباحثی که می‌تواند در گفتگوهای خانوادگی طرح شود، تبیین پایگاه اجتماعی خود است؛ زیرا امکان دارد کودکان و نوجوانان در مدرسه و اجتماع یا مهمانی‌ها و

مجالس با افرادی برخورد کنند که از نظر پایگاه اجتماعی در رتبه بالاتری قرار داشته باشند؛ بنابراین شاید خیلی راحت‌تر و آزادتر هزینه کنند و این مسئله ممکن است پرسش‌ها و ابهام‌هایی برای فرزندان به وجود آورد یا انگیزه‌ای به وجود آورد که از جایگاه خود احساس نارضایتی کنند و درخواست‌های گوناگونی از والدین داشته باشند. از این رو باید برای آنها شرح داده شود که هر خانواده جایگاه اقتصادی خاصی دارد که باید بر اساس آن هزینه کرد و احساس رفاه و آسایش در خانواده مهم‌تر از داشتن اسباب و وسایل متعدد است. چه بسیار خانواده‌هایی که با وجود داشتن امکانات رفاهی فراوان، احساس رضایت و آرامش نمی‌کنند (کشوری، ۱۳۹۲: ص ۸۱-۸۲). همچنین باید این گفتار امام علی علیه السلام را به فرزندان یادآور شد که فرمود: «قِوَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مِلَاكُهُ حُسْنُ التَّدْبِيرِ: قوام و نظام زندگی به خوب اندازه‌گرفتن زندگی است و ملاک آن تدبیر نیکو است» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۲۳۴).

۵-۳. آموزش قناعت

اصل قناعت از ارزش‌های اخلاق اسلامی دانسته می‌شود؛ همچنین یکی از فضایل اولیای الهی به معنای رضا و خوشنودی، راضی بودن به کم و صرفه‌جویی است. قانع به کسی اطلاق می‌شود که به آنچه به او می‌دهند، راضی و خوشنود باشد. البته مقصود از قناعت، فقر و نداری و از سوی دیگر سخت‌گیری بر خانواده حتی در زمان ثروت و مکنت نیست، بلکه به معنای راضی بودن به آنچه است که با تلاش و کوشش به دست می‌آورد (حاجیان، ۱۳۹۷: ص ۲۴۰). امام ششم علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند رسولانش را به مکارم اخلاق مخصوص گردانیده است؛ پس خود را نیازماید که اگر آن مکارم در شما بود، خدا را سپاس گوید و بدانید که خیر شما در آن است. و اگر در شما نبود، از خدا بخواهید و به آن رغبت داشته باشید»؛ سپس فرمود: «آن خصلت‌ها عبارت‌اند از: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، سخاوت، غیرت، شجاعت و مروت و ...» (کلینی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۵۷). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «قناعت، مال و ثروتی است که نابود نمی‌شود» (حر عاملی، ۱۳۸۶: ج ۱۵، ص ۱۹۵). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «قناعت گنج و ثروت من است» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱، ص ۱۷۳). از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: مردی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حال زندگی‌اش سخت شد. همسرش گفت: ای کاش خدمت پیغمبر می‌رفتی و از او چیزی می‌خواستی. مرد خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و چون حضرت او را دید فرمود: «هرکه از ما سؤال کند، به او عطا می‌کنیم و هرکه بی‌نیازی جوید، خدایش بی‌نیاز می‌کند». مرد با خود گفت: مقصودش جز من نیست؛ پس به سوی همسرش آمد و به او خبر داد. زن گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی از دیدگاه آموزه‌های دینی ■ ۱۴۳

هم بشر است و از حال تو خبر ندارد، او را از حال خودت آگاه کن. مرد خدمتش آمد و چون حضرت او را دید فرمود: «هرکه از ما سؤال کند، به او عطا می‌کنیم و هرکه بی‌نیازی جوید، خدایش بی‌نیاز می‌کند» تا سه بار آن مرد چنین کرد. سپس رفت و کلنگی عاریه کرد و به جانب کوهستان رفت. از بالای کوه مقداری هیزم جمع‌آوری کرد و آورد و به نیم‌چارک آرد فروخت و آن را به خانه برد. فردا هم رفت و هیزم بیشتری آورد و فروخت و همواره کار می‌کرد و می‌اندوخت تا اینکه خودش کلنگی خرید. باز هم کار کرد تا دو شتر و غلامی خرید و فرمود: «الْقَنَاعَةُ رَأْسُ الْغِنَى: قناعت، رأس بی‌نیازی و ثروت است» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۹۵: ج ۸، ص ۲۰۸ و ۲۸۱).

۴. نقش مستقیم مادر در اقتصاد خانواده

مادر با ایفای نقش مفید خود در خانواده و کمک به اقتصاد خانواده می‌تواند به اشتغال در خانه یا جامعه بپردازد که در آیات و روایات نیز با مشخص کردن حدود و مرزهای لازم به امر اقتصادی توصیه کرده‌اند. کارکردن مادران به دو شکل انجام می‌گیرد: ۱. اشتغال؛ ۲. خانه‌داری.

۴-۱. اشتغال

واژه «اشتغال» در زبان فارسی به معنای «به‌کاری پرداختن، مشغول‌شدن، به‌کاری درشدن، به‌کاری سرگرم‌شدن» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۲۲۲۶). امروزه اشتغال زنان در جامعه در جایگاه نیروهای متخصص و مفید از ضرورت‌های درخور توجه است. حضور همگان اعم از زن و مرد در صحنه اجتماع، ضرورتی انکارناپذیر است. اگر انسان موفق به حضور در مسئله‌ای اجتماعی نشود، از فیضی بی‌بهره می‌ماند که جبران آن فقط با استغفار رسول‌الله الاعظم ترمیم می‌شود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ» (نور: ۶۲). دین از آنجاکه بشر را با دید جمعی می‌نگرد، برای انسان به هويت جمعی معتقد است که با شرکت همه افراد جامعه تحقق‌پذیر است (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ص ۳۸۴). اگر پذیرفته‌ایم که مسئولیت فرزندان مان بر عهده ماست، باید بپذیریم که ما مسئول روزی حلال و حرام آنان هم هستیم. داشتن درآمد حلال باید بزرگ‌ترین دغدغه هر پدر و مادری باشد؛ زیرا کودکان با همین لقمه‌ها رشد می‌کنند و جامعه فردا را شکل می‌دهند (سقلاطونی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۱). وظیفه زنان در بیرون از خانه نباید نقش آنها را در کانون خانواده تضعیف کند؛ زیرا حفظ بنیاد خانواده، مسئولیت اصلی و اولیه زنان است (سقلاطونی، ۱۳۹۱: ص ۹۰). امام خمینی علیه السلام درباره اشتغال زن می‌فرماید: «در نظام اسلامی، زن می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد» (خمینی، [بی‌تا]: ج ۵، ص ۲۱۶). خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ

الْأَرْضَ بَسَاطًا * لِيَتَّخِلُوا مِنْهَا سَبُلًا فِجَاجًا: خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد تا از راه‌های وسیع و از دره‌های آن بگذرید» (نوح: ۱۹-۲۰).

۲-۴. خانه‌داری

خانه‌داری از دیدگاه اسلام، شغل بسیار شریف و ارزشمندی است. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله هنگام تقسیم وظایف بین علی و فاطمه علیهما السلام فرمود: «کارهای بیرون از خانه مانند آوردن آب و مواد غذایی سهم علی علیه السلام و کارهای درون خانه مانند آشپزی و نظافت منزل سهم فاطمه علیهما السلام است». فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «خدا می‌داند چقدر از این تقسیم کار شادمان شدم که پیامبر صلی الله علیه و آله سختی کار بیرون را از عهده من برداشت» (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۴۳، ص ۸۱). همچنین از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام درباره ارزش خانه‌داری نقل شده است: «هیچ زنی نیست که دیگ غذایش را بشوید مگر آنکه خداوند او را از گناهان و خطاها می‌شوید» و نیز می‌فرماید: «هیچ زنی نیست که هنگام نان پختن عرق کند مگر آنکه خداوند بین او و جهنم هفت خندق قرار دهد» (حر عاملی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۹). یکی از مکتب‌هایی سازندگی فوق‌العاده‌ای برای انسان دارد، محیط خانه است. زن و مرد در محیط خانه می‌توانند بسیاری از فضایل انسانی را کسب کنند و رذایل اخلاقی فراوانی را از خود بزدایند. اگر بگوئیم محیط خانه مانند جبهه مکتب انسان‌سازی است، مبالغه نکرده‌ایم (مظاهری، ا.ی.تا: ص ۹۸). انجام کارهای خانه مانند جارو، آشپزی، شستن لباس و تربیت فرزند از نظر شرع واجب نیست (معصومی، ۱۳۸۰: ص ۶۴)؛ ولی انجام هر کدام از این وظایف می‌تواند در اقتصاد خانواده و جلوگیری از هدررفتن سرمایه مؤثر باشد.

۵. اقتصاد معیشتی از نظر قرآن کریم

در فرهنگ اسلامی، دستیابی به خواسته‌های اقتصادی و نیازمندی‌های معیشتی باید در پرتو رعایت «اخلاقیات» الهی انجام پذیرد. درواقع ضرورت تأمین نیازهای مالی و مسائل اقتصادی زندگی انسان، اصلی انکارناپذیر است. ابوذر غفاری می‌گفت: «ان النفس اذا احترزت قوتها اطمأنت: نفس آدمی وقتی غذای زندگی صاحب خود را مهیا ببیند، آرامش می‌یابد» (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ص ۱۳۵). همچنین در حدیث آمده است: «لولا الخبز ما صلینا ولا صمنا: اگر نان نباشد، ما موفق به انجام نماز و روزه نخواهیم شد» (کلینی، ۱۳۹۷: ج ۵، ص ۷۳). این سخن به اهمیت تأثیر فقر معیشتی در زندگی ما و همچنین این حقیقت اشاره دارد که باید برای تأمین نیازهای زندگی تلاش کرد؛ ولی مسئله حلّ مشکل معیشتی از راه‌های صحیح، یعنی خداپسندانه و همچنین در سایه رعایت اخلاق معیشتی مخصوص به خود مجاز است؛ زیرا آدمی آزاد نیست که از هر راهی

کسب ثروت کند؛ پس باید در پرتو مجوزهای اخلاقی اسلامی به عملیات اقتصادی و کسب ثروت اقدام کند. «اخلاقی» که ریشه در مبادی و حیانی و مسائل اسلامی دارد و ندای آسمانی «الْفَقُّهُ ثُمَّ الْمَتَجَرُّ» اول فقه‌آموزی و سپس انجام عملیات مالی و تجاری» (کلینی، ۱۳۹۷: ج ۵، ص ۱۵۰) این مطلب را تأیید می‌کند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة: طلب مال حلال فریضه‌ای برای هر مرد و زن مسلمان است» (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۲۳، ص ۶). این حدیث بار فرهنگی خاصی را تداعی می‌کند؛ یعنی و فقه اسلامی، حلال و حرام و همچنین اخلاق اسلامی، باید‌ها و نبایدها و نیز مورد تأیید یا تکذیب‌بودن نوع مصرف به اندازه مجاز جمع ثروت را بازگو کرده است؛ همچنین فرهنگ خاص مربوط به عرصه کسب ثروت را ترویج می‌نماید که مجموع این‌گونه احکام و مسائل را اخلاق معیشتی گویند (بافکار، ۱۳۹۰: ص ۹۸). بهترین خط اقتصادی برای ما و همه ملل آزاده جهان که می‌خواهند مستقل و آزاد زندگی کنند و زیر سلطه هیچ ابرقدرتی نباشند، همان خط معروف نه شرقی و نه غربی است؛ خطی که ما را به ترک هرگونه وابستگی دعوت می‌کند؛ خطی که ما را به سوی خودکفایی در تمام زمینه‌ها پیش می‌برد. خلاصه خطی که به ما اجازه می‌دهد خودمان باشیم و نه بیگانه از خود. ما بهترین راه رسیدن به خط را در اقتصاد اسلام می‌دانیم؛ اقتصادی که تمام ویژگی‌های ضد استعماری در آن نمایان است و از هرگونه گرایشی به اقتصادهای استعماری شرق و غرب خالی است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰: ص ۸).

نتیجه

با توجه به نقش مؤثر خانواده در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزندان و ضرورت توجه والدین به کیفیت روابط و مواجهه فرزندان در مقابل انواع فشارهای حاکم در خانواده که با تأثیرپذیری مستقیم یا غیرمستقیم مادر مرتبط است، ضرورت پرداختن به موضوع نقش مادر در خانواده در مواجهه پویا با فشارهای اقتصادی اهمیت می‌یابد. مادران می‌توانند تأثیرگذاری مثبت یا منفی داشته باشند که با توصیه آموزه‌های دینی از جمله «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا * لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا» با تشویق و ترغیب به کسب درآمد از آفریده‌های خداوند، به صورت جدی اقدام به تربیت کنند و با یاری خداوند در قلوب آنها تأثیر بگذارند و خانواده موفق و پویایی تحویل جامعه دهند. نتیجه کامل و نهایی نوشتار این است که نقش مادر در پویایی خانواده انکارناپذیر است و همواره تأثیر تربیت وی در زندگی و خانواده مشاهده می‌شود.

کتابنامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، مترجم: علی کمره‌ای، چ ۹، [بی‌جا]: کتابچی، ۱۳۸۱ ش.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. بافکار، حسین، نقش و کارکرد خانواده در جهاد اقتصادی، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ ش.
۵. بهشتی‌پور، محسن، مدیریت خانواده، چ ۲، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱ ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم، مترجم: سید جلال‌الدین حسینی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
۷. توکلی، محمدجواد، حمایت از کالای ایرانی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱ ش.
۹. حاجیان، اسماعیل، اخلاق مهدوی، چ ۲، قم: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۷ ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، چ ۱۰، قم: کتابچی، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. حسینی‌نژاد، مجتبی، نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، قم: اثر قلم، ۱۳۹۹ ش.
۱۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، [بی‌تا].
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، چ ۲، تهران: روزنه، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، چ ۲، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. رئیسی، حسین، رسانه و نقش خانواده در تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ ش.
۱۶. سقلاطونی، مریم، به رنگ زندگی، چ ۲، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، نه‌ایة الحکمه، چ ۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چ ۳، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۹. عساکره، هاجر و حسین دیبا، «نقش مادر در شکل‌گیری وجدان اخلاقی»، پژوهشگاه علوم اسلامی، ش ۳۳، ۱۳۹۷ ش.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ ۲، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.

نقش مادر در خانواده پایدار در مواجهه با فشارهای اقتصادی از دیدگاه آموزه‌های دینی ■ ۱۴۷

۲۱. فرهادیان، رضا، خانواده و تحول در تربیت، چ ۴، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. فرید تنکابنی، مرتضی، نهج الفصاحه (موضوعی)، چ ۱۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲۳. کشوری، مجید، اقتصاد در خانواده، [بی‌جا]، صیانت، ۱۳۹۲ ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۷ ش.
۲۵. متقی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، محقق: محمود عمر دمیاطی، لبنان: دار الکتب العلمیه، [بی‌تا].
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی چ ۴، [بی‌جا]، [بی‌نا]، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، چ ۱۵، قم: مؤسسه دار الحدیث، ۱۳۹۵ ش.
۲۸. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، قم: شفق، [بی‌تا].
۲۹. معصومی، مسعود، احکام روابط زناشویی و روابط اجتماعی آنان، تهران: ندای دوست، ۱۳۸۰ ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، چ ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۶۰ ش.
۳۱. نوایی نژاد، شکوه، روان‌شناسی زن، چ ۲، تهران: انتشارات علم، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.

